



ابتدایی ترین نیاز غیرزیستی انسان، نیاز به احساس امنیت است .

ایجاد احساس امنیت در فرد به وجود امنیت فردی و امنیت اجتماعی وابسته است. به میزانی که احساس امنیت فردی (درونی) افزایش یابد، غلبه بر مشکلات اجتماعی آسان تر می شود.

یکی از مهمترین عوامل در ایجاد امنیت فردی، اشتغال است. تجربه احساس امنیت زمانی به وجود می آید که فرد خود را قادر به برآورده نمودن نیازهای مختلف خود بداند و احساس خودکفایی داشته باشد. به عبارت دیگر، خود را حاکم بر زندگی خود دانسته و برای رفع نیازهای مختلف محتاج دیگران نباشد. زندگی اجتماعی یعنی دادوستد و از تعامل دو طرفه انسان ها با یکدیگر به وجود می آید. اگر فرد احساس کرد که رابطه ای یک طرفه با دیگری دارد، چه به صورت دهنده خدمات و چه به صورت گیرنده خدمات، این رابطه رضایتبخش نخواهد بود چرا که احساس استقلال فرد را خدشه دار می کند. به همین دلیل است که بحث اشتغال از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اشتغال از طرفی منجر به خودکفایی اقتصادی فرد می شود و به او احساس قدرت می دهد و از طرف دیگر، برای او هویت اجتماعی ایجاد کرده و نیاز به تعلق و حضور در بین جمع را برآورده می کند و همچنین نیرو و توانایی های او را جهت می دهد و عرصه ای عینی برای تبلور توانایی های او ایجاد می کند. البته باید گفت که اهمیت بعد دوم اشتغال کمتر از بعد اول آن نیست. هستند افراد زیادی که نیاز و احتیاج مادی، موتور محرکه فعالیت های اقتصادی آنها نیست و فقط ارضای نیازهای هویتی انگیزه اصلی آنان برای کار می باشد. این در حالی است که اشتغال علاوه بر فایده فردی برای فرد شاغل، منجر به افزایش بهره وری اجتماعی و ارتقای سطح زندگی در جامعه نیز خواهد شد.

اما در جامعه تنها افراد سالم نیستند که نیاز به شغل دارند، کسانی که محدودیت حرکتی دارند (معلولان) نیز چون سایر افراد جامعه نیازمند اشتغال می باشند. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، مجلس شورای اسلامی، مصوب اردیبهشت ۱۳۸۳ با توجه خاص به این قشر از آحاد مردم قوانین را جهت ایجاد فرصت های برابر، برای آنها تصویب کرد. در این قانون امکان حضور برابر در جامعه امکان آموزش برابر، فرصت های شغلی برابر و در یک کلام فرصت های برابر برای افراد معلول جسمی و سالم دیده شده تا این افراد بتوانند با استفاده از فرصت های در نظر گرفته شده در این قانون به محدودیت های خود غلبه کنند. از آنجا که اشتغال و خودکفایی اقتصادی، تبلور و تعیین دستیابی به اهداف فوق است، اشتغال همه معلولان دورنمای کلیه سازمان هایی است که برای معلولان فعالیت می کنند.

سردبیر



# تازه چه خبر

## جشن مبعث



را دوچندان کرد. در بخش دیگری از مراسم موسیقی آذری، هندی، تقلید صدا، طنز ورزشی، با اجرای هنرمندانه آقای خجسته نمایش داده شد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

سپس آقای مهندس مهدوی مدیرعامل مجتمع نیکوکاری رعده ضمن تبریک این روز خجسته گزارش کوتاهی از برنامه‌های آتی مجتمع نیکوکاری رعده را به اطلاع حاضرین رساندند.

بعد از سخنرانی نیز به ۱۰ نفر از نقرات برگزیده مسابقات کتابخوانی که به مناسبت میلاد با سعادت حضرت علی(ع) و به همت کتابخانه مشارکتی رعده برپا شده بود، به قید قرعه جوایزی اهدا شد.

اسامی این ۱۰ نفر به شرح زیر است: مریم قاسمی، محمدرضا دانشی، آرزو نگاهی، پروین امینایی، سکینه مهدوی، مریم بیاکانی، مریم احساندار، لطیفه ندی، محمد علیزاده و غزل میرزایی و بالاخره مراسم با پذیرایی از میهمانان به پایان رسید.

مجتمع رعده به مناسبت مبعث رسول اکرم (ص) مراسم جشنی در سالن آمفی تئاتر مجتمع نیکوکاری رعده با حضور جمعی از میهمانان، کارآموزان و کارکنان این مرکز برگزار کرد.

مراسم با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید توسط آقای عطایی (از کارآموزان مجتمع رعده) آغاز گردید. سپس ترجمه آیات توسط آقای حیدری قرائت شد. پس از آن که دل‌ها با یاد خدا آرام گرفت، خانم توانا مجری برنامه ضمن خیرمقدم و اعلام برنامه شعری از سروده‌های خانم ندا مستقیم را به سمع نظر حضار رساند. در طول مراسم گروه سرود مجتمع نیکوکاری رعده چند سرود من جمله سرود ملی جمهوری اسلامی ایران را به سرپرستی آقای مهدی پور مربی سرود اجرا کردند. ضمناً تعدادی از کارآموزان رشته موسیقی مجتمع گوشه‌ای از توانمندی‌های خود را به نمایش گذاشته و قطعاتی را به وسیله ارگ اجرا کردند. در فواصل برنامه‌ها نیز اشعاری در مدح حضرت محمد(ص) توسط خانم توانا خوانده شد که معنویت مجلس



## مسابقه ویلچررانی



بود که در این روز با کمک همراه خود حرکات جالبی را با ویلچر انجام داده‌وی در این برنامه با پا زدن و حرکت به سمت عقب با راهنمایی و تشویق تماشاچیان، مسیر مسابقه را طی کرد.



داور مسابقه در پایان ایشان را به عنوان پرتلاش‌ترین و شرکت کننده اعلام نمود. پس از خاتمه یافتن مسابقه در ساعت ۱۱ کارآموزان پس از استراحتی کوتاه به کلاس‌های خود راهنمایی شدند.

اسامی نقرات برگزیده:  
مرتضی یزدی نفر اول  
محمدهادی حاج آقایی نفر دوم  
الهام مرادی نفر سوم  
و هادی محمدی گلپایگانی برنده افتخاری.



مسابقه ویلچررانی ویژه کارآموزان مجتمع آموزشی رعده در روز چهارشنبه، پانزدهم شهریور ماه برگزار شد.

این مسابقه را که کتابخانه مشارکتی رعده با همکاری واحدهای مختلف اداری، آموزش و روابط عمومی مجتمع برگزار کرد در محوطه حیات مجتمع اجرا شد.

در این برنامه که با هدف فرصتی برای تحرک، شادی‌آفرینی و افزایش توانمندی‌های کارآموزان طراحی شده بود، ۲۵ نفر کارآموز، ۲۰ نفر کارآموز پسر و ۱۵ نفر کارآموز دختر شرکت کردند. اجرای موسیقی زنده توسط آقای سعید اسکندری، یکی از توانیایان مجتمع، از برنامه‌های جنبی اجرا شده در روز مسابقه بود. هادی محمدی نیز یکی دیگر از کارآموزان رعده

## حضور مجتمع رعد در پانزدهمین نمایشگاه فرش

(اول تا هفتم شهریورماه ۱۳۸۵)



قول کمک مالی به مجتمع را دادند. همچنین طی این روز با آقای مجد مسوول سالن شرکت سهامی فرش مذاکره شد و ایشان ضمن معرفی مسوول بازرگانی شرکت، آقای همایی اسکویی، پیشنهاد کردند که نماینده‌ای از طرف رعد برای خرید انواع نخ با حداکثر تخفیف معرفی شود.

روزهای پنج‌شنبه و جمعه (دوم و سوم شهریور ماه نمایشگاه) نسبت به سایر روزها شلوغ‌تر بود و غرفه رعد نیز بازدیدکنندگان بیشتری داشت. طی این روزها توانستیم چندین نفر حامی جدید را با رعد مرتبط کنیم و آنان با پر کردن فرم عضویت به سیستم کمک مستمر به رعد پیوستند.

در روز دوشنبه ششم شهریور ماه کارآموزان کارگاه قالببافی مجتمع به همراه مربی خود از غرفه‌های نمایشگاه بازدید کردند که با توضیحاتی که مربی حین بازدید به آنها ارائه می‌داد، این بازدید برای آنها بسیار مفید و سودمند بود.

در طی برگزاری نمایشگاه فرش عده‌ای از بازدیدکنندگان از غرفه مجتمع رعد، پیشنهادهاتی به شرح زیر ارائه دادند: از جمله زوجی که خود دارای کارگاه فرشبافی بودند پیشنهاد کار در کارگاه خود را به کارآموزان دادند. فرد دیگری که در زمینه گلیم و گبه فعالیت می‌کرد و صاحب کارگاه بود پیشنهاد کرد که از این پس با در اختیار گذاشتن ابزار و نخ، به کارآموزان رعد سفارش بدهد.

یکی دیگر از اساتید فرش ایران ضمن اشاره به تاثیر روانی رنگ‌ها بر روحیه بافندگان توانیاب پیشنهاد

کرد کارآموزان به جای بافت فرش‌های خیلی ظریف به سمت یادگیری هنر بافت گبه بروند که هم کار روی آن با توجه به محدودیت جسمی برای آنان ساده‌تر است و هم تنوع رنگ‌ها در آن بیشتر است.

به جز آنچه ذکر شد نظرات بسیاری از بازدیدکنندگان نیز در دفتر مخصوص موسسه به همراه تلفن تماس افرادی که مایل به انواع کمک‌ها به مجتمع بودند یا علاقه‌مند به بازدید از آن و آشنایی با فعالیت‌های توانیابان از نزدیک بودند یادداشت شد که نیاز است هرچه زودتر با پیگیری مجتمع این افراد مشتاق و علاقه‌مند به فعالیت‌های نیکوکارانه به جمع حامیان رعد پیوسته و از حمایت‌های مادی و معنوی آنان بهره‌گیری شود.

پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی فرش ایران روز چهارشنبه اول شهریور ماه با حضور وزیر محترم بازرگانی و جمعی از مسوولان شرکت ملی فرش ایران و شرکت سهامی فرش در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی برگزار شد.

با پیگیری و هماهنگی روابط عمومی مجتمع و جلب مساعدت مسوولان برگزارکننده (شرکت سهامی فرش ایران) در این دوره، غرفه‌ای به مساحت ۱۲ مترمربع بین غرفه‌های دانشگاہیان و طراحان در سالن ۲۶B به مجتمع رعد اختصاص یافت.

هرچند که بافته‌های محدود و کوچک کارآموزان رعد در کنار فرش‌های نفیس و رنگارنگ عرضه شده در نمایشگاه نمی‌توانست خودنمایی کند، ولی به علت این که این بافته‌ها نشان دهنده تلاش انسان‌هایی خوش ذوق و صاحب خرد بود که سعی دارند با غلبه بر محدودیت جسمی، جایگاه واقعی خود را در جامعه کسب کرده و به زندگی مستقل و معاش شرافتمندانه برسند، بسیار مورد توجه بازدیدکنندگان به خصوص اقلشاری چون هنرمندان و صاحبان تخصص در زمینه‌های مختلف صنعت فرش قرار می‌گرفت.

روابط عمومی مجتمع با استفاده از فرصت پیش آمده، ضمن معرفی مختصر مجتمع به بازدیدکنندگان خاص توانست ارتباط مناسبی با افراد مسوول و تاثیرگذار در صنعت فرش برقرار کند، که اهم آنها به قرار زیر است:

در روز اول نمایشگاه آقای مزینانی مسوول و بنیان‌گذار تعاونی رفوگران فرش ایران با

فعالیت‌های مجتمع به ویژه کارگاه قالببافی آشنا شدند و در زمینه در اختیار گذاردن مواد اولیه رفوگری فرش و همچنین اعزام مربی جهت آموزش حرفه‌ای رفوی فرش قول همکاری دادند.

روز دوم با تلاش بسیار، موفق به دیدار با آقای عرب‌زاده از اساتید و صاحب‌نظران فرش ایران شدیم. ایشان ضمن بازدید از غرفه رعد تحت تاثیر آثار زیبای کارآموزان توانیاب قرار گرفتند و برای هرگونه همکاری اعلام آمادگی کردند.

در سومین روز به همراه مربی محترم کارگاه فرش رعد سرکار خانم بیوسه ضمن بازدید از سالن ۴۱ با آقای دردشتی از تجار معروف فرش اصفهان به گفت‌وگو نشستیم و ایشان پس از آشنایی با فعالیت مجتمع



## مراسم افطار در مجتمع رعد جشنی که هم فال بودو هم تماشا!



وقتی وارد مجتمع شدم فکر کردم امروز هم باید از مراسمی شبیه تمام افطاری‌ها، گزارش تهیه کنم. ولی یک دفعه با صحنه‌ای روبه‌رو شدم که یک لحظه میبوهتم کرد. چون تا به حال اینقدر مجتمع را شلوغ ندیده بودم. وقتی از کنار بچه‌ها گذشتم خیلی از آنها برایم ناآشنا بودند ولی دوستی و محبت میان آنها صحنه‌هایی به وجود آورده بود که در هیچ جا نمی‌توانستی این لحظات ناب را پیدا کنی. عده‌ای بعد از یک سال دیدارها را تازه می‌کردند. یک گروه شعرهای زیبا می‌خواندند و با گپ‌های خودمانی با تمام وجودشان لبخند می‌زدند. در این زمان بود که حال

می‌شدیم، خیرین و مهمان‌ها دعوت شده بیشتری یکی پس از دیگری وارد آمفی‌تئاتر می‌شدند. راس ساعت ۵ مراسم با قرائت قرآن کریم توسط آقای قاسم کرمی آغاز شد. سپس خانم توانا با خیر مقدم گویی به حضار، از خانم بازرگان (عضو هیات مدیره مجتمع) برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل آورد. ایشان پس از خواندن ۵ آیه از سوره بقره و تفسیر آن به این نکته اساسی اشاره کردند که هدف اصلی روزه پالایش روح و رسیدن به تقوا و یکی از نشانه‌های آن کنترل زبان و مبارزه با نفس است و باید از این ایام استفاده بهینه شود. پس از این سخنرانی‌ها گروه سواد با خواندن سرودهای بامدادان و ای ایران به سرپرستی آقای مهدوی‌پور، هنرنمایی کردند. در وقت افطار یکی از کارآموزان با اقامه اذان مغرب حالت ملکوتی خاص به مراسم داد. و مهمان‌ها برای صرف افطاری به خارج از آمفی‌تئاتر راهنمایی شدند. در کنار این مراسم باید از بازارچه‌ای که از کارهای کارآموزان برای بازدید و خرید برپا شده بود یاد کرد. در این میان عده‌ای از مهمانان همدلی خود را با کمک به صندوق مجتمع رعد که سرپرستی آن را خانم نوربخش برعهده داشت نشان دادند و از همه زیباتر همکاری پرسنل مجتمع و گروه تشریفات که از خود بچه‌ها تشکیل شده بودند بود، که اجرای مراسم را به بهترین نحو برعهده داشتند. در این میان خانم حقیقی با روپوش سفید جلب توجه می‌کرد. جای تاسف است که دو هنرمند محبوب و مردمی، خانم ملکه رنجبر و کیومرث ملک مطیعی زمانی وارد مجتمع رعد شدند که مراسم پایان یافته بود. حضور این دو هنرمند هرچند که خیلی کوتاه بود ولی توجه خیلی از بچه‌ها را به خود جلب کرد و باعث خوشحالی همه شد. به امید ادامه یافتن این جشن‌های زیبا.

و هوای عید را با تمام وجود حس کردم و به گفته آقای مهدوی‌رسیدم که می‌گفت: این مراسم هم جنبه مذهبی دارد و هم جنبه سنتی و ملی، که باعث می‌شود دیدارها تازه شود و انرژی آن تا مدت‌ها باقی بماند. وقتی از بچه‌ها می‌پرسیدم که چه حسی دارید، با نگاهی که برق شادی آن را می‌دید لبخند زنان می‌گفتند: «امشب شب ماست» این لحظات ناب با تلاش گروه بانوان، هر ساله در نیمه ماه رمضان در شب تولد امام حسن (ع) به وجود می‌آید. وقتی وارد سالن می‌شوی اولین چیزی که توجه هر بیننده را به خود جلب می‌کرد، میزهای رنگارنگ و زیبایی بود که برای پذیرایی از مهمانان مهیا شده بود که هر کدام از اجزای آن توسط یکی از اعضای گروه بانوان به سرپرستی خانم تفضلی تهیه شده بود.

ای کاش زمانی که آنها با هیچ چشمداشت تلاش می‌کردند تا این جشن را به بهترین نحوه تدارک کنند و یا زمانی که در حال پخت شله‌زرد بودند و با تمام وجود دعای توسل می‌خواندند، بچه‌ها از نزدیک این عشق را حس می‌کردند. هرچقدر به زمان افطار نزدیک





## حق پرستاری به چه معلولانی تعلق می گیرد؟



کازم نظم ده معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد: حق پرستاری در مرحله اول تنها به معلولان ضایعه نخاعی تعلق خواهد گرفت.

نظم ده گفت: پرداخت حق پرستاری معلولان توسط دولت تصویب شد و به زودی پرداخت می شود.

وی افزود: بر این اساس معلولان ضایعه نخاعی و کسانی که از آنها نگهداری می کنند، حق پرستاری دریافت می کنند.

به گفته نظم ده، معلولان ضایعه نخاعی شامل معلولان ضایعه نخاعی گردن، پشت و کمر می شوند.

وی تصریح کرد: مبلغ حق پرستاری به هر کدام از این معلولان متفاوت است و براساس نوع معلولیت فرق دارد.

وی یادآور شد: پرداخت حق پرستاری کمک موثری در نگهداری معلولان در منزل و توسط اطرافیان است.

تا پایان برنامه چهارم توسعه محقق می شود:

## پرداخت بودجه مورد نیاز اجرای کامل قانون حمایت از حقوق معلولان

مدیرکل امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی تاکید کرد: هم اکنون در بودجه سنواری سازمان بهزیستی یک هزار میلیارد ریال آن در بخش های اشتغال، توانبخشی و... هزینه می شود. بنابراین چنانچه ۱۵۰۰ میلیارد ریال دیگر اختصاص پیدا کند می توان تمام موارد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را اجرا کرد.

جهانگیر فدایی مدیرکل امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی گفت: براساس توافقات صورت گرفته با سازمان بهزیستی و همچنین انجام کار کارشناسی و محاسبات دقیق، بودجه مورد نیاز برای اجرایی شدن قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مشخص و مقرر شد تا پایان برنامه چهارم توسعه به مرور طی هر سال مبلغی پرداخت شود.



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

فدایی گفت: در صورتی که

در طول برنامه چهارم توسعه هر سال ۳۰۰ میلیارد ریال به بودجه سازمان بهزیستی اضافه شود در این شرایط می توان امیدوار به اجرای کامل قانون جامع حمایت از حقوق معلولان بود.

وی افزود: هنگامی که یک

قانون تصویب می شود فقط با اختصاص بودجه نمی توان آن



را اجرا کرد بلکه اجرای صحیح قانون نیاز به زمان، تغییری ساختار، مشارکت بین بخشی و... دارد.

فدایی تصریح کرد: چنانچه شرایط فراهم نشود شاید بتوانیم تا پایان سال جاری نیز این ۳۰۰ میلیارد ریال را اختصاص دهیم در غیر این صورت سال آینده حتما بودجه مورد نیاز اختصاص پیدا خواهد کرد.

فدایی در خصوص اجرایی

شدن قانون جامع حمایت از حقوق معلولان افزود: با توجه به این که در حال حاضر معلولان در کشور با مشکلات بی شماری مواجه هستند به همین دلیل زمینه های اجرایی شدن و تخصیص اعتبار مورد نیاز قانون جامع حمایت از حقوق معلولان یکی از برنامه های اصلی دفتر امور

اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی است.

فدایی گفت: پس از انجام مذاکرات لازم با مسوولان سازمان بهزیستی ارقام ریز مورد نیاز برای تک تک موارد درج شده در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مشخص شد و در نهایت مجموع اعتبارات مورد نیاز برای اجرای کامل قانون دو هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

## تنها ۱۵ درصد معلولان روستاها، تحت پوشش طرح توانبخشی قرار دارند

افراد معلول می‌توانند در محل زندگی خود از خدمات برخوردار شوند و فقط ۲۵ درصد معلولان به مراکز تخصصی مراجعه کنند که در این صورت با مراجعات به مراکز فیزیوتراپی به یک چهارم خواهد رسید.

رییس ستاد توانبخشی مبتنی بر جامعه درباره مراحل شش‌گانه طرح CBR می‌گوید: ابتدا معلولان در روستا شناسایی می‌شوند، سپس خانواده‌های آنها از طریق کتابچه‌های آموزشی توسط بهورز خانه بهداشت روستا یاد می‌گیرند تا چگونه به معلول خود در غذا خوردن، لباس پوشیدن، مدرسه رفتن و... کمک کنند. در عین حال کارشناس CBR با محیط آموزشی معلول (مهدکودک یا مدرسه) ارتباط برقرار کرده و موانع فیزیکی و فرهنگی حضور معلول را برطرف می‌کند. در مرحله سوم افراد معلول برای دریافت خدمات تخصصی‌تر توانبخشی معرفی می‌شوند. کارایی و خدمات حمایتی به این معلولان از دیگر مراحل CBR هستند.

احمدیه با اشاره به این که ۲۳ درصد جمعیت کشور را

روستاییان تشکیل می‌دهند و ۱/۹

درصد از این جمعیت روستایی

معلول هستند می‌گوید: در حالی

که برآورد می‌شود تعداد

معلولان در روستاهای کشور

۴۵۰ هزار نفر باشند، تاکنون ۷۰

هزار نفر تحت پوشش طرح CBR

قرار گرفته‌اند.

او طرح CBR را یک طرح چند

بخشی می‌داند به طوری که این

طرح تنها با همکاری جهاد

کشاورزی، وزارت بهداشت، سیستم دهیاری‌ها، شهرداری‌ها و

مردم به نحو موثری قابل اجرا است.

به گفته احمدیه برنامه استراتژیک CBR در سال ۸۴ تهیه و در

اجرای این طرح تفاهمنامه‌ای برای همکاری با سازمان شهرداری‌ها

و دهیاری‌ها منعقد شده است و تفاهمنامه دیگری نیز با وزارت

بهداشت مبنی بر همکاری بهورزان منعقد خواهد شد.

احمدیه در ادامه از تشکیل شوراهای توانبخشی مبتنی بر

جامعه در روستا در سال آینده خبر داده و می‌گوید: این شوراها از

اجرای مراحل CBR در روستاها حمایت کرده و اقداماتی در جهت

تغییر نگرش روستاییان نسبت به معلولان خواهند داشت.

به گفته احمدیه این شوراها هفت عضو دارند که شامل رییس

شورای اسلامی روستا، دهیار، معتمد محل، توانیار سلامت،

توانیار اجتماعی، نماینده‌ای از خانواده معلولان و یکی از معلولان

هستند.

از طریق طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه (CBR)، ۱۵ درصد معلولان روستاها از خدمات توانبخشی برخوردار شدند.

این را علیرضا احمدیه، رییس ستاد توانبخشی مبتنی بر جامعه سازمان بهزیستی به خبرنگارانی می‌گوید که برای آشنایی با

چگونگی اجرای طرح CBR به خانه فاطمه ۹ ساله، معلول ضایعه نخاعی به روستایی در پاکدشت آمده‌اند.

هرچند که نگاه‌های خیره کودکانی که روز اول مدرسه به دور

فاطمه جمع شده بودند، او را با گریه به خانه بازگرداند، اما اکنون

بچه‌ها با شنیدن صحبت‌های کارشناسان CBR در مدرسه او را در

میان خود پذیرفته‌اند و فاطمه دوستان زیادی در مدرسه دارد.

منیره قنبری، کارشناس CBR بهزیستی پاکدشت که با خانواده

فاطمه مستقیماً در ارتباط است، طرح CBR را طرحی در جهت

شناسایی معلولان و ارائه خدمات توانبخشی به آنها و طرح موثری

در تغییر نگرش مردم نسبت به معلولان در روستاها می‌داند.

او از خانواده‌ای روستایی با چهار فرزند نابینا می‌گوید که در

صورت شناسایی اولیه فرزند،

امکان پیشگیری از معلولیت سه

فرزند بعدی وجود داشت. یا

خانواده دیگری که کودک آنها

میتلا به سندرم داون است اما

آنها این موضوع را انکار می‌کنند

و فرزند خود را سالم می‌دانند.

به گفته قنبری، خانواده‌های

روستایی به جای درمان فرزند

معلول خود، از خجالت او را در

گوشه‌ای از خانه پنهان می‌کنند.

احمدیه با اشاره به این که طرح CBR برای اولین بار در ایران در

روستاهای بیارجمند شاهرود و در سال ۷۳ اجرا شد می‌گوید: در

سال ۱۹۸۰ آینار هلاندر یک متخصص توانبخشی که مجبور بود هر

روز فرزند معلول خود را برای توانبخشی به مراکز درمانی ببرد،

روشی ابداع کرد تا فرزندش درخانه نیز بتواند از این خدمات

استفاده کند. از این روش‌ها در سال ۱۹۹۴ از سوی سه سازمان

بین‌المللی کار، یونسکو و سازمان بهداشت جهانی به صورت

مکتوب به تمام کشورهای دنیا ارایه شد.

به گفته احمدیه تنها برای بعضی از خدمات تخصصی

توانبخشی لازم است فرد معلول به فیزیوتراپ مراجعه کند در حالی

که اگر خانواده‌ها آموزش‌های لازم را ببینند می‌توانند این خدمات

را به فرد معلول در منزل ارایه کنند.

او با اشاره به این که در شهرستان پاکدشت فقط یک فیزیوتراپ

وجود دارد می‌گوید: در صورت آموزش خانواده‌ها، ۷۵ درصد از



گفت وگو با بهرام بهرام سیری  
معاون کارآفرینی و اشتغال سازمان بهزیستی

## مشکلات مددجویان در دریافت وام را کاهش داده ایم

احسان تقدسی



دفتر کارآفرینی در سازمان بهزیستی از یک سال قبل، با این توجیه که قبل از اشتغال زایی برای معلولان حتما باید برنامه های کارآفرینی به اجرا درآید، راه اندازی شده است.

با آقای بهرام بهرام سیری، معاونت کارآفرینی و اشتغال سازمان بهزیستی که از ابتدای راه اندازی در معاونت این دفتر مشغول به کار بوده است، درخصوص اقداماتی که تاکنون توسط این دفتر انجام شده و برنامه های آتی آن گفت وگویی انجام داده ایم. این گفت وگو در زیر تقدیم خوانندگان می شود.



دفتر کاریابی و اشتغال ۳- دفتر نظارت و پیگیری تسهیلات و وجوه ارایه شده. وظایف هر کدام از این دفاتر هم مشخص است: دفتر کارآفرینی برنامه هایی را که از طریق وزارت کار ابلاغ می شود دنبال می کند و موضوعات کارآفرینی که اخیرا در جامعه منتشر می شود و در دانشگاه ها تبلیغ و تشویق شده و آموزش داده می شود، را دنبال می کند.

در بحث اشتغال زایی هم وظایف خاصی را داریم که در حال انجام آنها هستیم. ما روش های مختلفی را برای اشتغال زایی دنبال می کنیم.

**تاکنون برای معلولین چه اقداماتی را انجام داده اید؟**  
عمده کار ما برای معلولین است و سازمان بهزیستی مبتنی بر توانبخشی است و در حوزه توانبخشی کار انجام می دهد. ما برای معلولین دو کار عمده انجام داده ایم. اگر بخواهیم معلولین را دسته بندی کنیم بدین صورت می توانیم

بخش کارآفرینی در سازمان بهزیستی جدیداً تاسیس شده است، در مورد آن لطفا توضیح دهید.

در دولت نهم، هیات وزیران مصوبه ای را در سال ۸۴ تصویب نمود که پیش زمینه اشتغال زایی و کارآفرینی برای معلولان است. براساس این مصوبه حتما قبل از اشتغال زایی باید برنامه های کارآفرینی اجرا شود. دفتر کارآفرینی در سازمان بهزیستی براساس ابلاغیه هیات وزیران در آذرماه ۸۴ افتتاح شد و عمده برنامه آن این است که ما بتوانیم ویژگی های کارآفرینی را در سازمان بهزیستی منتشر و درخصوص آن فرهنگ سازی کنیم. از طرفی دیگر، افراد کارآفرین را در داخل یا خارج سازمان شناسایی و بسیج کنیم و برنامه های اشتغال را بیشتر با تکیه بر این افراد انجام دهیم. در حال حاضر ما سه دفتر فعال در معاونت اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی داریم: ۱- دفتر کارآفرینی ۲-



چون در روند کار گزینش و معرفی وجود دارد و کارهای انجام شده کمی طولانی است و با توجه به تاریخ بخشنامه که ۸۵/۵/۴ بوده دو ماه قبل از آخر سال می توانیم آمار دهیم که چند نفر را مشغول به کار کرده ایم از سال ۸۳ تا قبل از اجرای این برنامه ۱۵۲ نفر به سر کار رفته بودند. ولی تا آخر سال با توجه به این که این روند تند و سریع خواهد شد امیدواریم آمار خیلی خوبی را داشته باشیم.

**آقای دکتر فرموده اید که حدود یک سال است که بخش کارآفرینی سازمان شروع به کار کرده است. در این یک سال برآوردتان از عملکرد چیست؟ در چه بخش هایی ضعف داشته اید و در چه بخش هایی قدرتمند عمل کرده اید؟**

اگر کار را به سه قسمت تقسیم کنیم، ما در دو بخش موفق بوده ایم. یکی در مورد برنامه ریزی و هماهنگی برنامه ها با نیاز معلولین و مددجویان، یعنی توانسته ایم برنامه هایی را

اجرا و تهیه کنیم که نیاز روز

جامعه و نیاز معلولین و

مددجویان باشد. دوم، در بخش

تامین تسهیلات و اعتبارات

تقریباً موفق بوده ایم. یعنی

توانسته ایم منابع خارج از

سازمان را بسیج کنیم، ما

تاکنون توانسته ایم مبالغی را از

صندوق فرصت های شغلی وزارت کار، از خود وزارت کار و

وزارت تعاون دریافت کنیم. در بخش سوم متأسفانه مقداری

ضعیف یا ناکارآمد هستیم. بدنه سازمان بهزیستی الان

آمدگی کارهای اشتغال و برنامه های اشتغال را ندارد. یعنی

از لحاظ منابع انسانی در بخش اشتغال درضعف هستیم. ما

در استان ها نیروی کافی و متخصص در بخش اشتغال

نداریم. در شهرستان ها هم همین طور و ما در حال تقویت آن

هستیم. این یک نقطه ضعف است و باید سازمان دهی و

تشکیلات جدیدی در این زمینه اجرا شود.

**این کار چه زمانی انجام خواهد شد؟**

ما حرکت کرده ایم ولی باید کمک کنند. سه قسمت در این

مورد مداخله دارند. اول معاونت ما که برنامه می دهد. دوم

همکاری معاونت پشتیبانی و معاونت های دیگر سازمان

بهزیستی و سوم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی. امیدواریم

دسته بندی کنیم: معلولین فارغ التحصیل دانشگاهی یا بالای فوق دیپلم، ۲- معلولین عادی.

در بخش معلولین بالای فوق دیپلم در قالب قانونی، سه درصد از استخدام های دولت باید از این افراد باشد.

**این قانون هم اکنون اجرا می شود؟**

قبلاً خیلی الزام آور نبود ما در سال ۸۵ هماهنگی و

برنامه های خیلی خوبی با سازمان مدیریت و برنامه ریزی

داشتیم که منجر به یک بخشنامه شد و سازمان های مدیریت

و برنامه ریزی استان ها را ملزم کرد که این سه درصد را از

سهمیه استخدامی استان ها که توسط وزارتخانه ها ابلاغ

می شود، کسر کنند و در اختیار سازمان بهزیستی قرار دهند.

هم اکنون این کار انجام می شود. به طور مثال می دانیم در

سازمان جهاد کشاورزی عده ای را استخدام می کنند و از این

تعداد چند نفر مربوط به ما است و ما باید افرادی به آنها

معرفی کنیم.

کار دیگری که ما انجام

دادیم، تقویت بانک

اطلاعاتی مان، یعنی بانک

نیازمندان شغل است. ما این را

فعال کرده ایم تا بتوانیم از همه

افرادی که در این حوزه هستند

استفاده کنیم.

**این مورد شامل معلولین**

**می شود؟**

بله این شامل معلولین می شود و معلولین بالای فوق

دیپلم.

**چند درصد معلولین بالای فوق دیپلم اند؟**

هم اکنون آمار دقیقی نداریم زیرا دائماً درس می خوانند یا

ترک تحصیل می کنند. برخی خود را به ما معرفی نمی کنند و

بعضی هم معرفی می کنند.

**پس هیچ گاه آمار دقیقی نمی توانید داشته باشید؟**

آمار دقیق خیر، ولی شاید بتوانیم با این آمارگیری سال

۸۵ که در آبان و آذر انجام می شود، نتیجه ای بگیریم.

**آیا در این چند ماه که بخشنامه آمده، تغییر و**

**تحولاتی صورت گرفته است؟**

بله در این دو سه ماه دفتر ما بسیار فعال شده است.

**چند نفر را مشغول به کار کرده اید؟**

در سال ۸۵ هماهنگی و برنامه های خیلی خوبی با سازمان مدیریت و برنامه ریزی داشتیم که منجر به یک بخشنامه شد و سازمان های مدیریت و برنامه ریزی استان ها را ملزم کرد که این سه درصد را از سهمیه استخدامی استان ها که توسط وزارتخانه ها ابلاغ می شود، کسر کنند و در اختیار سازمان بهزیستی قرار دهند



## پس شما می‌فرمایید که این اعتبار باید حدود ۵۰ میلیارد تومان باشد؟

بله. برای این که اعتباراتمان به یکباره رشد سریعی نداشته باشد و ایجاد شک نکند، فعلاً درخواست ۳۰ میلیارد تومان برای سال ۸۵ را داده‌ایم.

### سال ۸۵ یا سال ۸۶؟

متمم ۸۵. چون به ما گفته‌اند که برای این متمم برنامه دهیم. برای سال ۸۶ درخواست ۵۰ میلیارد تومان را داده‌ایم.

### متمم ۸۴ را چقدر درخواست کرده بودید؟

در سال ۸۴ کل آن ۳/۵ میلیارد تومان شد و از وجوه اداره شده که ۲۰ میلیارد داشتیم، ۱۲ میلیارد تومان را دادند که خیلی کم بود. البته هنوز هم در وجوه اداره شده چیزی به ما تعلق نگرفته است و امیدواریم که کمک کنند چون ما براساس نیاز و جذب این برنامه را داده‌ایم.

### آقای دکتر قصه وام‌های خوداشتغالی چیست؟

ما در بحث شغل، ۶ روش اشتغال داریم: ۱- خوداشتغالی ۲- کارفرمایی ۳- اشتغال حمایت شده ۴- کار درخانه ۵- کار خانوادگی ۶- عضویت در تعاونی‌ها و شرکت‌های اسلامی. در خوداشتغالی، افرادی که می‌توانند براساس تخصصی که دارند یعنی یا دانش آموخته هستند یا در سازمان‌های فنی و حرفه‌ای دوره دیده‌اند یا در مراکز و مجتمع‌های خیریه آموزش دیده‌اند و توانایی اجرای کارهایی را در بخش خدمات، صنعت و کشاورزی دارند، ما به تناسب نیازها آنها را معرفی می‌کنیم و اعتباراتی را در اختیارشان قرار می‌دهیم. این اعتبارات، قبلاً سه میلیون تومان بوده است و ما آن را از پنج میلیون تومان تا ۱۰ میلیون تومان افزایش داده‌ایم.

### آیا تخصیص این وام‌ها نظام مند است؟

بله، برنامه و شیوه نامه دارد. فردی که به سازمان مراجعه می‌کند بعد از ارزشیابی‌ها و انجام کارهای مقدماتی، از منابع مختلفی مثل منابع داخلی سازمان یا منابع صندوق فرصت‌های شغلی، یا از منابع بنگاه‌های کوچک و زودبازده وام گرفته و در اختیارشان قرار می‌دهیم و یا آنها را به آن نهادها معرفی می‌کنیم.

### داستان گروه مهندسين مشاور چیست؟

ما از ابتدا دو نیاز داشتیم. اول، قبل از این که کاری را شروع کنند، گروهی را تشکیل دهیم که مشاوره صنعتی و حرفه‌ای در رابطه با اشتغال به آنها بدهند. در حال حاضر ما



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۱۲

از سال ۸۳ تا قبل از اجرای این برنامه ۱۵۲ نفر به سر کار رفته بودند. ولی تا آخر سال با توجه به این که این روند تند و سریع خواهد شد امیدواریم آمار خیلی خوبی را داشته باشید

بتوانیم در سال ۸۵ نتیجه بگیریم.

### آیا سازمان مدیریت در این یک ساله با شما همکاری خوبی داشته؟

بله. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در رابطه با بحث سه درصد که عرض کردم، همکاری خیلی خوبی داشته است. کمک دوم و سوم که سازمان مدیریت می‌تواند به ما کمک کند این است که تخصیص اعتبارات ما را واقعی انجام بدهند. درخواستی از آنها داشتیم این بود که اعتباراتمان خیلی کم است. حدود یک هفتم نیازی است که الان داریم.

### هم اکنون اعتباراتتان چقدر است؟

در بخش جاری اشتغال و کارآفرینی حدود هفت میلیارد تومان اعتبار داریم.

که بتوانند وام را فقط با سفته پرداخت کنند. یعنی سفته بخرند و نهایتاً فرد پشت سفته را امضا کند و دیگر نیازی به ضامن کارمند یا پروانه کسب نباشد. متأسفانه در مورد قسمت دوم هنوز نتوانسته ایم با بانک‌ها کنار بیاییم زیرا بانک‌ها که پول را می‌دهند حتماً ضمانت می‌خواهند. ما نامه‌ای را به دولت نوشته ایم و با وزیر کار صحبت کرده ایم. این مشکل همه مردم است که برای معلولین و مددجویان ما بدتر است. ولی مردم عادی هم به همین صورت اند، جوانانی که الان به دنبال کار هستند نمی‌توانند ضمانت داشته باشند. این مشکل کل کشور است. وزارت کار قول داده که این مشکل را حل کند.

**آقای دکتر به نظر شما، آیا یک معلول توانایی این همه پیگیری را دارد؟**

اینها برنامه‌های قبل بوده است. ولی ما اکنون توانسته ایم با نوشتن دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های جدید بوروکراسی را کم کنیم. همین امروز اطلاع پیدا کردم که تا چند روز دیگر آخرین جایگزین دستورالعمل اجرایی پرداخت تسهیلات به کل کشور ابلاغ می‌شود. در آنجا، هم به کار سرعت داده ایم و هم آن را نظام‌مند کرده ایم. قبلاً شاید دستورالعمل مقداری کلی

بود و سلیقه‌ای برخورد می‌شد.

**فکر کنید آیا از این به بعد یک معلول راحت‌تر وام می‌گیرد؟**

بله راحت‌تر وام می‌گیرد.

**چقدر راحت‌تر؟**

اگر مشکل خاصی نداشته باشد، شاید تا ۸۰ درصد مشکلات را حل کرده ایم.

**چه مشکل خاصی؟**

یعنی مثلاً مدرک تحصیلی یا چیزهایی که لازم است را داشته باشد و یا خودش آنها را دیر نیاورد.

در قسمت دوم، اعتبارات را هم بالا آورده ایم و توانسته ایم از منابع دیگری اعتبارات بگیریم. این دو موضوع را انشاءالله در سال ۸۵ جذب خواهیم کرد.

**از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید تشکر می‌کنیم.**

تشکیلاتی را درست کرده ایم که این مشاوره را به مددجویان و معلولین می‌دهد. یعنی اگر متقاضی به آنها مراجعه کند و برنامه‌ای داشته باشد طبق برنامه آن شخص به او مشاوره‌های مختلف را می‌دهیم.

دوم، ضروری دیدیم موسسه‌ای برای بازاریابی و فروش محصولات تولیدی یا خوداشتغالی ایجاد کنیم که در حال تاسیس آن هستیم. همچنین در حال جمع‌آوری بانک اطلاعات و امکانات آن نیز هستیم.

**آقای دکتر، آیا اعطای وام خوداشتغالی شرایط خاصی را دارد؟**

مهمترین شرایط آن این است که تحت پوشش سازمان (بهزیستی) باشند، دوم این که اگر کاری تعریف می‌کنند، دوره خاص آن را دیده باشند یا در کارگاه‌های موجود در سازمان فنی و حرفه‌ای و یا در پایگاه‌های سازمان (بهزیستی) آموزش دیده باشند.

سوم این که، آن کار توجیه اقتصادی هم داشته باشد. یعنی ما بدانیم این کار انجام شدنی است. اینها شرایط عمومی است و شرایط خاصی هم دارد. از زمان درخواست تا دریافت وام چه مدت طول می‌کشد؟ آیا راحت وام

می‌دهید یا آنها را از مراحل مختلف رد می‌کنید؟

واقعیت این است که تاکنون دو مشکل در این زمینه وجود داشته است. وقتی اعتبار کم است روند طولانی می‌شود و افرادی که می‌آیند در نوبت می‌مانند. دوم، بوروکراسی موجود در کشور است. مهمترین بوروکراسی پیش‌بینی شده در این زمینه بحث ضمانت دادن برای وام‌هایی است که در اختیار قرار می‌دهند. این مساله کار را طولانی می‌کند زیرا به بانک معرفی می‌شوند و بانک می‌گوید ضامن بیاور و بیشتر معلولین و مددجویان در آن قسمت مشکل دارند و نمی‌توانند سریع ضامن‌های خاصی را بیاورند. در حال حاضر سعی داریم این بخش را تسهیل کرده و موانع آن را کاهش دهیم.

**تاکنون برای رفع این مشکل چه کارهایی را انجام داده‌اید؟**

یکی آن که با صندوق فرصت‌های شغلی تفاهم کرده ایم

**با صندوق فرصت‌های شغلی تفاهم کرده ایم که بتوانند وام را فقط با سفته پرداخت کنند. یعنی سفته بخرند و نهایتاً فرد پشت سفته را امضا کند و دیگر نیازی به ضامن کارمند یا پروانه کسب نباشد**



# توانمندسازی

## در سازمان بهزیستی کشور

بهرام بهرام سیری  
معاون کارآفرینی و اشتغال سازمان بهزیستی



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۱۴

می‌توانند مانند اقشار عادی جامعه توانمند بوده، شغلی داشته باشند و از حاصل درآمد رفاه خانواده خود را تامین نمایند. شغلی که پایدار بوده و درآمدی که بتوانند نیازمندی‌های یک خانوار را جابگو باشد. ایجاد امنیت شغلی و درآمدی در برنامه‌های معاونت اشتغال مقدم بر برنامه توزیع تسهیلات وام و اعتبارات اشتغالی است. چرا که صرف توزیع پول به عنوان ایجاد اشتغال بدون برنامه مدون و چرخه کامل اشتغال پایدار هدر دادن سرمایه ملی و ایجاد تورم در جامعه است.

به علاوه که مشکلی نیز بر دیگر مشکلات جامعه هدف مضاعف می‌شود. برنامه استراتژیک سازمان بهزیستی در امر توانمندسازی از طریق اشتغال منطبق بر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، در افق ۱۴۰۴ هـ.ش و سیاست کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های پرشتاب دولت نهم در

سازمان بهزیستی در انجام ماموریت‌ها و وظایف خود توانمندسازی را سرلوحه همه فعالیت‌های خود قرار داده است.

در حال حاضر توانمندسازی واژه‌ای است که در سازمان بهزیستی نهادینه شده است و در روح همه برنامه‌ها تجلی پیدا کرده است و در راس برنامه‌های پیشگیرانه توانبخشی و اجتماعی است.

توانمندسازی دارای ابعاد متفاوتی است و علمای علوم اجتماعی تعاریف متنوعی البته با روح واحد ارایه داده‌اند. اما آنچه که معاونت کارآفرینی و اشتغال در سازمان بهزیستی به دنبال آن است توانمندسازی اقتصادی به عنوان یک محور استراتژیک است.

توانمندسازی اقتصادی به دنبال ایجاد «امنیت شغل و درآمد» جامعه هدف سازمان بهزیستی است.

ایجاد باور توانمند شدن و این که معلولین و مددجویان

و درآمد است. در این مسیر پرداختن به مشاغل کوچک و بنگاه‌های کوچک و زودبازده با استفاده از اعتبارات خرد و هدفمند است که چرخه اشتغال را به چرخش می‌اندازد. با شناسایی نیازمندی‌های بازار کار و شناسایی توانمندی‌های معلولان و ارتقای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و صنایع دستی و مشاوره و هدایت شغلی و تامین سرمایه کار و تقویت مدیریت و بهره‌وری و نیز تلاش برای بازاریابی و فروش محصولات تولیدی کامل شده، رسالت سازمان بهزیستی در قبال توانمندی جامعه هدف خود انجام خواهد شد.

معاونت اشتغال در سال ۸۵ علاوه بر برنامه‌های معمول خود برای اقشار مختلف جامعه هدف در حوزه توانبخشی به معلولین به خصوص نابینایان، در حوزه اجتماعی به زنان سرپرست خانوار، فرزندان شبانه‌روزی و آسیب دیدگان اجتماعی و دختران فراری و زنان ویژه، و در حوزه پیشگیری، به معتادان بهبود یافته و در حال بهبودی خواهد پرداخت. چرا که عمده اشتغال

در این بخش‌ها هنوز به طور کامل محقق نشده است و برای رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله بسیار است. اعتقاد ما بر این است که ستاد سازمان بهزیستی باید ستادی برنامه‌ریز باشد و مجموعه مدیریت و معاونان در استان هدایتگر و مددکاران بازوان اجرایی و ناظران اجرای صحیح برنامه‌ها باشند. یعنی سازمان بهزیستی به عنوان یک سازمان دولتی در مجموع نقش برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت که وظیفه بخش دولتی است را عهده‌دار باشد. از دیگر برنامه‌های جدی معاونت اشتغال در سال ۸۵ پرداختن به بعد نظارتی است که پیشنهاد مشخص ما همکاری مددکاران به عنوان ناظران بخش اشتغال است که با همکاری کارشناسان اشتغال در همه سطوح در استان مسایل را پیگیری می‌نمایند. اشتغال فصلی جدا در برنامه‌های سازمان بهزیستی نیست بلکه درگیر در همه معاونت‌های سازمان است که انتظار می‌رود اشتغال در متن برنامه‌های همه معاونت‌ها مشهود باشد.

امر ایجاد اشتغال است که شاخص‌های عمده آن:

- ۱- تبدیل فرد بدون مهارت به فرد ماهر
  - ۲- تولید کارآفرین جدید در جامعه
  - ۳- ایجاد کسب و کار و افزایش درآمد خانوارها.
- مسیر این اهداف از راهکار آفرینی و کارآفرینی که نیروی محرکه موتور توسعه اقتصادی می‌باشد می‌گذرد. کارآفرینی فرآیندی است که با انجام کارهای جدید و ابداع روش‌های نو و خلاقیت و بسیج منابع عامل ایجاد و توزیع ثروت، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری، گسترش بازارهای جدید، تعادل در اقتصاد پویا، انتقال تکنولوژی و نهایتاً ایجاد اشتغال می‌شود.

جهت‌گیری این برنامه‌ها به حمایت از شغل‌های کوچک و استفاده از اعتبارات خرد است. در سال‌های اخیر اعتبارات خرد به عنوان راهکاری مناسب جهت انجام خدمات مالی در کشورهای در حال توسعه مطرح شده و برخی کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری

### حمایت از موسسه و بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده با اشتغالزایی به میزان پنجاه نفر نیز از دیگر برنامه‌های معاونت اشتغال محسوب می‌شود

دست یافته‌اند. اهمیت این شیوه به گونه‌ای بوده است که سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال «اعتبارات خرد» نامگذاری کرده است. بررسی‌ها نشان داده است پرداخت وام‌های کوچک از منابع مختلف در همه دوره‌های توسعه اقتصادی قبل و بعد از انقلاب اسلامی معمول بوده است اما اعتبارات خرد با تعریف رایج آن در همه ادوار جایگاه بسیار محدودی داشته است که این روش می‌تواند در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، معلولین و مددجویان موثر باشد.

حمایت از موسسه و بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده با اشتغالزایی به میزان پنجاه نفر نیز از دیگر برنامه‌های معاونت اشتغال محسوب می‌شود. بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایجاد ارزش افزوده، ایجاد اشتغال و همچنین افزایش مهمترین متغیر اقتصادی یعنی تولید ارزش محصول ناخالص داخلی سهم چشمگیری دارند. پس جهت‌گیری اهداف و سیاست‌های معاونت اشتغال مبتنی بر توانمندسازی اقتصادی از طریق ایجاد امنیت شغل



فیروزه صابر:

# کارآفرینی ایده خلاق است که به عمل می‌نشیند

احسان تقدسی



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۱۶

انجمن زنان مدیران کارآفرین در سال ۱۳۸۳ در وزارت کار به ثبت رسیده است. این NGO با هدف ترویج و توسعه کارآفرینی، نهادینه ساختن فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و مشاوره و ترویجی در زمینه کارآفرینی و فراهم ساختن زمینه سالم برای پرورش ایده‌های خلاق در ورود به عرصه کارآفرینی تشکیل و فعالیت می‌کند. با فیروزه صابر رییس هیات مدیره این انجمن گفت و گویی داشتیم که با هم می‌خوانیم.

## کارآفرینی چه تعریفی دارد؟

می‌بینیم. اگر بخواهد با استاندارد دیگری تعریف شود و یا دایره حضورش را وسیع‌تر کند، قطعاً باید با همان استانداردها و شاخص‌های بین‌المللی و جهانی خود را مقایسه کند. ولی به طور کلی موتور حرکت فرآیند کارآفرینی خلاقیت است یعنی یک ایده خلاق که می‌تواند براساس حضور آن کارآفرین در این فرآیند به بار بنشیند. یعنی فرصت‌ها را کشف کند و ایده خلاقش را بتواند با استفاده از فرصت‌های محیطی و منابعی که در پیرامونش است عملی کند. یعنی در واقع در شرایطی که سایرین بسیاری از آن فرصت‌ها را در اختیار دارند، ولی نمی‌توانند از آن بهره بگیرند، یک کارآفرین آن را تبدیل به فعالیت اقتصادی می‌کند.

کارآفرینان ویژگی‌های متعددی دارند، مهمترین آن همین

کارآفرینی فرآیندی است که در آن یکسری ابتکارات، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها بروز می‌کند و این در شرایط مبهم و خطرناکی است که با استفاده از منابع محیطی و بسیج امکانات و شناسایی و کشف فرصت‌های محیطی این ریسک تبدیل به یک کسب و کار می‌شود. این کسب و کار می‌تواند در حوزه‌های مختلف ایجاد شود. به نوعی یک ایده خلاق است که به عمل می‌نشیند. این ایده خلاق یا برای اولین بار در یک حرفه و یا یک صنعت به وجود می‌آید یا با کیفیت متفاوت و بهتر حضور پیدا می‌کند. کارآفرینی در شرایط مختلف نسبی است، یعنی اگر مادر ایران روی این مساله بحث می‌کنیم آن را به نسبت شرایط اجتماعی، اقتصادی خاص ایران و با استانداردهای خود آن را

می‌کنند و ضمناً چون الگو می‌شوند بر دیگران هم تاثیر می‌گذارند. بنابراین می‌توانید این دایره را بیشتر کنید. اگر بسترها در جامعه فراهم باشد، این تعداد می‌توانند بیشتر هم شوند.

### این بسترها چه چیزهایی می‌تواند باشد؟

این بسترها معمولاً زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. مثلاً فرض کنید یکی از وظایفی که دولت دارد (ضمن این که به هیچ عنوان دولت نباید در کار کارآفرینان و در اجرای این قضیه دخالت کند) نظام آموزشی است. نظام آموزشی از ابتدا حتی از پیش از دبستان باید به گونه‌ای طراحی شود که روح خلاقیت و نوآوری را در بچه‌ها پرورش دهد. نه این که فقط درس بخواند برای درس، درس بخواند برای این که آن را تبدیل به یک کسب و کار و ایده جدید کند و مرتب در ذهنش خلاقیت و نوآوری باشد. این متد و روش آموزش از دوران پیش دبستانی باید تغییر کند تا این که برسد به آموزش عالی در کشور.

در بحث آموزش یک بخش هم بحث ترویج است. مثلاً اگر در تبلیغات رسانه‌ای، در سریال‌ها و... به این مساله توجه و تاکید شود، خیلی موثر خواهد بود. خیلی جالب است که در بسیاری از سریال‌های تلویزیونی اصلاً نمی‌بینیم که افراد کار و شغل

دارند. انگار همه یک عده آدم بیکار و علاف هستند که یک جا جمع شده و در حال حرف زدن هستند. هیچ‌کس نمی‌بیند که کسی در صحنه کار و تلاش باشد و کار کردن را نمایش دهند، کارآفرین که جای خود دارد!

بخشی از این فیلم‌ها و این رسانه‌ها، نمادی از فرهنگ جامعه است و یک بخش هم باید آموزه‌هایی به مردم بدهد. بنابراین بچه یا جوانی که این فیلم‌ها را می‌بیند، تحرک و تلاشی احساس نمی‌کند که بخواهد از آن الگو برداری کند. اینها مواردی هستند که اگر بخواهد بستر فراهم شود باید به طور جدی به اینها پرداخته شود.

### البته در فیلم‌های خارجی هم کارآفرینی نمی‌بینیم، شما

می‌بینید؟

چرا در بعضی‌ها وجود دارد. دو بحث است، یکی بحث تحرک اجتماعی اقتصادی به عنوان شغل است. مثلاً در بعضی از

عنصر خلاقیت و نوآوری آنهاست. آنها نیروهای خودباوری هستند و اعتماد به نفس بالایی دارند، زیرا در شرایطی که می‌خواهید کار ابتکاری و نوآورانه‌ای را شروع کنید، عرف جامعه آن را به راحتی هضم نمی‌کند و شاید کارهایی را که کارآفرین انجام می‌دهد، برای عده‌ای عجیب باشد. حتی کارآفرینان در جاهایی مورد تمسخر قرار گرفته‌اند و مقاومت‌هایی در برابرشان ایجاد شده ولی کارآفرین آن قدر از خود آگاهی، اعتماد به نفس و خودباوری برخوردار است که می‌تواند این موانع را در حد توان خود پس بزند.

پشتکار عمل کارآفرین زیاد است. روحیه آینده‌نگری‌اش خیلی خوب است. قدرت رهبری و هدایتش زیاد است و نهایتاً میل به نتیجه و هدف‌گذاری در او خیلی شدید است و در نهایت می‌خواهد ایده خود را تبدیل به محصولی کند، آن نتیجه برایش مهم است.

بنابراین، کارآفرینی فرآیندی است که شخص کارآفرین باید

از ابتدای ایده‌پردازی تا پیاده‌سازی بتواند این مسیر را طی کند.

این طور که شما فرمودید، کارآفرینان عده کمی هستند و عده کمی از مردم می‌توانند کارآفرین باشند، آیا بدین صورت است یا نه؟

بله. همه مردم ایران نمی‌توانند کارآفرین باشند بالاخره یک جامعه احتیاج به کارمند، کارشناس، مدیر، استاد و قشورها و لایه‌های شغلی مختلف دارد. ولی تعداد افرادی که نوآرند و ابتکار عمل دارند کم است. در همه جای دنیا هم کم هستند نه فقط در ایران. ولی اینها حرکت‌هایی ایجاد می‌کنند که در عده‌ای دیگر تاثیرگذار است و آنها را به تحرک وامی‌دارند و در واقع پیامد و آثاری دارند. یکی از آثاری که کارآفرینان می‌توانند داشته باشند اشتغال‌زایی است و دیگر سرمایه‌گذاری ایجاد تغییر، انتقال تکنولوژی و تبعاتش شکستن انحصارهاست. زیرا منابع درآمد و ثروت جامعه را توزیع می‌کنند و در این صورت این منابع در انحصار فرد و نهاد خاصی قرار نمی‌گیرند. همه اینها به افزایش رفاه اجتماعی می‌انجامد زیرا سطح زندگی به سطح متوسط صعود پیدا می‌کند و بلکه بالاتر هم می‌رود. کارآفرینان کسانی هستند که ایده خلاق دارند و عده‌ای دیگر را وارد این صحنه

**نظام آموزشی از ابتدا حتی از پیش از دبستان باید به گونه‌ای طراحی شود که روح خلاقیت و نوآوری را در بچه‌ها پرورش دهد**





**کارآفرینان  
ویژگی‌های  
متعددی دارند  
مهمترین آن  
همین عنصر خلاقیت  
و نوآوری آنهاست**

بالا می‌رود و به نوعی این خصوصیت تکثیر می‌شود. البته مادر برنامه‌های آموزشی‌مان و ارتباطاتی که با کارآفرینان و جوانان داریم، همیشه می‌گوییم اگر شما می‌خواهید وارد این مسیر شوید و به عرصه کارآفرینی ورود پیدا کنید، کاری نداشته باشید که محیط اطرافتان چه ویژگی‌هایی دارد محیط و دولت حمایت می‌کند یا نه؟ خودتان باید شرایط را فراهم کنید، اصلاً شیرینی کارآفرینی هم همین است که آدم خودش این موانع را پس بزند، اما روی دیگر سکه این است که دولت هم وظیفه‌ای دارد، وظیفه دولت بسترسازی است. بسترها همین زیرساخت‌هایی است که عرض کردم. به اعتقاد من غیر از دولت، تشکل‌های غیردولتی و بخش خصوصی هم نقش خاص خود را دارند یعنی در واقع خود کارآفرینان موفق که صاحب تجربه هستند و این مسیر را رفته‌اند این بار باید تجربه‌شان را به جوان‌هایی که می‌خواهند وارد آن صحنه شوند، منتقل کنند و به نوعی تشکل‌هایی ایجاد کنند که آن تشکل‌ها خودش به سهم خود بتواند در ترویج و ترغیب کارآفرینی نقش موثری داشته باشد.

هر کدام از اینها در جایگاه خودشان نقش دارند دولت به علت منابع سرشاری که در اختیار دارد نقش اساسی در این زمینه دارد اما بخش خصوصی و NGOها هم در این زمینه می‌توانند بسیار موثر باشند. در ایجاد زیرساخت‌ها به خصوص تشکل‌ها در فرهنگسازی می‌توانند نقش زیادی داشته باشند.

**خانم صابر، کارآفرین‌ها در دنیا چه نقشی دارند؟**

همان‌طور که عرض کردم در دنیا کارآفرین‌ها را موتور متحرک اقتصادی-اجتماعی جامعه می‌دانند و آنجا و به خصوص در کشورهای پیشرفته چون رقابت هم کامل است وقتی که کسی می‌خواهد وارد این عرصه شود، یک روزه به او

فیلم‌های خارجی جریان فیلم در صحنه، کار اتفاق می‌افتد و در واقع سناریویی که فیلم براساس آن ساخته می‌شود یک بخشش در محیط کار است. در مورد کارآفرینان هم یک سری فیلم‌هایی هست که ویژه آنها ساخته می‌شود، مثلاً در طرح‌هایی که خود ما به عنوان یک طرح ملی در سطح کشور داشتیم، در سال ۸۲ حدوداً ۵ فیلم مستند آموزشی از پنج زن کارآفرینی و موفق ساختیم. برای این که جامعه جوان ما احتیاج دارد این الگوها را ببیند. فقط با شعار نمی‌توانید بگویید که کسانی چنین کارهایی را انجام داده‌اند، باید ببیند و حس کند. حس کند که در همین شرایط محدود هم می‌شود کارهایی کرد. بنابراین ایجاد این زیرساخت‌ها یک بخش به آموزش و اطلاع‌رسانی و ارتباطات برمی‌گردد و یک بخش دیگر آن به حمایت‌ها و تسهیلات حقوقی و قانونی مربوط می‌شود که باید قوانینی در حمایت از کارآفرینان وضع شود. یعنی این گونه نباشد که اگر کارآفرینی بخواهد برای انجام کار مجوز بگیرد، سه سال برای آن بدود. اگر می‌بینند ایده خلاق وجود دارد، با سرعت تمام او را تشویق و ترغیب کنند و مجوز بدهند و یا اگر کسی بخواهد از سیستم بانکی وامی بگیرد، آن وام را به راحتی در اختیارش قرار دهند.

در کشورهای پیشرفته معتقدند که کارآفرین موتور متحرک توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهاست. بنابراین این شعار نیست. چون کارآفرینی پیامدها و آثاری که عرض کردم دارد، واقعا یک موتور است. بنابراین تسهیلات باید به سرعت برای آنها ایجاد شود. تخصیص منابع مالی برای خیلی از ایده‌های خلاق به خصوص در مورد جوانانی که تجربه عملی و سرمایه ندارند بسیار کارساز است. اگر همه اینها دست به دست هم بدهند و یک سری زیرساخت‌ها را مهیا کنند، نسبت کارآفرین‌ها در جامعه





مجوز، منابع و امکانات می دهند.

### ممکن است از این کشورها مثالی بزنید.

بیشترین کشوری که در بحث کارآفرینی کار کرده، آمریکا است به این مورد دقت کنید که در آنجا چون رقابت کامل است، بقا و توسعه بسیار حساس است.

مرتب در روند توسعه خود، باید ابتکار عمل و نوآوری داشته باشند که وجه تمایز خود را حفظ کنند و در نتیجه مشتری جذب کنند تا بتوانند درآمد کسب کنند و به هر حال پایداری خود را ثابت کنند. در آنجا این کار خیلی سخت است. جنس موانع آنها ممکن است با ما خیلی فرق کند ولی به هر حال آنها هم موانعی دارند و بدین صورت نیست که فکر کنید آنجا سفره پهنی است برای همه کارآفرین‌ها که می‌گویند بفرمایید. برای ورود راحت است ولی برای بقا و توسعه بستگی به خود فرد و ویژگی‌های او دارد که چقدر در این صحنه مقاومت کند و چقدر بتواند از

ویژگی‌ها و خصلت‌های کارآفرینانه خود بهره‌مند شود و بتواند این مسیر را تا انتها برود، در آنجا این کار خیلی سخت است و شوخی هم نیست، عین صحنه جنگ است. بنابراین هرکجا مسایلی و مشکلات مخصوص به خود را دارد

ولی جنس مشکلات و موانع فرق می‌کند و ضمناً چون جامعه آنها پیچیده‌تر هست مسایلی و در نتیجه موانعشان هم پیچیده‌تر است.

### آیا برای معلولین هم در این زمینه کاری کرده‌اید؟

چون ما در حوزه کارآفرینی متمرکز هستیم بحث ما این نیست که جنس آنها چیست، سن آنها چقدر است و توانایی‌های آنها چقدر است، از نظر ما همه می‌توانند کارآفرین باشند، ضمن این که من کارآفرینی را در اینجا نسبی می‌بینم. در همین انجمن‌ها، چون عده کارآفرینان واقعی خیلی کم است و ما می‌بایست در دایره خیلی محدودی کار می‌کردیم، آمدم دایره را وسیع‌تر کرده و گفتیم کارآفرینان و صاحبان کسب و کار. البته لزوماً هر صاحب کسب و کاری، کارآفرین نیست اما مجبور شدیم دایره فعالیت خود را وسیع‌تر کنیم و در آموزش‌های خود افراد را به خویش فرما شدن و صاحب کسب و کار شدن تشویق

کنیم.

اکنون با گسترش این عرصه، محدودیت جنس، سن و توانایی‌های جسمی و روحی مهم نیست، مهم این است که این ویژگی‌ها در انسان ایجاد شود.

تاکنون حدود ۴۰ کارگاه کارآفرینی که تعدادی از معلولان هم در آنها شرکت کرده‌اند در سراسر ایران اجرا کرده‌ایم. در این کارگاه‌ها، در کنار بحث‌هایی که می‌کنیم همیشه از کارآفرینان موفق هم دعوت می‌کنیم که سر کلاس حضور داشته باشند و بتوانند تجربه‌شان را به سایرین منتقل کنند. بعضی از کارآفرین‌های دعوت شده هم معلول بوده‌اند مثلاً خانمی هستند در اهواز که ایشان از ناحیه لگن به پایین فلج هستند، وقتی دیپلم می‌گیرند قصد استخدام در بانک را می‌کنند. بانک به علت معلولیت، ایشان را استخدام نمی‌کند که این برای او شوکی بوده. بعد از آن سعی می‌کند خودش کار کند و در اهواز کارگاه

صنعتی احداث می‌کند. اکنون در این کارگاه ۱۵ نفر مشغول به کارند و سعی می‌کند که از افراد معلول استفاده کند. این کارگاه محافظت یخچال درست می‌کند و این برای معلولین الگوست که خود راساً می‌توانند کار کنند. ما به ایشان وام دادیم و کسی هم ملاحظه وضعیت جسمانی او را نکرد و نگاه

ترحم‌آمیزی هم به ایشان نینداخت. در بحث کارآفرینی دولت به سادگی کمکی را به کسی نمی‌کند ولی کسی که شایسته است کمک می‌گیرد.

### خانم صابر برنامه‌ای به طور خاص برای معلولین دارید؟

به طور خاص برنامه‌ای نداریم ولی اگر از ما خواسته شود، آمادگی همکاری داریم.

### مثلاً چی؟

مثلاً اگر جایی از ما خواست به طور خاص برای آنها کاری در این زمینه انجام دهیم، آمادگی داریم.

### پس اگر از شما خواسته شود، حتماً انجام می‌دهید؟

بله، وظیفه ما ترویج فرهنگ کارآفرینی است برای هر کسی، هر طیفی، هر جنسی و هر مسلکی بخواهد، برای آنها این کار را انجام می‌دهیم.

**با گسترش این عرصه، محدودیت جنس، سن و توانایی‌های جسمی و روحی مهم نیست، مهم این است که این ویژگی‌ها در انسان ایجاد شود**



در گفت و گو با محمدعلی اسفندیاری قائم مقام مدیرعامل شرکت بهزیست کار

## همه چیز درباره بهزیست کار



شرکت بهزیست کار که ارایه دهنده خدمات حمل و نقلی به معلولان است، در طبقه سوم ساختمانی با پله های بی شمار قرار دارد. شرکتی که مدیرعامل آن محسن معمایی، خود جانباز جنگ و ویلچرسوار است. به گفته مهندس اسفندیاری، وجود یک «مشترک» در راس هرم چنین شرکتی به فهم مسایل معلولین و حرکت در جهت حل مشکلات آنها کمک زیادی می کند.

با او که دو ماه است در سمت قائم مقامی شرکت بهزیست کار مشغول به کار شده گفت و گویی انجام داده ایم که با هم می خوانیم.



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۲۰

### لطفا در ابتدا خود را معرفی نمایید.

من محمدعلی اسفندیاری، قائم مقام مدیرعامل شرکت بهزیست کار هستم. مدیرعامل شرکت بهزیست کار جناب آقای محسن معمایی هستند که بنده به نیابت ایشان قائم مقام مدیرعامل هستم.

شرکت بهزیست کار در سال ۱۳۷۲ تاسیس شده اما عملاً فعالیتش را از سال ۱۳۷۵ آغاز کرد. در این ایام با هفت خودروی ون به طور محدود ارایه خدمات می کردند اما به دلیل تغییرات در مدیریت شرکت، کار از سال ۷۸ تا سال ۱۳۸۱ متوقف شد و مجدداً از سال ۱۳۸۱ شروع به فعالیت کرد. این شرکت از ابتدای آغاز به فعالیت وابسته به سازمان بهزیستی بود اما از سال ۱۳۸۱ به بعد این شرکت با هدف خصوصی سازی زیرمجموعه

شرکت بهزیست بنیاد قرار گرفت. شرکت بهزیست بنیاد از زیرمجموعه شرکت های اقتصادی سازمان بهزیستی کل کشور است. در واقع شرکت بهزیست کار یکی از شرکت های اقماری شرکت بهزیست بنیاد می باشد. شرکت بهزیست بنیاد چند شرکت اقماری مثل بهزیست پردازش، بهزیست دارو، ارمغان بهزیست، بهزیست کار و... را دارد.

چرخش اقتصادی شرکت بهزیست کار به صورت خصوصی است یا وابسته به بودجه دولتی می باشد؟

چرخش ما به نوعی خصوصی است ولی به هر حال ما زیر نظر شرکت بهزیست بنیاد هستیم و هنوز بودجه خود را از سازمان بهزیستی کل کشور می گیریم. فعالیت این شرکت با توجه به ورود ناوگان جدید خودروهای ون شرکت سایپا

## آیا ورود و خروج مددجویان به این ماشین‌ها به راحتی انجام می‌شود؟

در حال حاضر هنوز ماشین‌ها مناسب حمل و نقل مددجویان نیستند و آنها با کمک راننده به ماشین سوار یا از آن پیاده می‌شوند اما در آینده بسیار نزدیک ماشین‌های بهینه‌سازی شده وارد ناوگان حمل و نقل ما می‌شوند. ماشین‌های جدید رمپ دارند، سقف بلندتری دارند، کف ماشین همسطح شده است و مشترک ما از در عقب روی رمپ می‌رود و رمپ او را بالا می‌برد و به ماشین منتقل می‌کند بعد ویلچر قفل می‌شود و کمر بند بسته می‌شود. در این ماشین‌های جدید سه ویلچر جا می‌گیرند.

## این ماشین‌های جدید تولید داخلی است یا وارداتی می‌باشد؟

تولید داخل است. با یکی از شرکت‌های زیرمجموعه خودروسازی که کارش تزییات خودرو است قرارداد بسته‌ایم و فکر می‌کنم به زودی ۵۰ درصد این خودروها وارد سیستم شوند.

## این ماشین‌ها سفارش شرکت بهزیست کار است؟

بله. فقط سفارش بهزیست کار است. آن چیزی که یک مشترک برای سوار و پیاده شدن به آن نیاز دارد را سفارش داده‌ایم که در حال تولید است. البته ما به موازات این مساله با

شرکت‌های دیگر خودروسازی نیز در حال مذاکره‌ایم که بتوانیم به بهینه‌سازی تمام ناوگانمان سرعت دهیم.

یکی دیگر از اقدامات شرکت بهزیست کار که در حال انجام است، درست کردن کارت اشتراک برای مشترکان است. به این شکل که شناسایی کنیم که در ماه هر مشترک به چند دفعه ماشین نیاز دارد. این کارت اشتراک چند قسمت دارد. ماهانه، هفتگی، روزانه و اورژانس. در نظرسنجی‌هایی که از مشترکان به عمل آمده، اغلب آنها از بخش اورژانس گله داشتند. البته در ناوگان ما همیشه دو ماشین برای نیازهای اورژانسی و خارج از برنامه از قبل تعیین شده وجود دارد اما این میزان کفاف مراجعان را نمی‌دهد.

گسترش پیدا کرده است. چیزی حدود ۷۰ دستگاه ماشین جدید به این سیستم تزریق شده است که از این مقدار، تعدادی به بهینه‌سازی ناوگان اختصاص پیدا کرده و حدود ۴۰ خودرو به فعالیت مشغولند. حدود ۱۹۰۰ نفر مشترک داریم که خدمات نقل و انتقال آنها را انجام می‌دهیم.

در این ساختمان اتاقی به نام اتاق مشترکین داریم که اپراتورهای ما در آن اتاق پاسخگوی نیاز مشترکین هستند. ما با این تعداد دستگاه خودرو رزوهایی که از دو روز قبل انجام شده را پوشش می‌دهیم.

قرارداد ما با سازمان بهزیستی کل کشور براساس چند اولویت است. اولویت اول ما اختصاص ماشین برای انجام خدمات درمانی مشترکین است. اولویت دوم ما خدمات

آموزشی، اولویت سوم، انجام خدمات اداری و اولویت چهارم اشتغال و اولویت پنجم ما تفریحات گروهی، انفرادی و زیارتی و سیاحتی است. چهار اولویت اول ما مکمل یکدیگرند و هر کدام به دیگری وابسته است.

یکی از فعالیت‌های جدید شرکت که بسیار مورد استقبال مشترکین واقع شده، احداث پیک موتوری است. ما یک ناوگان کوچک با شش پیک موتوری داریم که خدمات بانکی، دارویی، خرید مایحتاج عمومی و... را برای مشترکین در ساعات اداری انجام می‌دهند. در روز حدود ۵ سفر

داخل شهری توسط این پیک‌ها صورت می‌گیرد. یکی از کارهای مثبت دیگری که اخیراً انجام شده است، استفاده از مشترکین به عنوان پرسنل شرکت بهزیست کار است. من طی دو ماه گذشته که همکاری را با شرکت بهزیست کار آغاز کرده‌ام، سه نفر از مشترکین را در همین شرکت استخدام کرده‌ام. در حال حاضر در حال برنامه‌ریزی هستیم که در صورت تامین بودجه، بتوانیم برای هر ماشین یک یاور، علاوه بر راننده، داشته باشیم که برای سوار و پیاده شدن مشترکین یا حمل و نقل ویلچر در ساختمان‌های پله‌دار به آنها کمک کنند.

**ماشین‌های ون که برای حمل و نقل مشترکین استفاده می‌شود، مطابق با نیاز مددجویان بهینه‌سازی شده‌اند و**





قرار دهید. این برنامه شاید در ابتدای راه اندازی چنین خدماتی شدنی بود اما حالا که طبیعتاً انتظارات مشتریان بالا رفته ایجاد این محدودیت عملی نیست. تا وقتی یک فعالیتی راه نیفتاده انتظاری هم ایجاد نمی‌شود اما وقتی حرکتی ایجاد شد به خصوص این که این خدمات مجانی هم ارائه می‌شود، احساس مالکیت در مشترک به وجود می‌آید. آنها دیگر به این کاری ندارند که چه قراردادی بسته شده است و امکانات موجود چقدر اجازه گسترش این فعالیت را می‌دهد. البته حق هم دارند اما امکانات ما هم محدود است.

**خیلی از مشتریان از این که خیلی وقت‌ها به کلاس‌های دانشگاه و قرارهای خود به علت نبود خودرو نمی‌رسند، گله دارند.**

در تعریف وظایف ما اول از همه به درمان مشتریان تکیه شده است. یعنی اگر شرکت با توجه به کمبود نقدینگی و امکاناتی که دارد فقط بتواند درمان مشتریان را پوشش دهد، کار خیلی بزرگی انجام داده است. درآمد و بودجه ما ثابت است. اما رشد زیادی که ما در فعالیت‌هایمان داشته‌ایم اصلاً با درآمد ما هماهنگ نیست. تنها کاری که ما توانسته‌ایم انجام دهیم این بوده که از سازمان بهزیستی بخواهیم این محدودیت سرویس دهی را بردارند. ما در روزهای پنجشنبه و جمعه و دسایر روزها در خارج از ساعات اداری سرویس دهی داریم چون اکثر مطب‌ها و آزمایشگاه‌ها و فیزیوتراپی‌ها و... خارج از وقت اداری کار می‌کنند و ما موظف به سرویس دهی در این ساعات هستیم. اما مشترک مانتصور می‌کند که نبودن سرویس در بعضی مواقع به دلیل سهل‌انگاری یا اهمیت ندادن به نیازهای آنهاست.

**در روز چند نوبت سرویس می‌دهید؟**

روزانه حدود ۲۵۰ سرویس می‌دهیم.

هدف از تهیه این کارت‌ها این است که بدانیم هر کدام از مشترکان در ماه به چند سفر درون شهری نیاز دارند که اگر نیاز آنها فراتر از امکانات ما بود، باید برای آن فکری کنیم. برنامه ما این است که بتوانیم از رزرو دو روز قبل ماشین به رزرو یک روز قبل برسیم و برنامه کلی مشتریان خود را مشخص کنیم. از دیگر اقدامات جدید ما احداث تعاونی مصرف برای مشتریان است. هدف این تعاونی مصرف که بخش عمده اقدامات اولیه‌اش انجام شده است، تاسیس یک فروشگاه برای ارائه مایحتاج عمومی به مشتریان است. قرار است بروشور کالاهای موجود در این فروشگاه تهیه و در اختیار مشتریان قرار گیرد تا آنها لیست کالاهای سفارشی خود را تهیه کرده و در اختیار پیک‌های موتوری ما قرار دهند و از این طریق مایحتاج خود را دریافت نمایند. همه مشترکان ما که فعلاً ۱۹۰۰ نفر هستند، عضو این تعاونی مصرف خواهند بود. اعضای هیات مدیره این تعاونی مصرف از NGOها هستند.

**شما چگونه این مددجویان را شناسایی می‌کنید و مشترکان دیگر چگونه می‌توانند این ارتباط را با شما را برقرار کنند؟**

سرچشمه ارتباط ما سازمان بهزیستی است و بانک اطلاعاتی ما آنجاست. این افراد از طریق سازمان بهزیستی با درصد معلولیت‌شان به ما معرفی می‌شوند. ما هم اسامی آنها را به واحد مشترکین ارجاع می‌دهیم، در این واحد افراد براساس منطقه مسکونی‌شان (شمال، جنوب، غرب و مرکز و شرق) کدبندی می‌شوند و هر مشترک یک کد مخصوص به خود می‌گیرد و ۴ خط تلفن در اختیارشان قرار می‌گیرد. یک خط مخصوص هم برای ارتباط راننده‌ها با واحد نقلیه وجود دارد یک خط مجزا هم برای خود مرکز وجود دارد. این خطوط تلفن برای سهولت ارتباط گیری مشتریان، افزایش پیدا کرده است. قصد داریم برای خودروهایی سیم و برای راننده‌ها موبایل تهیه کنیم تا ایجاد ارتباط با سیستم آسان‌تر شود. برنامه‌های زیادی برای آینده داریم که امیدواریم با یاری خداوند قادر به انجامشان شویم.

**چه مشکلاتی در سیر فعالیت‌های خود دارید؟**

مشکل اصلی ما بحث نقدینگی است. هیچ سازمانی از ما حمایت نمی‌کند. ما یک قراردادی با بهزیستی بسته‌ایم که در آن قید شده پنج شنبه و جمعه خدمات ارائه ندهید و در سایر روزها هم فقط در ساعات اداری خودرو در اختیار مشتریان



نیاز سایر معلولان را عینا درک می‌کند، مشکل عبور از سه طبقه پله را لمس می‌کند و... دیگر حرفی برای گفتن باقی نمی‌ماند.

### چنین سازوکاری برای نقل و انتقال مشترکین در

شهرستان‌ها هم وجود دارد؟

در بحث اولیه شرکت بهزیست کار، ۹ کلان شهر کشور دیده شده است که فعلا فقط شعبه شرکت در قم و مشهد آماده راه‌اندازی است.

در برنامه‌ریزی برای شهرستان‌ها سعی کردیم ایراداتی که در تهران با آن روبه‌رو بودیم را قبل از راه‌اندازی واحدها برطرف کنیم. مثلا از ابتدا خودروهای بهینه‌سازی شده را وارد ناوگان حمل و نقل شهرستان‌ها کنیم که مشترکین برای جابه‌جایی مشکل کمتری داشته باشند.

در تهران چه تعداد خودرو کم است. یعنی اگر تعداد

خودروی فعلی به چند

دستگاه برسد، مشکل حمل و

نقل مشترکین تقریبا حل

می‌شود؟

برآورد فعلی من این است

که تهران به حدود ۶۰ دستگاه

خودرو نیاز دارد که بتواند به

یک حد نسبتا مطلوب

سرویس دهی برسد.

### در حال حاضر چند خودرو در اختیار دارید؟

فعلا ۴۰ دستگاه خودرو در اختیار داریم که هر کدام براساس برنامه از قبل تعیین شده در هر روز سرویس می‌دهند.

به جز ۴ اولویتی که شما در سرویس دهی به آن اشاره کردید (درمانی، آموزشی، اداری و انتقال) اگر یکی از مشترکان بخواهد به دیدار فردی از اعضای فامیلش مثلا مادر بزرگش برود شما خودرو در اختیارش قرار می‌دهید؟

من همیشه سعی دارم فراتر از بضاعتم فکر کنم و فراتر از بضاعتم عمل کنم. به همین دلیل دست همکارانم را در این زمینه باز گذاشته‌ام و سعی دارم یک حس خانوادگی میان پرسنل شرکت در همه سطوح با کلیه مشترکان ایجاد کنم. ما یک شرکت خدماتی هستیم و دلیل حضور ما ارایه خدمات به مشترکین است. پس ما باید با تمام قوا اکثر نیازهای آنها را برآورده کنیم. در ماه مبارک رمضان NGOهای زیادی افطاری

دادند. هر NGO و هر واحدی که

با ما کار می‌کرد و یا نمی‌کرد و

مشترکین ما مایل به حضور در

مهمانی آنها بودند، به جرات

می‌گویم که به تمام آنها

سرویس رفت و برگشت دادیم

این در صورتی است که در هیچ

کجای قرارداد ما چنین چیزی

گفته نشده که ما فراتر از بندهای قرارداد خدماتی ارایه دهیم. اما همان طور که خود من علاقه‌مند به دیدار فامیلیم هستم، باید تا حد امکان، این شرایط را برای مشترکان هم ایجاد کنم. مشترکان ما معلولیت دارند اما محدودیت نباید داشته باشند و باید همه کمک کنند که محدودیت این عزیزان کمتر شود.

**شرکت بهزیست کار به چه شکلی اداره و مدیریت می‌شود؟**

این شرکت هیات مدیره دارد که ریاست هیات مدیره آن را آقای مهندس محسن معمایی که خود از جانبازان جنگ می‌باشند و با ویلچر حرکت می‌کنند برعهده دارند. حسن این مجموعه این است که در راس هرم آن یک مشترک وجود دارد. بنابراین هیچ کدام از ما جایی برای اهمال و سهل انگاری نداریم وقتی رییس هیات مدیره با ویلچر حرکت می‌کند و برای تردد خود نیاز به یک ماشین مخصوص دارد و خودش

**ما یک شرکت خدماتی هستیم و دلیل حضور ما ارایه خدمات به مشترکین است. پس ما باید با تمام قوا اکثر نیازهای آنها را برآورده کنیم**

### و حرف آخر:

برنامه‌های زیادی برای اجرا داریم و دنبال این هم نیستیم که این برنامه‌ها فقط توسط خود ما اجرا شود. مدیری موفق است که برنامه‌ای تدوین کند که هر کسی بتواند آن را انجام دهد.

همان طور که گفتم تعاونی مصرف ما در حال طی کردن مراحل ثبت خود است. اعضای هیات مدیره این تعاونی از NGOها هستند. آقای مهندس برجیان و سرکار خانم آذرگشسب از اعضای هیات مدیره تعاونی هستند. ما از مشترکان خود برای ایجاد روابط عمومی شرکت دعوت به کار کرده‌ایم. برنامه ما برای توسعه فعالیت شرکت، استفاده از خود مشترکان در این واحد است. اگر بتوانیم مشکل فیزیکی این ساختمان که پله دارد و برای عبور و مرور مشترکان ما بسیار دشوار است را حل کنیم، برای کار در واحدهای مختلف از آنها دعوت به همکاری می‌کنیم.



# منشور مجتمع آموزشی نیکوکاری

## رعد



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۲۴

۱- گستردگی معلولیت (از هر ده عضو جامعه یک نفر دچار نقص جسمی، حسی، حرکتی و... می باشد) کوشش‌هایی را در جهت آموزش ویژه این افراد می‌طلبند تا بتوانند از مواهب یک زندگی دلپذیر و عادی مانند دیگر هموعان گروه سنی خود برخوردار باشند.

۲- جهل، غفلت، خرافه و ترس از جمله عوامل اجتماعی هستند که در پهنه تاریخ افراد معلول را منزوی ساخته و موجبات کندی یا توقف رشد آنان را فراهم می‌آورد.

۳- جمع‌آوری اعانه و پرداخت مقرری، در نهایت معلول جسمی و حرکتی را به معلول اجتماعی تبدیل می‌نماید.

۴- نیکی، نیاز فطری و نیکوکاری، پاسخ به نیاز درونی انسان است. همیاری محبت‌آمیز پژمردگان را شاداب، ناتوانان را توانا و مایوسان را امیدوار می‌سازد.

۵- از عوامل رضامندی انسان احساس توانایی زیستن بدون اتکا به دیگران است. پس، همچون دیگر اقشار جامعه،

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم... سبح الرعد بحمده (سوره رعد، آیه ۱۱-۱۳)

اگر در تغییر سرنوشت خویش تلاش نورزیم چگونه انتظار تغییر سرنوشت جامعه را توانیم داشت؟

بسان جرعه برق که ابر سنگین را بارور و بارش رحمت الهی را مظهر حاصلخیزی و وفور نعمت می‌سازد، خروش رعد توام با سپاس و منزه داشتن و تسبیح خداوند و بیم ملائکه همه نشانه‌ای از این صاعقه آسمانی است.

آیا «رعد» با انتخاب این نام مقدس می‌تواند برای خود وظیفه‌ای جز بارور کردن استعداد و توانایی‌های بالقوه توان یابان قائل شود؟

باد که بارش این رحمت استعدادهای توان یابان را بارورتر و خانواده و محیط زندگی آنان و در نهایت جامعه را طراوت و شادی بیشتری بخشد.

بر این باوریم که:

گونه‌ای که جاذب افراد نیکوکار و کمک‌های مردمی، عاری از هرگونه شبهه و در راستای رضای خالق و خلق نیکوکار باشد. در یک کلام، پرورش و ارتقای احساس درونی انسان‌های خیر را کوشا و ایشان را در نیل به اعمال خیر بیشتر مشوق باشیم.

#### انتظار داریم که:

۱- همه دست‌اندرکاران رعد متعهد باشند که براساس آموزه الهی «وامرهم شوری بینهم (شوری ۳۸-))» تصمیمات ارکان مجتمع با تبادل نظر، مشورت و رای اکثریت اتخاذ گردد.

۲- اعضای هیات مدیره و امنای «یادواحد» بوده و ضمن آموزش کار جمعی، زبان و طرز تلقی مشترک داشته باشند.

۳- فرد کارکنان و مدیران موسسه با درک هماهنگ و منسجمی از اهداف و منشور مجتمع در راستای عمل صالح حرکت کنند.

۴- فرد کارکنان موسسه و مجتمع‌های آموزشی به توانایی‌های توان یابان و نه به محدودیت‌ها و معلولیت‌های آنان توجه داشته باشند.

۵- فرد کارکنان و مدیران موسسه و مجتمع‌ها خود را امانتدار مردم نیکوکار دانسته و در مصرف وجوه، هدایا، امکانات و کمک‌ها شرط امانت را رعایت و نهایت دقت را مبذول دارند.

۶- فرد کارکنان و مدیر موسسه به مهارت‌ها، دانش‌های سودمند، مفید و اصیل رشته توان بخشی حرفه‌ای مجهز شوند تا از این حیث فضایی کاملاً منطبق با مأموریت موسسه که توانبخشی حرفه‌ای است تداوم یابد.

۷- مسوولان موسسه و مجتمع‌ها ارتباطی پیوسته و رابطه‌ای مستمر با کارآموزان داشته، به عنوان همراه و همگام در مشکلات طرف مشورت خوبی برای ایشان بوده و وضعیت شغلی کارآموزان را پس از فراغت از موسسه پی‌جویی نمایند.

۸- توان‌یابان که رایگان از مواهب آموزش و توانبخشی حرفه‌ای بهره‌مند شده‌اند خود را در حد توانایی متعهد به مشارکت و ارائه خدمات مادی و معنوی متقابل به دیگر توان‌یابان و موسسه بدانند.

۹- فرد کارکنان و مدیران موسسه و مجتمع‌ها تلاش در جهت جذب همیاری و کمک‌های مردمی را بر خود فرض بدانند.

معلولان نیز باید از داشتن فرصت‌های شغلی شرافتمندانه و کسب روزی حلال برخوردار باشند.

۶- توانبخشی حرفه‌ای عاملی موثر در کاهش یا رفع محدودیت‌های معلولین است. پس چرا نتوان کلمه «توان‌یاب» را جایگزین کلمه «معلول» نمود، انتخاب ما اینچنین باشد.

۷- آموزش و اشتغال که نقش عظیمی در بازسازی شخصیت و تامین استقلال توان‌یابان ایفای کند عملی صالح به شمار می‌آید.

۸- توان‌یابان با برخورداری از توانایی‌هایی چون شجاعت، محبت، تسخیرناپذیری، دقت نظر، پشتکار و اخلاص می‌توانند با اتکا به نفس سطح علمی و حرفه‌ای خود را بر حل مسایل متمرکز سازند.

#### کوشش می‌نماییم تا:

۱- خدمات آموزشی و توانبخشی حرفه‌ای را تا حد توان در اختیار توان‌یابان قرار داده و با فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال برای آنها به ارائه خدمات متقابل از جانب ایشان، به عنوان بازدهی به نفع جامعه توان‌یاب، امیدوار باشیم.

۲- آموزش توان‌یابان به گونه‌ای باشد که تا سر حد امکان جبران محدودیت‌های جسمی، حسی و حرکتی آنها را موجب شویم.

۳- آموزش‌های مفید، به روز، کاربردی و متناسب با امکانات و توانایی‌های توان‌یابان را با این هدف که در نهایت امکانات اشتغال آنها را تسهیل نماید، ارائه نماییم.

۴- سازماندهی و همه‌فعالیت‌ها و تلاش‌هایمان به گونه‌ای باشد که بتوان بیشترین بازدهی را برای توانبخشی حرفه‌ای توان‌یابان انتظار داشته باشیم.

۵- کمک‌های دریافتی از نیکوکاران را به گونه‌ای بهینه به مصرف رسانیم که پوشش جغرافیایی هرچه بیشتر جامعه توان‌یاب در اقصی نقاط کشور را موجب گردیم.

۶- جنبه‌های کاربردی و حرفه‌ای بودن آموزش‌های ارائه شده را همواره ارتقا بخشیده و این هدف را که منظور از آموزش‌های ارائه شده توانا شدن کارآموزان برای کار ثمربخش و اقتصادی است، همواره مدنظر داشته باشیم.

۷- در ارائه خدمات، توان‌یابان همه اقشار جامعه را مدنظر داشته و در عین حال برای توان‌یابان نقاط دور افتاده، محروم و مصیبت زده اولویت قائل شویم.

۸- وجهه اجتماعی موسسه را همواره ارتقا بخشیم به



۱۰- مدیران مجتمع‌ها از تازه‌ترین دستاوردهای علمی و تجربی متناسب با فرهنگ و اصول اعتقادات خود بهره‌برداری و مدیریت مجتمع‌های آموزشی با حداقل دیوان‌سالاری و اصطکاک درونی و با رعایت اصل صرفه‌جویی باشد.

۱۱- فرهنگ نیکوکاری را براساس آموزه الهی «تعاونوا علی البر والتقوی» (مائده ۲) گسترش داده و از همه افراد نیکوکاری که در زمینه‌های آموزش حرفه‌ای دارای تخصص و تجربه هستند دعوت به همکاری به عمل آوریم.

۱۲- اصالت «غیردولتی» و «غیرسیاسی» موسسه را موکدا حفظ و آن را الگوی مناسبی برای ایجاد باور جهت اتکا به خود معرفی نماییم.

۱۳- شناخت صحیح‌تری از پدیده معلولیت و امکانات موجود در مجتمع را، برای خانواده‌های توان‌یابان فراهم آورده و در نتیجه زمینه‌های حضور بیشتر توان‌یابان در مجتمع آموزشی فنی و حرفه‌ای فراهم آوریم.

۱۴- در انطباق با اصل «جهانی اندیشیدن و ملی عمل کردن» با سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی ارتباط کاری نزدیک برقرار نموده و حداقل در مقایسه با کشورهای هم‌پراز، برجسته و موفق جلوه‌گر شویم.

۱۵- علاوه بر خدمات توانبخشی و آموزش حرفه‌ای همواره با جامعه کارآفرینان، صاحبان صنایع، بنگاه‌های اقتصادی و به طور کلی همه منابع شغلی و استخدامی در ارتباط بوده و توانایی‌های دانش‌آموختگان موسسه را به طرز صحیح ولی بدون اغراق به آنها معرفی نماییم.

۱۶- نیاز بازار اشتغال را همواره مورد مذاقه قرار داده و خدمات آموزشی و توانبخشی حرفه‌ای را همسوی مشاغل مورد نیاز جامعه سازماندهی نماییم.

۱۷- مسوولان کشوری را به اهمیت و لزوم ایجاد تسهیلات ویژه، برخورداری توان‌یابان از امکانات آموزشی و رفاهی عمومی و دسترسی آنان به استفاده از وسایط نقلیه و دیگر خدمات شهری آگاه و در حد توان یاری نماییم.





# بنده یی انسانم

بنده يك انسانم

در رودی وحشی

که نامش زندگی است

روان

گرچه پای رقتندارم

اما

با امید فراوان

در این رود وحشی

روان خواهم شد

تا که گل های آرزو را

در باغ خشکیده عمر

و اداری به شکفتن نمایم

بله من خواهم رفت

گرچه پای رقتنم نیست

ولی خواهم رفت

تا پگاه صبح فردا

همچنان خواهم رفت

علیرضا پور حسینی



مهندس سلطان زاده :

## صبوری بر مشکلات را از توان یابان آموختیم



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۲۸

موسسه نیکوکاری رعد که اکنون موسسه‌ای کاملاً شناخته شده در عرصه ملی و بین‌المللی در زمینه آموزش معلولان است، در سال ۱۳۶۳ آغاز به کار کرد. تاریخچه شروع به کار این موسسه و چالش‌هایی که در طول فعالیت خود با آن روبه‌رو بوده را از زبان یکی از موسسان موسسه، مهندس سلطان زاده می‌شنویم:

آیا ما باید تا آخر عمر به این شکل در خانه بمانیم و فقط منتظر باشیم که سر ماه حقوقی از بنیاد شهید بگیریم؟ خوب این مساله برای مملکت بحران‌ساز می‌شد. از این رو این افراد فکر کردند و تصمیم گرفتند که در این زمینه، کاری را شروع کنند و به صورت آزمایشی یک سری فعالیت‌هایی را انجام دهند و بعد از جنگ نتایج کار خود را در اختیار مسوولان مملکت قرار دهند. این کار را در سال ۱۳۶۳ با هدف خود کفا کردن معلولان و آموزش منجر به اشتغال شروع کردیم تا با گسترش این فعالیت‌ها در آینده، این مقوله برای کشور بحران ایجاد نکند. آن زمان یک درمانگاه کوچکی بود که بعدها به بیمارستان خیریه غیاثی معروف شد، در این درمانگاه، دو اتاق را در اختیار ما قرار دادند و کار را در آنجا با هشت نفر کارآموز که در آخر دوره تعدادشان به پنج نفر رسید شروع کردیم. در این کلاس‌ها رشته

لطفاً سابقه و مقدماتی که منجر به تاسیس موسسه رعد شد را از زبان خود که یکی از بنیانگذاران مجموعه هستید بفرمایید. در سال ۱۳۶۳، در اوج بحران جنگ که عده‌ای شهید و عده‌ای هم معلول شدند، برای مردم این سوال پیش آمد که با این جوانان کم سن و سال قطع نخاعی چه کنند؟ آیا باید تا آخر عمر در داخل خانه همین‌گونه بمانند؟ و از طرفی هم آن زمان، زمان جنگ بود و مسوولان به فکر این مسایل نبودند و بیشتر به فکر مدیریت جنگ بودند. حداکثر با ارایه کارهای درمانی و حقوقی که به آنها پرداخت می‌کردند مشکل این قشر را پوشش می‌دادند. ولی در همان ایام تعدادی از مهندسين به این فکر افتادند که بالاخره یک روز این جنگ تمام خواهد شد و باید به فکر این جوانانی که به صورت معلول دایم درآمده‌اند بود. یک روز همین‌ها سوال خواهند کرد که

نمودیم. بعد از آن آقای منصوریان به مشهد رفته و خودشان مرکز توان یابان مشهد را نیز دایر کردند. پنج سال بعد از آن شعبه جنوب غرب در بلوار خلیج در یک منزل اجاره‌ای شروع به کار کرد. بعد از آن هم شعبه کرج را دایر کردیم و بعد شعبات رعد در زنجان و کرمان بازگشایی شدند.

در پیشوای ورامین هم شعبه موسی بن جعفر در حدود دو سال پیش دایر شد.

### موسسه رعد در چه زمینه‌ای فعالیت می‌کند؟

موسسه رعد، در زمینه آموزش معلولین جسمی حرکتی و خدمات فنی حرفه‌ای رایگان برای توان یابان عزیز کار می‌کند و اصرار هم دارد که کارهایی را به این توان یابان آموزش بدهد که منجر به اشتغال بشود و آنها را از وابستگی نجات دهد تا به استقلال برسند و تمام خدماتی هم که اینجا داده می‌شود اعم از آموزشی، درمانی، کارهای فیزیوتراپی، کاردرمانی، مددکاری، سرویس رفت و برگشت، همگی به صورت رایگان است و هیچ گونه وجهی از کارآموزان

دریافت نمی‌شود. هزینه‌های موسسه هم توسط افراد خیر تامین می‌شود. تا دو سال پیش هیچ وجهی از ارگان‌های دولتی دریافت نمی‌شد ولی اخیرا با تصویب مجلس که برای آموزش معلولین وجه

مختصری را اختصاص داده است، مقدار مختصری پول از طرف بهزیستی به ما پرداخت می‌گردد.

### گروه موسسین آیا وابسته به جای خاصی بودند؟

خیر. هیچ گروه خاصی نبودند، چند نفر مهندس که با هم از قبل دوست و آشنا بودند جمع شدند و این کار را شروع کردند. البته از آن گروه پنج نفر موسس، در حال حاضر فقط دو نفر در موسسه فعال هستند. شاید گفتن نام این عزیزان از نظر این که آنها کار خیری انجام داده‌اند و نمی‌خواهند نام آنها را کسی بداند لازم به ذکر نباشد ولی با اجازه آنها من نام آنها را می‌گویم. آقای میرزاخانی بودند که یکی از بانیان اصلی بوده، هزینه‌های مالی این ساختمان را قبول کردند، آقای مهندس سیدعلی رضاهندی بودند، آقای مهندس ابوالقاسم احمدی و آقای مهندس عمادزاده و بنده بودیم. اولین مدیرعامل موسسه، آقای مصطفی تبریزی بود که آن زمان کارشناس روانشناسی بودند و بعد از یک سال همکاری با ما

نقشه‌کشی صنعتی توسط مربی به معلولان آموزش داده می‌شد. بعد از پایان دوره هم سعی کردیم که آنها در جایی مشغول به کار شوند. پس از مدتی این دو اتاق را از ما گرفتند. بعد از این که عذر ما را از این مکان خواستند ما مجبور شدیم به پارکینگ آموزشگاه نابینایان بصیر مقابل دخانیات نقل مکان کنیم.

آن پارکینگ تبدیل شد به دو کلاس و یک دفتر کوچک که در زمینه نقشه‌کشی صنعتی، ساختمانی و موتورپیچی به معلولان آموزش می‌داد. البته دوره جدید را با مربی‌های جدید مجدداً شروع کردیم.

حدود ۵ الی ۶ سال آنجا بودیم و با بودجه بسیار محدود و وضع مالی بسیار سخت آن ایام را گذرانیدیم. ولی به تدریج تعداد کارآموزان را در هر دوره به ۲۵ الی ۲۶ نفر رساندیم. تا سال ۷۲ که بهزیستی عذر ما را از این مکان هم خواست و گفت که باید هرچه زودتر این مکان را تخلیه کنیم، هرچه ما از طریق گفت‌وگو با آنها صحبت کردیم و گفتیم که این کارها کار شماسست ما داریم خدمتی

که شما باید به معلولین انجام دهید و نمی‌دهید را انجام می‌دهیم، به خرج آنها نرفت که نرفت.

خوشبختانه آن زمان فرد خیری در آموزش و پرورش استان تهران بود که خدمت ایشان رسیدیم و ایشان زمینی

را در شهرک غرب به مساحت ۲۷۰۰ متر در اختیار ما قرار داد. ایشان گفت، چون پول نداریم که این زمین را بسازیم و شما هم که می‌خواهید کار آموزشی انجام دهید پس این زمین را در اختیار شما قرار می‌دهیم.

ما هم جواز ساختمان را گرفتیم و کار را شروع کردیم و بعد از اتمام ساختمان در اینجا مستقر شدیم و کار را مجدداً در اینجا شروع کردیم. به مرور زمان به کمک خیرین، این موسسه توسعه پیدا کرد، اتاق‌های بیشتری ساخته شد و کلاس‌های بیشتری دایر شد و رشته‌های بیشتری هم اضافه شد. با آمدن آقای منصوریان به عنوان مدیرعامل موسسه، اینجا کاملاً فعال شد. بعد از این که موسسه، راه افتاد به فکر این افتادیم که این فعالیت را به دیگر شهرستان‌ها هم توسعه بدهیم. حدود ۹ سال پیش بود که شعبه‌ای را در یزد به نام «رعد یزد» دایر کردیم. در یزد فعالیت خود را در منزلی که توسط یک نفر خیر در اختیار ما قرار داده شد، آغاز

این کار را در سال ۱۳۶۳ با هدف خود کفا کردن معلولان و آموزش منجر به اشتغال شروع کردیم تا با گسترش این فعالیت‌ها در آینده، این مقوله برای کشور بحران ایجاد نکند





### بعد از این

همه سال، صددرصد

مطمئن شدیم که کار

خدا هیچ وجه لنگ

نمی ماند. گاهی

به مو می رسد

اما قطع نمی شود

ما در اینجا خدماتمان را به عده ای که معلول ذهنی نباشند و سن آنها بین ۱۶ تا ۲۵ سال باشد ارایه می دهیم. البته در شعبه رعد یزد کلاس هایی برای نابینایان و ناشنوایان هم گذاشته اند ولی در سایر شعب رعد، فقط معلولین جسمی، حرکتی پوشش داده می شوند. یکی از دلایلی که ما به این گروه از عزیزان (ناشنوا و نابینا) خدمت ارایه نمی دهیم این است که امکانات مناسب آنها را نداریم. در حال حاضر معلولین جسمی حرکتی خودمان نیز در نوبت قرار دارند، که باید صبر کنند که ترم جدید شروع بشود. از طرفی هم جمعیت معلولین جسمی حرکتی آنقدر زیاد است که اگر بتوانیم به همه آنها برسیم کار بسیار بزرگی کرده ایم. یکی از مشکلات اساسی ما از اول تا به حال که با آن درگیر بوده و هستیم مساله اطلاع رسانی است.

این که تمام معلولین اطلاع حاصل نمایند که چنین مکان هایی وجود دارد و بیایند و از امکانات آن استفاده کنند. این به چند دلیل است که به مشکل تبدیل شده است. یکی رسانه ها هستند که زیاد همکاری نمی کنند. با توجه به این که تعداد توان یابان در قشر پایین اجتماع بیشتر هستند، این مساله خیلی مهم است. ما کسی را داشتیم که فقط به خاطر کوتاهی در دادن واکسن فلج اطفال به کودک خود تا آخر عمر معلول شد قطره ای که به صورت رایگان در اختیار همگان قرار می گیرد علت چیست؟ فرهنگ پایین است. عده ای فکر می کنند که فرزند معلول داشتن عیب است. بنابراین سعی نمی کنند به جاهایی بروند که فرزندان شان آموزش ببینند سعی می کنند که فرزندانشان از منزل خارج نشوند که همسایه ها نفهمند که این شخص فرزند معلول دارد.

شما در صحبت هایتان اشاره کردید که این نوع

به علت فشار بار مسوولیت های زیادی که ایشان تحمل می کرد، از همکاری با ما به طور رسمی استعفا دادند. بعد از ایشان مهندس عامری آمدند که حدود ۲۰ سال است با این مجموعه همکاری می کنند.

### آیا شعبه های رعد در شهرها مستقل هستند؟

بله. شعب مختلف رعد در مناطق مختلف کشور مستقلا به ثبت می رسند و زیر نظر تهران نیستند و ما هم اصرار داریم که اینها در طی حداکثر دو سال مستقل شوند و بعد به ثبت برسند. البته از همان ابتدای شروع به کار، اساسنامه و... آنها جداست. ولی اصرار داریم بعد از دو سال از لحاظ حقوقی هم جدا شوند، چون شعب ما باید از همان روز اول هزینه های مالی خودشان را خودشان تامین کنند.

### اهداف فعلی شما اهداف اولیه است یا با گذشت زمان

#### تغییر کرده است؟

بله. اهداف ما همان اهداف اولیه که جهت کمک به جانبازان و معلولین بود، می باشد. البته در حال حاضر جانبازان درصد بسیار کمی از کارآموزان ما را تشکیل می دهند چون این عزیزان یا خودشان به خودکفایی رسیده اند یا دولت آنها را در جایی مشغول به کار کرده است و نیازی به ما ندارند. ما دنبال کسانی هستیم که واقعا نیاز به کمک دارند تا به خودکفایی برسند، بدون هیچ گونه منتی. می خواهیم به آنها این باور را بدهیم که شما هم اگر بخواهید و تلاش کنید و به خدا توکل داشته باشید، می توانید بر محدودیت های خود غلبه کنید و ما هم در این راه در خدمت شما هستیم.

### آیا دستور کار جدیدی در دستور کار رعد قرار گرفته

است یا همان دستور العمل های اولیه را دنبال می کنید؟



است. اما بعد از این همه سال، صد درصد مطمئن شدیم که کار خدا به هیچ وجه لنگ نمی‌ماند. گاهی به مو می‌رسد اما قطع نمی‌شود وقتی هم که به مو می‌رسد برای این است که به ما هشدار دهد که فکر می‌کنید فلانی و فلانی باید کمک کنند؟ نه این کمک دست من است. و چون کار خداست، هیچ وقت پاره نمی‌شود. واقعا گاهی نگران کننده شده است. اما با یک توکل به خودش، از جایی که اصلا انتظار نداشتیم، تامین شده است. صد درصد به این نتیجه رسیده‌ایم که این کار، کار خداست و تا زمانی که ما خالصانه برای او کار می‌کنیم، لنگ نمی‌ماند. پس همه توجهمان باید معطوف به این باشد که هیچ کارآموزی در اینجا تحقیر نشود و مبدا کارآموزی در اینجا آزرده شود اگر او خطایی مرتکب می‌شود مشکل اصلی من هستم که نمی‌دانم چگونه با او رفتار کنم. خیلی از این بچه‌ها به عنوان آخرین پناه به اینجا آمده‌اند.

آقای مهندس شما

چیزهای زیادی به مددجویان خود آموختید، آنها چه چیزهایی به شما آموختند؟

یکی از آموزه‌ها این بود که اکثر اینها که با این همه مشقت و سختی زندگی می‌کنند، خالصانه شکر خدا می‌کنند. در

این مدت خیلی کم دیده‌ام که کسی از اینها ناشکری کند و وقتی می‌بینیم که این عزیزان که با این همه زحمت زندگی می‌کنند، شکر خدا می‌کنند و ای بر من که از ناملایمات زندگی گله کنم. آرزوی من این است که بتوانیم در همه شهرهای ایران شعبه زده و بتوانیم در خدمت این عزیزان انجام وظیفه کنیم.

شما در حال حاضر گنجایش پذیرش متقاضیان دیگر را هم دارید؟

بله. اگر متقاضی بیشتر هم باشد خدا وسیله‌اش را جور می‌کند. منتهی متأسفانه در این زمینه به اندازه کافی اطلاع رسانی نمی‌شود و خیلی از توان‌یابان از این که چنین مراکزی وجود دارند، اطلاع ندارند. اطلاع‌رسانی در این زمینه کمک زیادی به جذب مددجویان می‌کند. انشاءالله در صورت افزایش جمعیت متقاضی خدا هم وسیله‌اش را فراهم می‌کند. با تشکر از شما که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید.

فعالیت‌ها باید توسط بهزیستی صورت بگیرد و شما درواقع کار آنها را انجام می‌دهید آیا به نظر شما این کارها باید به مردم واگذار شود یا خیر؟

اطلاعاتی که از تمام دنیا کسب کرده‌ایم نشان می‌دهد که در دنیا این گونه کارها را NGOها انجام می‌دهند و دولت فقط نظارت کلی دارد. مردم خیر فراوان هستند که بتوانند در خدمت این عزیزان باشند. دولت باید در نوع نگرش خود به NGOها یک تجدیدنظر اساسی بکند ضمن این که ما قبول داریم جاهای زیادی بوده‌اند که به اسم کمک به مستمندان پول‌های زیادی را حرام کرده‌اند. اما ما در جهت خدمت به این عزیزان تلاش می‌کنیم به هر اندازه‌ای که خداوند به ما توفیق بدهد و انتظار داریم که حداقل در کارهای اداری، ما را بیشتر حمایت کنند برای گرفتن مجوز شعبه جنوب ۴ سال دوندگی کردیم و پس از چهار سال بالاخره به ما مجوز دادند در صورتی که فعالیت این شعبه از چهار سال قبل آغاز شده بود!

موسسه رعد که تازه تاسیس نیست، ۲۰ سال سابقه فعالیت دارد. می‌توانند در بدو تاسیس هر شعبه یک مجوز موقت بدهند تا فعالیت به شکل قانونی شروع شود، بعد مراحل اداری را سر صبر طی کنند.

می‌شود نتیجه گرفت که در صورت حمایت و عملکرد درست دولت، می‌شود دامنه این گونه فعالیت‌ها را افزایش داد؟

حداقل به موسساتی که اعتماد دارند، اعتمادشان را گسترش دهند و آنها را آزاد بگذارند. البته در محدوده مقررات و اجازه دهند که این NGOها بیشتر در خدمت نیازمندان به این خدمات فعالیت کنند.

آقای مهندس در این ۲۲ سال فعالیت شما، بیشترین مشکلاتی که با آن درگیر بوده‌اید چه بوده است؟

بزرگترین مشکل ما بروکراسی اداری و دولتی بوده، در خیلی مواقع به این نتیجه رسیده‌ایم که کار خودمان را انجام دهیم و هر وقت با ما کار داشتند، آنها به سراغ ما بیایند.

از نظر مالی مشکلی نداشته‌اید؟

به هر حال مشکل مالی که همیشه کم و بیش وجود داشته

می‌خواهیم به آنها این باور را بدهیم که شما هم اگر بخواهید و تلاش کنید و به خدا توکل داشته باشید، می‌توانید بر محدودیت‌های خود غلبه کنید و ما هم در این راه در خدمت شما هستیم





## گزارش کارگاه آمادگی پیش از ازدواج



و محبت می‌کرده است و این فرد محبت را با بوی تریاک تجربه کرده است. گاهی هم ناکامی کودک در جلب محبت پدر و مادر در دوران کودکی، در دوران جوانی او را ترغیب می‌کند که با ایجاد شرایط مشابه این ناکامی‌ها را جبران کند. یک وقتی هم هست که عشق فضای خانه را تداعی نمی‌کند. چون فضای خانه، تداعی‌کننده عشق نیست. بنابراین فرد با عشق می‌خواهد از فضای خانه فرار کند. به عبارتی افراد باعشق یابه خانه دوران کودکی برمی‌گردند و یا از آن خانه می‌خواهند فرار کنند. این‌گونه عشق‌ها با این انگیزه‌ها معمولاً عشق‌های خیلی قدرتمندی هم هستند.

دکتر میرمحمد صادقی در ادامه با اشاره به انواع عشق که شامل عشق آتشین، عشق یک سویه و عشق ناگهانی است گفت: عشق یک مساله خلاف نورم زندگی است. عشق وحشی است و چون ناخودآگاه است، زمانی می‌آید که نباید بیاید و برای کسی ایجاد می‌شود که نباید ایجاد شود. باید یاد گرفت که با آن کنار آمد و از آن نترسید چون در آن صورت وحشی‌تر می‌شود. باید توان کنار آمدن با آن را در خود ایجاد کرد.

به گفته دکتر میرمحمد صادقی عشق هیچ وقت در اوج

کارگاه آمادگی پیش از ازدواج در محل موسسه رعد برگزار شد. در این کارگاه که حدود ۲۵ نفر از اعضای موسسه در آن شرکت داشتند، دکتر مهدی میرمحمد صادقی در ارایه مباحث تبیین این کارگاه، به مبحث عشق و ناخودآگاه پرداخت.

دکتر میرمحمد صادقی ابتدا از شرکت‌کنندگان خواست که هر کدام ۲۰ کلمه را که با کلمه خانه به ذهنشان تداعی می‌شود را بنویسند. کلمات بیان شده توسط شرکت‌کنندگان، از محبت و صمیمیت تا اعتیاد و دعوا و فقر و خشونت و ... را شامل شد. مدرس کارگاه سپس به مبحث عشق در بزرگسالی اشاره کرد و گفت: هر چیزی که در خانه دوران کودکی بد و ناپسند و یا خوب و مطلوب بوده در دوران نوجوانی و جوانی گاه به عشق تبدیل می‌شود. به گفته دکتر میر محمد صادقی اکثر انسان‌ها با عشق می‌خواهند هم به فضاهای کودکی و هم به افرادی که در کودکی دوستش داشتند، برسند و این غیرممکن است که در عشاق خیلی جدی به این گونه مسایل برخورد نکنیم.

دکتر میرمحمد صادقی ادامه داد: البته خیلی‌ها هم در بزرگسالی دنبال چیزی می‌روند که در کودکی از آن ضربه خورده‌اند. مثلاً پدر معتاد وقتی نشئه می‌شده، خوش اخلاق بوده

همین دلیل بچه‌ها استقبال بسیار زیادی از این کلاس کرده و با علاقه‌مندی زیاد در آن شرکت می‌کنند.

به گفته خانم صناعی، روش مشارکتی و تعاملی دو طرفه که دکتر میرمحمدصادقی در اداره کلاس از آن استفاده می‌کند بر جذابیت این کلاس نزد مددجویان به شدت افزوده است تا جایی که بچه‌ها از سایر کارگاه‌های آموزشی نیز خواهان چنین روشی هستند.

### ما هم می‌توانیم مثل دیگران زندگی کنیم

پریا یکی از شرکت‌کنندگان این کارگاه بود که قبل از تشکیل کلاس با او به گفت‌وگو پرداختم. پریا درباره این کارگاه می‌گوید: در این کلاس‌ها دیدگاه بچه‌ها نسبت به زندگی عوض می‌شود و این که شرایط فعلی ما یک حقیقت محض است. حقیقتی است که باید آن را بپذیریم و بتوانیم با وجود محدودیت‌هایی که برای ما ایجاد می‌کند، زندگی کنیم. فرقی نمی‌کند که من روی ویلچر باشم یا نتوانم بدوم. اگر من با مشکلاتی در این زمینه روبه‌رو هستم، این برمی‌گردد به جامعه من که هیچ امکاناتی به یک شهروند با این محدودیت‌ها نمی‌دهد. ولی من حق زندگی دارم و از همه امکاناتی که هر انسان از آن برخوردار است، من هم باید برخوردار باشم. حق زندگی را کسی به من داده که همه کائنات در دست اوست.

پریا در پاسخ به این سوال که این کلاس چگونه به شما کمک کرده که با مشکل خود راحت کنار بیایی گفت: این کلاس برای بچه‌ها که خیلی منزوی بودند و خودشان را باور نداشتند و نیاز خود را به عنوان یک انسان گم کرده بودند، یک نوع خودباوری ایجاد کرد و به ما فهماند که نیازهای ما نیز مثل نیازهای سایرین است و ما هم می‌توانیم مثل دیگران زندگی کنیم.

نمی‌ماند و حتما از اوج خودش پایین می‌آید که در بهترین حالت به دوستی و محبت تبدیل می‌شود.

مدرس این کارگاه در خاتمه گفت: برای مقابله با بدترین نوع عشق که نوع یکطرفه آتشین است، دو پیشنهاد کارساز وجود دارد، اول این که چون عشق، مثل موج شدید و کوبنده است، برای کاهش عوارض لحظه برخورد موج با فرد، استفاده از داروهای مرتبط کارساز است. چون دارو کمک می‌کند که این مسیر راحت‌تر طی شود. دومین پیشنهاد هم استفاده از افراد کمکی است که این افراد کمکی می‌توانند یک دوست آگاه باشند و یا یک روانشناس که با روانکاری ریشه این عشق را برای فرد روشن می‌کند و به او کمک می‌کند که با این قضیه کنار بیاید.

### در حاشیه کارگاه

نسرین صناعی، کارشناس ارشد مددکاری و مسوول واحد مددکاری در مجتمع رعده است، از او در مورد هدف مجتمع رعده از برگزاری این کارگاه پرسیدم. او گفت: هدف ما از برگزاری کارگاه آموزش و حل مسایل قبل از ازدواج که امروز هفتمین جلسه آن برگزار می‌شود، ترغیب بچه‌ها به تصمیم‌گیری صحیح درخصوص مساله ازدواج است.

وی ادامه داد: یکی از موانعی که می‌تواند در مسایل اساسی و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی تاثیر بگذارد، برخورد با مساله ازدواج است. دختران و پسران گاه به هم علاقه‌مند می‌شوند و بعضی وقت‌ها خیلی زود در مورد زندگی آینده‌شان تصمیم می‌گیرند. برای این که تصمیم‌گیری‌شان منطقی باشد و بدانند که در یک ازدواج به چه عواملی باید توجه کنند، این کارگاه را برگزار کردیم تا به بچه‌ها کمک شود که در مورد ازدواج یک

تصمیم‌گیری درست داشته

باشند و بتوانند در کنار یک

شریک زندگی مناسب با

شرایط خود قرار گیرند.

خانم صناعی در مورد

این کلاس می‌گوید:

موضوع این کلاس

موضوعی است که با وجود

حضور پررنگ آن در اذهان

بچه‌ها، چه سالم و چه دچار

محدودیت فیزیکی، کمتر به

آن پرداخته می‌شود. به



## فرازهایی از عشق، صمیمیت و ازدواج

دفتر مددکاری مجتمع رعد در تاریخ ۸۵/۲/۶ جلسه سخنرانی با موضوع احساس، عشق و ازدواج را برگزار کرد. در این سخنرانی که توسط خانم دکتر مریم رسولیان انجام شد حدود ۱۰۰ نفر از توان یابان مجتمع حضور داشتند. هدف از برگزاری این جلسه، آشنانمودن توان یابان موسسه رعد با یکی از مهم ترین و سوال برانگیزترین مساله زندگی، یعنی عشق و ازدواج بود. نظر به اهمیت مطالب ارایه شده، خلاصه ای از آن تقدیم خوانندگان می شود:



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۳۴

انتخاب شریک زندگی و ازدواج یکی از مهمترین وقایع زندگی هر فردی است. انسان موجودی اجتماعی است و برای رشد طبیعی و برخوردار شدن از سلامت روانی، ارتباط با دیگر انسان ها برای هر فرد، اهمیت فراوانی دارد. افرادی مانند پدر، مادر، خواهر، برادر، دوست خوب یا همسر خوب در واقع منابع انسانی و عاطفی هر فرد در زندگی هستند. مهمترین شخص در ارتباطات انسانی، در هر مرحله از زندگی افراد تغییر می کند. در دوران کودکی والدین اهمیت ویژه ای دارند. در دوران نوجوانی اهمیت همسالان و دوستان پررنگ می شود و در بزرگسالی شریک زندگی و همسر نقش مهمتری دارد.

فردی که سیر طبیعی رشد خود را به درستی طی می کند، مراحل مختلف زندگی را به سادگی سپری کرده و در هر یک از این مراحل روابط خوب و رضایت بخشی با اطرافیان خود ایجاد می کند. متخصصان علوم انسانی که سعی بر تحلیل و تبیین رفتار انسانی دارند، بحث رابطه عاطفی و عشق و دوست داشتن را از این زاویه مورد بررسی قرار می دهند.

از آنجا که انتخاب شریک زندگی یکی از مهم ترین انتخاب های دوران بزرگسالی است، شاید بتوان با نگاه علمی و تحلیل گونه به اجزای این انتخاب، گامی مطمئن تر در این زمینه برداشت.

یک رابطه انسانی، سه بعد اصلی و اساسی دارد.

**عشق:** دوست داشتن با هیجان زیاد.

**صمیمیت:** لذت بردن از بودن با یکدیگر و رفت و آمد و گفت و گو

**تعهد:** ازدواج و متعهد شدن برای زندگی طولانی مدت و مشترک با یکدیگر.



می‌پذیرد.

همه این ویژگی‌ها، یعنی استثنایی دیدن رابطه، کوچک دیدن عیب‌ها و تغییر سلیقه خود براساس نظر دیگری و پذیرش بدون قید و شرط، در یک رابطه هیجانی و عشق، وجود دارد. وقتی کسی این خصوصیات را در خود می‌بیند، باید متوجه باشد که هیجان‌اتش زیاد شده و ممکن است انتخابی که خواهد کرد انتخاب درستی نباشد.

#### صمیمیت:

در این مرحله دو نفر ارتباط بیشتری با هم برقرار کرده و وقت بیشتری را با هم می‌گذرانند. در نتیجه با



از آنجا که انتخاب شریک زندگی یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های دوران بزرگسالی است، شاید بتوان با نگاه علمی و تحلیل گونه به اجزای این انتخاب، گامی مطمئن‌تر در این زمینه برداشت

شناسایی این ابعاد و افزایش قدرت تشخیص شناخت آن در هر فرد، به افراد کمک می‌کند تا بهتر بتوانند برای زندگی خود تصمیم‌گیری نمایند. گفتنی است ترتیب و توالی این گونه اتفاقات در زندگی افراد در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در جامعه ما، غالباً ازدواج‌ها از ابتدا با تعهد شروع می‌شوند. یعنی دختر و پسر قبل از ارتباط و شناخت یکدیگر و قبل از علاقه‌مند شدن به هم با تشخیص والدین نسبت به هم متعهد می‌شوند و بعد در طول زندگی عشق و صمیمیت بینشان ایجاد می‌شود و یا

شاید هم نشود. گاهی هم تعهد با عشق و هیجان زیاد و حتی قبل از ایجاد صمیمیت ایجاد می‌شود که پس از مدتی صمیمیت هم یا ایجاد می‌شود و یا نمی‌شود.

تقدم و تاخر این مراحل لزوماً دلیلی قطعی برای یک ازدواج خوب یا ناموفق نمی‌باشد. اشاره کوتاهی به ویژگی‌های هر یک از این سه بعد خواهیم داشت:

#### عشق:

۱- عشق در هر زمان فقط نسبت به یک نفر وجود دارد. البته ناگفته نماند که فرد در طول زندگی ممکن است چند مرتبه عاشق شود ولی در یک مقطع زمانی بین دو جنس، عشق فقط نسبت به یک نفر وجود دارد.

۲- معشوق همیشه در ذهن عاشق حضور دارد.

۳- عاشق این رابطه را خیلی خاص و استثنایی و منحصر به فرد می‌بیند.

۴- عاشق عیب‌های معشوق را کوچک و خوبی‌هایش را بزرگ می‌بیند.

۵- عاشق سعی می‌کند رفتار و سلیقه خود را براساس سلیقه معشوق تغییر دهد.

۶- عاشق، معشوق خود را بدون هیچ قید و شرطی

خصوصیات رفتاری و سلیقه‌های یکدیگر بیشتر آشنا می‌شوند و متوجه شباهت‌ها و تفاوت‌ها خواهند شد. دو نفر که با یکدیگر همکار و همکلاس هستند و وقت بیشتری را با هم می‌گذرانند و یکدیگر را زیاد می‌بینند، این ارتباط می‌تواند منجر به ایجاد صمیمیت بین آنها شود. بدون این که ویژگی‌های عشق در ارتباط آن دو وجود داشته باشد که البته پس از مدتی عشق هم ممکن است به وجود بیاید.

#### تعهد:

در این زمان، دو نفر برای عشق به یکدیگر و یا صمیمیت با هم و یا هم عشق و هم صمیمیت تصمیم به متعهد شدن نسبت به یکدیگر می‌گیرند و می‌خواهند برای همیشه با هم زندگی کنند.

البته باید توجه داشت که «تعهد» و «وابستگی» با هم متفاوت است. در تعهد دو طرف رابطه با وجود پذیرش هر یک به عنوان فردی مستقل و به صورت آگاهانه، ضمن احترام به تفاوت‌ها یکدیگر را می‌پذیرند اما در وابستگی، به استقلال فرد توجه نمی‌شود و انتظار بر حذف استقلال طرف مقابل وجود دارد. وجود این انتظار از زندگی مشترک، زندگی را پرتنش و ادامه آن را سخت می‌کند.



در حاشیه کارگاه

## امکانی برای آشنایی‌های بیشتر



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۳۶

ازدواج یکی از مهمترین تصمیمات زندگی افراد است. اما این تصمیم زمانی باید گرفته شود که با بینش صحیح و توانایی قبول مسوولیت زندگی مشترک همراه باشد. بنابراین تلاش برای آرایه اطلاعات و افزایش دانسته‌ها به آنهایی که هنوز آمادگی چنین تصمیمی را ندارند، بسیار مهم است. قبل از ازدواج قدرت و اختیار در تصمیم‌گیری بسیار حایز اهمیت است و می‌توان از تشکیل ساختارهای مشکل‌زا دوری کرد. اما پس از ازدواج به ندرت می‌توان در ساختارها تغییر ایجاد نمود و صرفاً می‌توان کارکردهای مشکل‌زا را کاهش داد.

به همین جهت دفتر مددکاری مجتمع رعد با توجه به اهمیت موضوع اقدام به برگزاری یک کارگاه آموزشی با موضوع «آموزش پیش از ازدواج» از تاریخ ۸۵/۴/۱۵ با دعوت از آقای دکتر مهدی میرمحمد صادقی برای توان یابان عزیز نموده است. این کارگاه به مدت ۸ هفته، پنج‌شنبه‌ها از ساعت ۹ الی ۱۱ در این مجتمع برگزار شد.

در همین خصوص گفت و گویی با دکتر محمد مهدی میرصادقی انجام دادیم که با هم می‌خوانیم:

آقای دکتر مطالب آرایه شده در این کلاس‌ها چقدر خاص معلولین است و چقدر عمومیت دارد؟

ازدواج یک مبحث عمومی است و ما تفکیکی میان ازدواج معلولین و ازدواج افراد سالم نداریم. آنچه که من در این کلاس آرایه می‌کنم با آنچه در سایر کلاس‌ها در این خصوص آرایه می‌کنم تفاوتی ندارد. اما در این کلاس به دلیل ویژگی‌های شرکت‌کنندگان، یک سری از مسایل شفاف‌تر بیان می‌شود و در مورد آنها بیشتر توضیح داده می‌شود. در یک کلاس عمومی ممکن است در خصوص یک مطلب توضیح کلی داده شود ولی در این کلاس ممکن است همان مطلب دو جلسه را به خود اختصاص دهد. خود من تفاوتی میان این کلاس با سایر کلاس‌هایم در خصوص این موضوع ندیده‌ام.

محدودیت فیزیکی این بچه‌ها آیا تغییری در نگاه آنها نسبت به مساله ازدواج ایجاد نمی‌کند؟

موسسه رعد با ایجاد چنین فضایی فیزیکی برای این بچه‌ها، این محدودیت را تا حد زیادی برطرف کرده است. همین دور هم

سایتهایی به این ارتباطات اختصاص پیدا می‌کرد... قدرت انتخاب آنها بالا می‌رفت و احساس آزادی بیشتری می‌کردند.

**به هر حال موسسه رصد یک NGO است با همه محدودیت‌هایی که NGOها با آن روبه‌رو هستند نهادهای دولتی چه کمکی در این زمینه می‌توانند انجام دهند؟**

این قضیه خیلی به دولت هم ارتباط ندارد. مثلا اگر این بچه‌ها می‌توانستند با بچه‌های مشابه خود به هر طریقی مرتبط شوند، مثلا می‌فهمیدند که بچه‌هایی که مشکل حرکتی دارند در شیراز روز اول هر ماه جلسه دارند، اینها هم می‌رفتند و در این جلسه شرکت کردند و در آنجا هم امکاناتی برای آشنایی آنها با هم به وجود می‌آوردند، خیلی موثر بود. درواقع یک پاتوق وجود داشت. این وضعیت اگر وجود داشت، این بچه‌ها در ازدواجشان راحت‌تر و با دست بازتر حرکت می‌کردند در این صورت احساس محدودیت نمی‌کردن چون امکان انتخاب فراوان داشتند. مشکل اصلی برای معلولان محدودیت روابط آنهاست. باید برای آنها فضاهای ارتباطی ایجاد کرد، باید برای آنها پاتوق ایجاد کرد تا به طور طبیعی در آن پاتوق‌ها یک سری ازدواج رخ دهد و این بچه‌ها احساس نکنند محدودند. اکثر این بچه‌ها مشکل خاصی برای ازدواج ندارند و حتی نیاز به آموزش خاصی هم ندارند. ازدواج ۲ نابینا با هم یا دو معلول حرکتی با هم فرقی با ازدواج دو فرد سالم با هم ندارد. فقط مشکل اینها این است که همدیگر را پیدا نمی‌کنند جایی ندارند با هم بنشینند بستنی بخورند، گپ بزنند. به این ترتیب یکی از بزرگترین مشکلات معلولان که مساله ازدواج است حل می‌شود. نکته جالب درخصوص معلولان این است که جمعیت زنان و مردانشان برابر است ولی مشکل آنها این است که همدیگر را پیدا نمی‌کنند.

**درواقع اینها اقلیتی هستند که مثل سایر اقلیت‌ها که مراسم خاص خود و گردهمایی‌هایی خاص خود را دارند، اینها هم می‌بایست در روزهایی از سال گرد هم جمع شوند.** دقیقا همین طور است. ببینید مثلا زرتشتی‌ها، ارمنه، کلیمی‌ها، اینها همه ملزم هستند که با هم دین خودشان وصلت کنند پس باید با همدیگر در مناسبت‌هایی آشنا شوند. بچه‌های معلول هم نیاز به این گردهمایی‌ها دارند تا بتوانند همدیگر را پیدا کنند. وقتی همدیگر را پیدا کردند دیگر نیازی نیست شما کار ویژه‌ای برایشان انجام دهید، مثل افراد سالم باید دقت‌های عمومی را رعایت کنند.

بودن بچه‌هایی که شرایط جسمی مشابهی دارند تاثیر بسیار مثبتی روی آنها دارد. وجود این موسسه و وجود همین ساختمان‌ها به خودی خود به این بچه‌ها کمک می‌کند تا همدیگر را پیدا کنند. من فقط در اینجا به آنها کمک می‌کنم که چه دقت‌هایی را در انتخاب خود به کار برند و چه کسی برایشان مناسب است و...

**درواقع موسسه رصد این بستر مناسب برای تعامل این بچه‌ها با هم را ایجاد کرده است.**

بله. در ازدواج اولین نکته مهم این است که افراد، مناسب همدیگر باشند. این بچه‌ها همگی شرایط حرکتی مشابهی دارند و همین اولین خصوصیت مشترک میان آنهاست. البته این خصوصیت مشترک دلیل بر این نیست که اینها همه با هم برای ازدواج مناسب باشند. این مکان این زمینه را برای حضور چنین افرادی با ویژگی‌های مشترک فراهم کرده است. حالا در این محدوده افراد می‌توانند دست به انتخاب بزنند و این کار خیلی بزرگی است که موسسه رصد انجام داده است.

این بچه‌ها اگر چنین جایی را برای گردهم آمدن نداشتند، یا ناامید و افسرده می‌شدند و یا منزوی و گوشه‌گیر.

به نظر من، اگر این موسسه وجود نداشت یک چیزی کم بود. این فضا و افرادی که در اینجا مشغول به کارند موجب می‌شوند که این افراد با ویژگی‌های مشترک در آن جمع شوند و همدیگر را پیدا کنند من به عنوان کسی که در زمینه ازدواج کار تخصصی می‌کنم معتقدم که چیزی که در جامعه ما کم است وجود فضاهایی است که آدم‌های مناسب همدیگر در آنجا جمع شوند. مثلا نابینایان چگونه باید همدیگر را پیدا کنند یا ناشنویان و... اینها باید یک جایی همدیگر را پیدا کنند. ولی وقتی یک چنین مکان‌هایی وجود نداشته باشد، این افراد مرتبا به افراد سالم که مناسب آنها نیستند، علاقه‌مند می‌شوند و مرتبا ناکام می‌شوند و این ناکامی‌های پی در پی امکان استفاده از توانایی‌های موجودشان را نیز از آنها می‌گیرد. البته باز تاکید می‌کنم میان همین بچه‌ها هم مناسب نیستند. تازه بعد از این که دست به انتخاب زدند باید از مشاوران برای درک بهتر مسایل شخصی فرد مورد نظر کمک بگیرند. و ای کاش فضایی فراهم بود که این بچه‌ها با بچه‌های شهرهای دیگر هم در ارتباط بودند. هرچه بستر این ارتباط‌ها وسیع‌تر باشد، قدرت انتخاب هم بالاتر می‌رود.

اگر گردهمایی‌هایی در سطح کشور برگزار می‌شد،





در گفت و گو با  
زهرا بهمن پور عنوان شد

## آموزش‌های

## منجر به

## اشتغال

زهرا بهمن پور سابقه ۲۳ سال کار در آموزش و پرورش را دارد. او که سابقه مدیریت در تمامی مقاطع تحصیلی را نیز داشته، مدت‌ها کارشناس گروه‌های آموزشی در بخش کار و دانش و مهارت‌های فنی حرفه‌ای در وزارتخانه آموزش و پرورش بوده است. زهرا بهمن پور دارای مدرک فوق لیسانس برنامه‌ریزی با گرایش تکنولوژی آموزشی است. او پس از یک سال کار مشاوره‌ای در زمینه آموزش با مجتمع رعد، پیشنهاد مدیریت آموزشی این مجتمع را پذیرفت. با او در زمینه برنامه‌های آموزشی مجتمع رعد گفت و گویی داشتیم که در زیر می‌آید.



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۳۸

درس‌هایی را به آنها ارایه می‌کنیم که منطبق با درس آموزش و پرورش بوده و به دیپلم منجر شود.

کلا در رشته‌های کاردانش گواهینامه درس مهارتی را سازمان فنی و حرفه‌ای صادر می‌کند که در اینجا هم همین روند طی می‌شود ولی درس نظری را به گونه‌ای ارایه کرده‌ایم که با سرفصل‌های درسی آموزش و پرورش هم خوانی داشته باشد. در مورد درس مهارتی، رشته‌هایی را به بچه‌ها ارایه می‌دهیم که کاربردی‌تر بوده و ارتباط بیشتری با بازار کار داشته باشد. البته با توجه به محدودیت‌های فیزیکی این بچه‌ها.

**برای مددجویان بالای دیپلم چه برنامه‌های آموزشی دارید؟**

برای این بچه‌ها اول بخش کامپیوتر را به شکل آموزش عمومی برای همه تعریف کردیم که همه بچه‌ها در هر رشته مهارتی که می‌خواهند آموزش ببینند، اول به کامپیوتر و کار با آن مسلط شوند.

همه رشته‌های ارایه شده منجر به اخذ گواهینامه

خانم بهمن پور با توجه به این که موسسه رعد پیش از آمدن شما نیز برنامه‌های آموزشی داشته، با آمدن شما چه تغییراتی در این برنامه‌ها داده شده است؟

طرحی که من در مورد آموزش در این موسسه داشتیم، این بود که آموزش می‌بایست به شکل ترمی و هدفمند ارایه شود. قبلاً مجتمع رعد دوره‌های آموزشی مختلفی ارایه می‌داد. ما همان دوره‌ها را ادامه دادیم منتهی با هدف. در ابتدا آمدم بچه‌ها را از نظر سواد درسی تقسیم‌بندی کردیم. یک سری مددجوی زیر دیپلم داشتیم و یک سری مددجوی بالای دیپلم، دانشجو و حتی لیسانس. بچه‌های زیر دیپلم را شناسایی کردیم و آنها را در قالب رشته‌هایی که داشتیم با تغییراتی در سرفصل‌های درسی آنها به سمتی هدایت کردیم که به دیپلم منجر شود و علاوه بر آن مهارتی هم کسب کرده باشند. این برنامه را در قالب سه ترم در طول سال تعریف کردیم.

**برای این که این آموزش‌ها منجر به دیپلم شود، با آموزش و پرورش هماهنگی انجام دادید؟**

بله. در برنامه‌ریزی آموزشی این سری از مددجویان

## مهارتی می شود؟

اکثر رشته‌های ارایه شده منجر به گواهینامه می‌شود اما یک سری از رشته‌ها هم هستند که حالت فوق برنامه دارند. چون به هر حال یک سری از مددجویان محدودیت‌های بالای فیزیکی دارند و در هر رشته‌ای نمی‌توانند شرکت کنند. در مورد این گونه مددجویان با توجه به این که اکثر علایق هنری هم دارند، کلاس‌هایی مثل کلاس نقاشی، خوشنویسی و شطرنج را گذاشته‌ایم. البته رشته نقاشی هم در صورت گذراندن یک سری واحد نظری می‌تواند به گواهینامه منجر شود اما گواهینامه این سری رشته‌ها می‌بایست از طریق وزارت ارشاد داده شود که فعلاً موسسه با ارشاد در این رابطه قراردادی ندارد. کلاس شطرنج را در تابستان گذاشتیم چون در تابستان یک سری از دانش‌آموزان از مدارس دیگر هم می‌آیند. فکر کردیم که این بچه‌ها در تابستان علاوه بر این که از امکانات آموزشی این مکان استفاده می‌کنند، از امکانات دیگری مثل ورزش فکری هم بهره‌مند شوند.

کلاس برنامه‌های آموزشی را به این ترتیب دسته‌بندی کردیم که علاوه بر این که بچه‌ها از آموزش تئوری بهره‌مند شوند، بتوانند در انتها مهارتی را بیاموزند که منجر به شغل برای آنها شود. دسته‌بندی

مهارت‌های آموزش داده شده تنها شامل این بچه‌ها نمی‌شود، بچه‌های عادی هم این دسته‌بندی را دارند اما در اینجا دسته‌بندی مهارت‌ها مشروط‌تر است. مثلاً بعضی از بچه‌های اینجا اصلاً امکان این که بتوانند خود اشتغال و خویش فرما شوند را ندارند این گونه افراد حتماً می‌بایست در جایی استخدام شوند. برای این گونه بچه‌ها رشته‌ای مثل رشته حسابداری را گذاشتیم، روی ایجاد رشته منشی‌گری هم در حال بررسی هستیم.

**داشتن گواهینامه مهارتی چه مزایایی برای کارآموزان ایجاد می‌کند؟**

با ارایه گواهینامه مهارتی آنها می‌توانند از وام خود اشتغالی استفاده کنند به همین دلیل بیشتر آموزش‌ها رایه سمتی می‌بریم که بچه‌ها بتوانند گواهی‌نامه بگیرند چون در آن

صورت می‌توانند از یک سری تسهیلات بهره‌مند شوند.

**اصولاً آموزش‌های ارایه شده شما، شامل چه رشته‌هایی می‌شود؟**

رشته معرق‌کاری را داریم که هنوز به دادن گواهینامه منجر نمی‌شود ما درصددیم که از وزارت کار برایش گواهینامه بگیریم. رشته گبه را داریم که به اخذ گواهینامه از وزارت کار منجر می‌شود.

برای بچه‌های زیردیپلم، رایانه کار درجه دو را داریم که همان ICDL است منتهی با دوره طولانی مدت‌تر.

نقاشی، سرود، موسیقی، برنامه فلش، برنامه پریمیر، ICDL یک و دو را داریم. حجم‌سازی با گچ، تئاتر، سخت‌افزار، تراش شیشه، زبان در سطوح مختلف داریم.

از این ترم تایپ کامپیوتری را برای بچه‌ها گذاشته‌ایم، گرافیک رایانه‌ای یا فتوشاپ را داریم. خیاطی و آشپزی و آموزش مهارت‌های زندگی را هم

داریم.

**برای همه اینها گواهینامه ارایه می‌دهید؟**

برای همه این رشته‌ها گواهینامه نمی‌دهیم. در مورد زبان با یکی از موسسات مبنی بر این که به ما مجوز بدهند تا بچه‌ها ادامه دوره خود را در آن

موسسه بگذرانند مکاتبه کرده‌ایم که البته هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم. نقاشی و موسیقی و سرود و... که هیچ‌کدام گواهینامه ندارند. اما برای معرق، حسابداری، گبه، رایانه کار درجه ۲، ICDL یک و دو، سخت‌افزار و... گواهینامه وجود دارد. بچه‌هایی که این دوره‌ها را در تابستان گذرانده‌اند، برای آزمون معرفی شده‌اند که در صورت موفقیت در آزمون گواهینامه می‌گیرند.

**دوره تابستانی چقدر طول کشید؟**

دوره تابستانی ۱۰ هفته بود که ما قبل از معرفی بچه‌ها به سازمان فنی-حرفه‌ای یک پیش‌آزمون برگزار می‌کنیم و بعد بچه‌هایی که حد نصاب نمره را آورده باشند به سازمان فنی حرفه‌ای برای آزمون معرفی کنیم.

**آینده شغلی رشته‌هایی که منجر به اخذ گواهینامه**



## می شود چیست؟

در مورد رشته‌های مختلف فرق می‌کند. مثلاً در رشته تراش شیشه، بچه‌ها می‌توانند خود اشتغال شوند. می‌توانند یک دستگاه تراش شیشه تهیه کنند و در خانه کارکنند. در رشته خیاطی هم روش‌های مختلفی وجود دارد. مثلاً ما یک سفارش کار تولیدی را گرفتیم و به بچه‌ها داریم که دیدیم می‌توانند در این بخش کار کنند. می‌توانند در کارگاه‌های تولیدی استخدام شوند می‌توانند تک دوزی کنند حتی می‌توانند ادامه دهند و مجوز تاسیس آموزشگاه بگیرند. هر رشته‌ای مختصات خاص خود را دارد. بعضی از مهارت‌ها قابلیت مطابقت با شرایط مددجویانی که محدودیت حرکتی دارند را دارد مثل رشته تدوین فیلم یا کارهایی که با کامپیوتر خانگی قابل اجراست. در این صورت مددجو می‌تواند کار را در خانه انجام و تحویل دهد.

به هر حال اشتغال ارتباط مستقیم با نیاز بازار دارد و ما سعی می‌کنیم در این خصوص اطلاعات کسب کنیم تا آموزش‌هایمان در پاسخ به نیاز بازار باشد.

در جلسه‌ای که با شرکت مربیان و یک سری افراد که کار آزاد داشتند و درخصوص نیاز

بازار کار علمی کرده بودند برگزار کردیم، به بررسی این مساله پرداختیم که چه نرم‌افزارهایی را به بچه‌ها آموزش دهیم که منجر به اشتغال آنها شود. نیاز بازار خیلی شناخته شده نیست و به محض این که نیاز بازار مشخص شد تا بخواهیم برنامه‌ریزی آموزشی کنیم و آن مهارت را آموزش دهیم، بازار از آن مهارت اشباع می‌شود. اما به هر حال در ایجاد کسب و کار، خلاقیت و نوآوری شخصی و استفاده از فرصت‌ها، اصلی‌ترین ملاک است. داشتن ایده و خلاقیت ارتباط زیادی با وضعیت فیزیکی فرد ندارد به خصوص در شرایط موجود که کامپیوتر و اینترنت کارها را تسهیل کرده است.

**در مورد قانون سه درصد استخدام معلولین در مراکز دولتی آماری در دست هست که این قانون اجرا می‌شود یا نه؟**

این قانون تصویب شده است اما تاکنون آمار در این رابطه

ارایه نشده است.

**شما هیچ ارتباطی در این خصوص با مراکز نهادهای دولتی دارید که چه تعداد از افرادی که موفق به اخذ گواهینامه می‌شوند به کار مشغول شده‌اند؟**

خیر. ما یک مرکز آموزشی هستیم. البته دنبال این هستیم که یک بخش اشتغال و کارآفرینی در این موسسه ایجاد شود و با توجه به این که بهزیستی هم یک معاونت کارآفرینی و اشتغال ایجاد کرده و ستاد مجتمع رعد، امر اشتغال را پیگیری می‌نماید.

**دوره‌های آموزشی شما همیشه ۱۰ هفته‌ای است؟**

خیر. دوره‌های تابستانی ۱۰ هفته است. در طول سال دو ترم ۱۵ هفته‌ای برگزار می‌شود. در دوره‌های آموزشی مهم این است که ساعت مقرر پر شود. مثلاً دوره آموزشی رایانه کار درجه دو، ۴۵ ساعت است که این مدت ساعت باید پر شود. ما

این دوره را از تابستان شروع کردیم و این ترم هم ادامه دارد. ولی بعضی از آموزش‌ها در ترم تابستان به پایان رسید.

**در ترم تابستان چه تعدادی شرکت کننده داشتید؟**  
در ترم تابستان ۱۹۶ کارآموز داشتیم.

**مربیان کلاس‌های شما**

**دوره خاصی برای برخورد با افرادی که محدودیت حرکتی دارند می‌بینید؟**  
خیر.

**آیا به نظر شما گذراندن چنین دوره‌ای ضرورت دارد؟**  
بله. چون این افراد کمی حساس‌ترند و لازم است چنین دوره‌ای توسط مربیان گذرانده شود. خصوصاً بچه‌هایی که با سانحه دچار معلولیت شده‌اند بسیار ضربه‌پذیرند و ارتباط با آنها مهارت خاصی می‌خواهد. در سطح جامعه هم همین طور است. گاه این بچه‌ها از نوع نگاه و برخورد افراد رنجیده خاطر می‌شوند. لازم است که رسانه‌ها با فرهنگ‌سازی در این خصوص اقدام کنند و البته خود بچه‌ها هم باید باور کنند که خیلی توانایی دارند و باید از این توانایی‌ها استفاده کنند. اگر در جسم خود محدودیت دارند می‌بایست ذهنشان را فعال‌تر و کارآتر کنند.

**در ایجاد کسب و کار  
خلاقیت و نوآوری شخصی  
و استفاده از فرصت‌ها  
اصلی‌ترین ملاک است**



# مشکلات حمل و نقل معلولین

نازنین رحیم زاده



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۴۱

۲- فقدان آسانسور، شیب مناسب و بالابر در بعضی ساختمان‌ها  
 ۳- نبود پل و حفاظ بر روی جوی‌ها و رودخانه‌ها  
 ۴- جدول بندی با ارتفاع زیاد که ایاب و ذهاب معلولین را دشوار می‌سازد.  
 ۵- نبود پل هوایی با پلکان برقی، در اکثر خیابان‌های پر رفت و آمد.  
 ۹- عبور غیرمجاز موتورسیکلت سواران در پیاده‌روها که البته میله‌هایی برای جلوگیری از این امر در برخی از پیاده‌روها تعبیه شده است اما غالباً مزاحمت‌های بیشتری را برای عابران ایجاد می‌کند.  
 ۷- شکستگی سنگ فرش بعضی از پیاده‌روها و وجود پستی بلندی در آنها  
 ۸- توقف غیرمجاز اتومبیل در پیاده‌روها یا بر روی پل‌ها  
 به نظر نگارنده به عنوان یک معلول، بازسازی خیابان‌ها و معابر، مناسب‌سازی ساختمان‌ها و برخورد عملی با رانندگانی که در پیاده‌روها توقف می‌کنند می‌تواند در حل این مشکل موثر باشد.  
 البته مسلم است که از میان برداشتن این مشکلات نیازمند برنامه‌ریزی‌های مناسب و بهره‌گیری از نقطه نظرات کارشناسان ذی‌ربط است.  
 باشد که با مناسب‌سازی معابر برای تردد کلیه افراد جامعه، اعم از سالم و معلول و پیر و جوان، کمتر شاهد وقوع اتفاقاتی دلخراش باشیم.

چندی پیش در روزنامه... خبری درج شده بود مبنی بر این که دختر جوانی به علت سقوط در نهر آب در منطقه غرب تهران مفقود گردیده است. بعداً مشخص شد که این دختر جوان در یک شب بارانی در نهر سقوط کرده و لاشه متلاشی شده وی پس از گذشت بیش از یک ماه کیلومترها دورتر از محل سقوط کشف شد.  
 اما در این خبر دلایل واقعی سقوط دختر جوان ذکر نشده بود. واقعیت این است که این جوان از ناحیه پا دارای معلولیت بوده و تاریکی هوا، بارش باران، لغزندگی خیابان و نبود حفاظ بر روی رودخانه و عدم تعادل کافی باعث سقوط او به داخل نهر و در نهایت مرگ وی شده است. این حادثه یا حوادثی نظیر آن می‌تواند برای هر فرد اعم از کودک، سالمند یا معلول اتفاق بیفتد.  
 حال صرف نظر از این که چه کسانی در بروز این حوادث مقصرند و با توجه به این که معلولین و سالمندان به عنوان عضوی از جامعه حق حضور در اجتماع و استفاده از امکانات حمل و نقل شهری را دارا می‌باشند، فقدان امکانات مناسب شهری، عدم مناسب سازی خیابان‌ها و معابر و هزاران عامل بازدارنده دیگر حضور این اقشار را در جامعه محدود می‌کند. این عوامل محدودکننده عبارتند از:  
 ۱- وجود پلکان غیرمسطح و نامناسب، نبود نرده در برخی از اماکن



## مهربان و دوست داشتنی از جنس خود بچه‌ها

مرجان بیک حقیقی

محدثه عاشیرلی متولد ۱۳۶۰ در شهر تهران است او که دوران تحصیل خود را با مدرک دیپلم ریاضی به پایان رسانده است، هم اکنون مشغول یادگیری علوم انفورماتیک در مجتمع رعد می باشد. او به زندگی عشق می ورزد و می کوشد به هدف خود برسد حتی اگر زندگی از او روی برگرداند. با او که به عنوان کارآموز نمونه شناخته شده به گفت و گو نشستیم.

برخورد خانواده‌ات بعد از این حادثه چگونه بود؟  
خوب و عالی. توی این چهار سال عشق مادرم را بیشتر درک کردم و هیچ وقت نمی توانم محبت های او را جبران کنم. بعد از مادرم برادرم بود که به من روحیه داد و با من تا انجمن خوشنویسان پیاده آمد و بزرگترین آرزوی من خوشبختی خانواده ام است.

آیا فکر می کنی معلولیت محدودیت است؟

نه فکر نمی کنم. یک چیز تغییر کرده به قولی من معلولیتم را جایگزین سلامتی ام کردم. به نظر شما جامعه (مردم) هم این طور فکر می کنند؟

متأسفانه نه. حضور ما در

جامعه هنوز برای خیلی از افراد

به طور کامل جا نیفتاده و ما در جامعه با برخوردهای متفاوت

روبه رو هستیم. یک تعداد محدود ما را باور دارند و برای فکر و

احساس و پرورش ما زمان می گذارند ولی تعداد زیادی از مردم

دلسوزی و تاسف بی مورد را جایگزین پذیرش کرده اند.

می توانی برایم یک مثال بزنی؟

حتما. وقتی مطب دکتر می روم از روی دلسوزی نوبت

به چه دلیل به عنوان کارآموز نمونه شناخته شدید؟  
خودم به طور کامل علت این انتخاب را نمی دانم ولی حدس می زنم رضایت مربیان در این امر بدون تاثیر نبوده.

از چه زمانی معلولیت را حس کردی؟

حدود چهار سال پیش بود که بر اثر یک ضایع نخاعی دیگر نتوانستم راه بروم.

آیا فکر می کردی یک روز معلول بشوی؟

نه. هیچ کس تا زمانی که نعمتی را دارد قدر آن را نمی داند.

عکس العمل شما بعد از این که متوجه این ضایعه شدید چطور بود؟

اول باورم نمی شد تا یک سال هم امیدوار بودم که خوب می شوم و حتی یک لحظه هم امیدم قطع نمی شد.

یعنی بعد از یک سال، به راحتی این شرایط را قبول کردی؟

نه با فراز و نشیب بسیار. خیلی سعی کردم و کمک های برادرم در این خصوص خیلی به من در پذیرش شرایط جدیدم کمک کرد.



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵



عبور کرد و سلام او به من باعث شد به قولی (بخ من) باز شود و سرم را بالا بیاورم. حالا خودم سلام می‌دهم و فکر می‌کنم تا انسان خودش به خودش کمک نکند کسی نمی‌تواند برای او کاری انجام دهد.

آیا از امکانات جامعه راضی هستی؟

نه چون کمترین امکانات را برای ما در نظر نمی‌گیرند و

اماکن عمومی برای یک معلول

مناسب نیست. مثل یک پارک و

اتوبوس...

درباره رعد چه فکر

می‌کنی؟

مسوولان و مربیان دلسوز

و مهربانی دارد که یک محیط

صمیمی به وجود آورده‌اند.

در پایان؟

همیشه این حرف مادام کوری در ذهنم است که راه پیشرفت

نه پر شتاب و نه آسان است، و انسان همیشه باید صبور باشد و

تاریک‌ترین لحظه شب زمانی است که خورشید طلوع می‌کند.

خودشان را به من می‌دهند یا بعضی از افراد وقتی من را می‌بینند تازه یاد خدا می‌افتند می‌گویند خدا شفا بده خوب می‌شی.

از این برخوردها خیلی ناراحت می‌شوی؟

اوایل خیلی ولی الان فکر می‌کنم از روی محبتشان این طور

رفتار می‌کنند.

وقتی ناراحت هستید چه

کار می‌کنید؟

موسیقی گوش می‌کنم.

کتاب می‌خوانم.

چه نوع کتاب‌هایی

مطالعه می‌کنید؟

ریاضی و تاریخ. منطق و

دل.

اوقات فراغت چه کارهایی انجام می‌دهید؟

من مشغول فراگیری خوشنویسی هستم و در حال حاضر

عضو انجمن خوشنویسان و دوست دارم در این هنر به حدی

برسم که بتوانم روی دف شعری از حافظ را بنویسم.

چرا دف؟

چون آلات موسیقی مورد علاقه من است و یک حال و هوای

خاص دارد و به نظرم با ایجاد یک شور عرفانی انسان را جذب

می‌کند.

آیا فعالیت ورزشی هم انجام می‌دهید؟

نه ولی تیر و کمان را خیلی دوست دارم.

اگر یک زمان فقط برای یک روز سالم شوید چه کار

می‌کنید؟

با پای پیاده به زیارت امام رضا (ع) می‌روم.

در حال حاضر رابطه شما با دوستانتان چگونه است؟

اینجا دوستان زیادی پیدا کرده‌ام و با بعضی از آنها رابطه‌ام

را ادامه داده‌ام. ولی با دوستان قدیمی بعد از این حادثه برای

مدتی رابطه‌ام دچار اختلال شد ولی بعد به این نتیجه رسیدم که

من از نظر فکری که دچار مشکل نشدم پس می‌توانم این

ارتباطات را ادامه دهم مثل گذشته ولی با تجربه و تاثیر بیشتر.

با توجه به این که قبلا سالم بودی، اولین روزی که بعد

از این اتفاق وارد اجتماع شدی چه حسی داشتی؟ در حال

حاضر چه حسی داری؟

اولین تجربه و برخورد من با خانم پیری بود که از کنارم

فکر می‌کنم تا انسان  
خودش به خودش کمک نکند  
کسی نمی‌تواند برای او کاری  
انجام دهد



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۴۳



مرکز تخصصی چاپ لارج فرمت

✓ چاپ فلکس، بنر، وینیل و مش

تا عرض ۵۲۰ سانتی‌متر

✓ چاپ روی اجسام صلب، چاپ دیجیتال

✓ غرفه سازی و خدمات نمایشگاهی

✓ نماینده انحصاری Access انگلستان

تهران، یوسف آباد، تقاطع خیابان ابن سینا و خیابان ۲۵،

پلاک ۸۱، طبقه اول

تلفن: ۸۸۷۲۱۳۹۵-۸۸۷۲۸۲۱۳

### خانم حقیقی، منظور از توان بخشی چیست؟

توان بخشی فرآیندی است که هدف آن ایجاد امکانات لازم برای توان یابان است تا از نظر فیزیکی و جسمی و روانی و ذهنی به بالاترین سطح ممکن دست یابند و به عبارت دیگر فرآیندی است که هدف آن دستیابی توان یابان به سطح بالاتری از استقلال و خودکفای است. توان بخشی به معنای ارائه خدمات درمانی نیست و مجموعه فعالیت‌هایی از خدمات توان بخشی اولیه و عمومی گرفته تا فعالیت‌هایی از قبیل توان بخشی حرفه‌ای را در بر می‌گیرد. توان بخشی شاخه‌های وسیعی دارد که هر شاخه نیز شامل گروه‌ها و تیم‌های مختلفی است. این تیم‌ها می‌وانند در برگزیده رشته‌های فیزیوتراپی، کار درمانی، گفتار درمانی، شنوایی‌سنجی، اندام مصنوعی، و غیره باشند. هر کدام از این رشته‌ها نیز خود به بخش‌های متعدد دیگری تقسیم می‌شوند.

**پزشک تیم توان بخشی یا مددکاری، نقش پزشک خانواده را دارد؟**

خیر. این پزشک، پزشک متخصص مربوط به بیماری هر شخص توانیاب است و براساس بیماری افراد متغیر است. برای مثال فردی که دچار بیماری ام‌اس است علاوه بر پزشک متخصص مغز و اعصاب، به پزشکان دیگری که مربوط به بیماری‌های همراه با ام‌اس هستند مثل بیماری‌های دستگاه گوارشی، دستگاه ادراری و... هم نیاز دارد.

**به طور کلی فعالیت‌های توانبخشی می‌بایست به صورت تیمی انجام شود؟**

بله. اصولاً بهتر است این فعالیت‌ها به صورت تیمی صورت بگیرد چون فرد متقاضی معمولاً مجموعه‌ای مشکلات را با خود به همراه دارد. مثلاً از جمله رشته‌های توانبخشی، فیزیوتراپی است که معمولاً درمانگری به صورت کاملاً تیمی فعالیت کرده و همدیگر را هم‌پوشانی می‌کنند. البته متأسفانه نه تنها در این زمینه بلکه در بسیاری از موارد در ایران، کار تیمی به ندرت دیده می‌شود و تنها در دانشگاه‌ها آموزش این نوع کار به دانشجویان ارائه می‌شود، اما در محل کمتر این روش پیاده می‌شود.

**آیا در مجتمع رعد توان بخشی به صورت تیمی انجام می‌شود؟**

بله. خوشبختانه در رعد تمام کارها به صورت تیمی است.



در گفت و گو با کتابیون حقیقی

## فعالیت‌های توانبخشی در مجتمع رعد

کتابیون حقیقی، کارشناس فیزیوتراپی با سابقه ۲۰ سال کار تخصصی می‌باشد. با او که در ۹ سال اخیر رییس بخش توان بخشی مجتمع به صورت تمام وقت است گفت و گویی در خصوص فعالیت‌های این بخش در مجتمع انجام دادیم.



سعی ما این است که همه مراجعان را پوشش دهیم. روزانه حدود ۲۵ نفر فیزیوتراپی و همین حدود کار درمانی می‌شوند. در مورد گفتار درمانی، چون این فعالیت باید به صورت انفرادی صورت گیرد و برای هر نفر یک ساعت وقت لازم است، در روز حدود ۸ نفر از این خدمات بهره می‌گیرند.

### آیا راندمان و بازده این فعالیت‌ها جوابگوی نیازهای بیماران می‌باشد؟

نتیجه‌ای که از این فعالیت‌ها گرفته می‌شود تا حد زیادی بستگی به شرایط خود فرد دارد.

توانبخشی درمان قطعی نیست و نقش درمان نگه دارنده را دارد و برای نتیجه گرفتن، خود فرد می‌بایست همکاری فعال داشته باشد. این همکاری به سن افراد توانیاب نیز بستگی زیادی دارد. هرچه سن فرد پایین‌تر باشد، نسبت همکاری او کمتر است و در این صورت خانواده باید همکاری بیشتری انجام دهد. اما افرادی که به سن تشخیص و تعقل رسیده‌اند چون نتیجه کار را می‌بینند معمولاً خودشان همکاری خوبی با تیم دارند.

### تیم روانشناسی به صورت فردی با اشخاص مشاوره می‌کند یا به شکل گروهی؟

مددکاری و مشاوره‌های روانشناسی به هر دو نوع صورت می‌گیرد. در صورت نیاز فرد، گاهی فردی و گاهی جمعی است. کلاس‌های عمومی هم بیشتر به صورت کارگاه‌ها و یا کلاس‌های مهارت‌های زندگی برگزار می‌شود که در کلاس مهارت‌های زندگی همه بچه‌ها با علاقه شرکت می‌کنند.

### و سخن آخر:

حرف من همیشه با بچه‌ها این است که باید یاد بگیرند که در اجتماع مثل سایر افراد با آنها برخورد می‌شود. نباید انتظار داشته باشند که کار فرمایان به دلیل محدودیت فیزیکی آنها برایشان امتیاز قائل شوند. بچه‌های اینجا باید یاد بگیرند که وقت شناسی، زمان و کاربری یعنی چه و باید خود را با یک فرد عادی از نظر کارایی در محیط کار مقایسه کنند. به هر حال در جامعه ما یک فرد معلول همیشه با یک فرد عادی مقایسه می‌شود پس باید توانایی‌اش را بالا ببرد که البته لازمه‌اش تلاش بیشتر آنهاست. ما در میان بچه‌ها افراد بسیار موفقی از نظر تحصیلی و شغلی داریم که با زحمت بسیار بیشتر از افراد عادی توانسته‌اند به این موقعیت برسند. اگر این پیش‌فرض را قبول کنند، کمتر دچار سرخوردگی شده و با تکیه بر توانایی‌های موجود خود پیشرفت می‌کنند.

برای مثال در صورت نیاز بیمار به مشاور، او را به مشاور ارجاع می‌دهیم، در صورت عدم توان مالی بیمار جهت تهیه وسیله کمکی مورد نیاز، او را به مددکار معرفی می‌کنیم و... در این شرایط است که مددجو احساس امنیت می‌کند و فعالیت‌های توانبخشی بهتر در مورد او جواب می‌دهد. کار تیمی مزایای بی‌شماری دارد. درکار تیمی انرژی و هزینه کمتری هدر می‌رود و کار تکراری کمتر انجام می‌شود در نتیجه راندمان و سرعت انجام کار بسیار بالا رفته و نتیجه بهتر خواهد بود.

### آیا چنین تجربه‌ای در سایر مراکز درمانی وجود دارد؟

متأسفانه این روش در کمتر مرکز حمایتی و درمانی عملاً اجرا می‌شود. اما در مجتمع رعد کارآموزان دانشگاه‌ها با این نوع فعالیت‌های تیمی آشنا می‌شوند و این تجربه عملی تاثیر بسیار مثبتی بر آنها می‌گذارد. کارآموزان رشته‌های مددکاری با آشنایی با این تیم‌ها درمی‌یابند که کار تیمی و گروهی در کتاب‌ها و کلاس‌های دانشگاه‌ها وجود ندارد، در عمل هم قابل اجراست.

### تیم توانبخشی موسسه رعد با خانواده‌های مددجویان نیز در ارتباط تنگاتنگ است؟

بله. از نظر درمانی و در صورت نیاز مددجو برای انجام بعضی تمرین‌ها، ارتباط با خانواده‌ها الزامی است. گاهی هم لازم است برای سهولت فعالیت‌های روزمره مددجو، در منزل او تغییراتی ایجاد شود که با خانواده‌ها در این خصوص صحبت و هم فکری می‌شود. درخصوص مسایل روانشناسی مددجویان نیز ارتباط مستمری بین موسسه و خانواده‌ها وجود دارد.

### زمانی که افراد مددجو در ارتباط با مجتمع تصمیم به ازدواج می‌گیرند مجتمع اقدامات کمکی خاصی در رابطه با آنها انجام می‌دهد؟ مثلاً کمک به نگهداری از فرزندان و یا کارهای مشابه؟

در این مورد، کمک مجتمع به صورت برگزاری کلاس‌های آموزشی است. در این کلاس‌ها به آنها کمک می‌شود که برای پذیرش مسوولیت خانواده و کار در جامعه آماده شوند و به استقلال لازم برسند. به صورت موردی هم اگر کسی کمک بخواهد به او کمک می‌شود این نیست که بچه‌ها را رها کنیم. کسی که کارآموز رعد است تا آخر عمرش جزئی از این مجموعه محسوب می‌شود و اینجا همیشه خانه دوم است اما در اساسنامه رعد چنین وظایفی به صورت سازمانی تعریف نشده است.

### مجتمع چه تعدادی از افراد را تحت پوشش خدمات توان بخشی قرار می‌دهد؟



# المپیاد معلولین

در گفت و گو با مهندس رسول فیض مهدوی، مدیر عامل مجتمع رعد



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۴۶

المپیاد معلولین Abilympics برای اولین بار و به صورت ملی در سال ۱۹۷۲ در کشور ژاپن برگزار شد. ۹ سال بعد از این تاریخ در سال ۱۹۸۱، که سازمان ملل متحد به عنوان سال جهانی معلولین نامگذاری کرد، برگزاری این مسابقات به شکل بین‌المللی درآمد. معلولان ایران برای اولین بار در دوره قبل یعنی در سال ۲۰۰۳ در این المپیاد شرکت کردند. مجتمع رعد نقش اساسی در حضور داوطلبان در المپیاد معلولین را ایفا می‌کند در این خصوص گفت و گویی داشتیم با مهندس فیض مهدوی مدیر عامل مجتمع که تقدیم خوانندگان می‌گردد:

کشور استرالیا برگزار شد. پنجمین دوره در سال ۲۰۰۰ در جمهوری چک و ششمین دوره در سال ۲۰۰۲ در شهر دهلی نو در کشور هندوستان انجام شد. خوشبختانه در ششمین دوره این مسابقات، مجتمع رعد نیز شرکت فعال داشت و ۱۲ نفر را که از طریق درج آگهی در روزنامه‌ها برای شرکت در المپیاد طی مراحل مختلفی انتخاب کرده بود، به این مسابقات اعزام نمود.

چه نهادی متولی شرکت معلولان ایران در این مسابقات بوده است؟  
مجتمع رعد یکی از متولیان اصلی این فعالیت است.  
آیا شرکت معلولین در این مسابقات نیاز به یک نماینده انحصاری از طرف دولت ندارد؟

آقای مهندس لطفا در ابتدا مختصری از تاریخچه المپیاد معلولین (Abilympics) را بفرمایید.

این المپیاد در سال ۱۹۷۲ برای اولین بار و به صورت ملی در کشور ژاپن برگزار شد اما از سال ۱۹۸۱، که سازمان ملل این سال را به عنوان سال جهانی معلولین انتخاب کرد، این مسابقات در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود، که تاکنون شش دوره از این مسابقات برگزار شده است.

اولین دوره از این مسابقات بین‌المللی در سال ۱۹۸۱ در کشور ژاپن برگزار شد. دومین دوره در سال ۱۹۸۵ در کشور کلمبیا در آمریکای جنوبی بود و سومین دوره با فاصله ۶ سال از دوره دوم یعنی در سال ۱۹۹۱ در کشور هنگ‌کنگ برگزار گردید. چهارمین دوره با چهار سال فاصله در سال ۱۹۹۵ در

خیر. هیچ‌گونه محدودیتی برای این فعالیت و اعزام داوطلبان به المپیاد بین‌المللی معلولان وجود ندارد، اما به دلیل مخارج بالای اعزام کارآموزان که از توان یک موسسه مردم نهاد خارج است، در صورت حمایت سازمان‌های ذی‌ربط قادر به شرکت در این مراسم خواهیم بود.

**دوره بعدی این مسابقات در کجا و در چه تاریخی انجام می‌گیرد؟**

هفتمین دوره این مسابقات ۱۳ نوامبر سال ۲۰۰۷ میلادی (آبان ۸۶) در شهر شیزوکا ژاپن برگزار خواهد شد.

**چه رشته‌هایی در این رقابت‌ها به مسابقه گذاشته می‌شود؟**

رشته‌هایی که در این مسابقات شرکت می‌کنند، به دو گروه تقسیم می‌شوند، که هر کدام به دو صورت مقدماتی و پیشرفته برگزار می‌شود.

دسته اول گروه ۷ است (مسابقات مهارت حرفه‌ای Vocational Skills Contests) و

دسته دوم گروه L (مسابقات مهارت زندگی و فراغت Leisure and living skill) می‌باشند.

دسته اول شامل ۲۶ شاخه است که عبارتند از چوبکاری، خیاطی، دوخت لباس زنانه، عکاسی، طراحی پوستر، خیاطی مردانه، ورق کاری، مونتاژ،

جواهرسازی، مونتاژ صنعتی، ویرایش متن، گل آرایی، ساخت میز و صندلی، ساخت دندان مصنوعی، پروسه کردن اطلاعات ساخت دست و پای مصنوعی.

**همه این رشته که به مسابقه گذاشته می‌شود در مجتمع رعد آموزش داده می‌شود؟**

خیر. بعضی از آنها را در کلاس‌های آموزشی خود به توان یابان می‌آموزیم. البته ما الزامی نداریم که شرکت‌کنندگان در این مسابقات حتما از رعد باشند.

دفعه قبل هم تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان از مناطق دیگر بودند. مثلا چند نفر از اطراف کرمانشاه و کردستان و یا شمال

**مجتمع رعد برای افرادی که برای حضور در این مسابقات اعلام آمادگی می‌کنند چه می‌کند؟**

برای آنها اردو می‌گذاریم و آموزش می‌دهیم همان طور که دفعه قبل هم این کار انجام شد بچه‌ها در همین جا ساکن بودند و شب می‌خوابیدند و صبح‌ها در کلاس‌های آمادگی شرکت می‌کردند.

**داوطلبان شرکت در این مسابقات را چگونه انتخاب می‌کنید؟**

در نشریات و جراید فراخوان عمومی می‌دهیم و از میان داوطلبان، افراد واجد شرایط را انتخاب می‌کنیم و برایشان

کنکور برگزار می‌کنیم چون بعضی از رشته‌ها متقاضیان زیادی دارند. بعد چند نفر از هر رشته را انتخاب کرده و دوره‌های فشرده می‌گذاریم و آنها را برای رفتن به المپیاد آماده می‌کنیم.

**مدال آوردن در این مسابقات چه مزایایی برای مددجویان دارد؟**

در آن دوره فقط یک مدال به برندگان تعلق گرفت اما باید برای تشویق مددجویان به شرکت در این مسابقات فکری کرد و با همفکری سازمان فنی و حرفه‌ای به نتیجه‌ای رسید.

در این دوره از مسابقات هم

زمان و هم مکان این برنامه با سی و نهمین دوره مسابقات جهانی فنی-حرفه‌ای کارگران برگزار می‌شود.

**همزمانی مسابقات بین‌المللی فنی و حرفه‌ای با المپیاد معلولین چه مزیتی دارد؟**

مزیتش این است که برای ما فراهم کردن مقدمات این سفر راحت‌تر می‌شود چون سازمان فنی و حرفه‌ای که طرف ما در این قضیه است، خودش هم مشغول ایجاد آمادگی فرستادن داوطلبان خود به این مسابقات است و از طرف دیگر فعالیت ما در این زمینه مشروعیت و رسمیت بیشتری خواهد گرفت. شاید در هزینه‌ها هم صرفه‌جویی شود.



# گفت وگو با خانواده یک توان یاب موفق با محدودیت هایمان واقع بینانه کنار آمدیم

هانیه مهاجری

روح انگیز محمد طاهری و حسین خباز بهشتی، مادر و پدر بهمن خباز بهشتی هستند. بهمن در حال حاضر فروشگاه را در شهرک اکباتان اداره می کند. در گفت و گویی جمعی با خانواده این توان یاب موفق، دلایل و شرایط رسیدن به این وضعیت مطلوب را جویا شدیم.

نوع افراد از دویعد اساسی نشأت می گیرد: در درجه اول باید معلولیت به عنوان یک واقعیت پذیرفته شود و در درجه دوم باید برای استفاده مطلوب از توانایی های بالقوه فرد معلول آگاهی کسب کرد.

تلاش در جهت دو وجه این موضوع، یعنی قبول معلولیت و کسب آگاهی باید به طور موازی هم توسط خانواده و هم از طرف دستگاه های ذی ربط دولتی بعمل آید بدین معنی که تلاش خانواده به تنهایی و یا همکاری مسوولین اجتماعی بدون همیاری خانواده نمی تواند نتیجه بخش باشد. دلیل این امر هم واضح است، خانواده در ابتدا در سردرگمی مطلق و گاهی با تشنجات داخلی دست به گریبان است و بعد از مدتی هم اگر بتواند عارضه را پذیرفته و آرام تر گردد، تازه عنصر عدم آگاهی و در بیشتر مواقع نارسایی های مالی و تجهیزاتی در پیش او قد علم می کند که در هر دو مرحله کمک سازمان های دولتی و یا NGO می تواند بسیار موثر باشد. این تاثیر تنها برای فرد معلول نبوده و می تواند از مواردی نظیر از هم پاشیدگی خانواده ها، رها کردن فرد معلول، تاثیر تخریبی برای خانواده معلول و در دراز مدت ناملازمات اجتماعی جلوگیری کند.

## برخورد بهمن با این موضوع و شرایطش چگونه است؟

فرزند زمانی می تواند خود با این مساله کنار بیاید که قبل از این که وارد اجتماع شود از طرف خانواده پذیرفته شده باشد. این پذیرش می تواند کمکی برای بهبود وضعیت او باشد. بنابراین خانواده و والدین باید با رفتار عاقلانه و منطقی و رفتار سنجیده خود پذیرای فرزند معلول خود باشند و باید برای بهبود شرایط او به او کمک کنند و این تنها با سه عنصر صبر، توان مالی و آگاهی والدین امکان پذیر خواهد بود که متاسفانه در این زمینه، دچار

لطفاً در ابتدا خود را معرفی کرده و از بیماری بهمن بگویید.

من روح انگیز طاهری، مربی بهداشت آموزش و پرورش و همسر آقای حسین خباز بهشتی است و دارای دو فرزند هستیم. فرزند اول سال ۵۹ به دنیا آمد که تقریباً با فاصله سه سال فرزند دوم ما بهمن هم به دنیا آمد. فرزند اول عارضه این چنینی نداشت. چگونه متوجه شدید که بهمن دچار عارضه فلج مغزی شده است؟

زمانی که بهمن به دنیا آمد علایم مشخص و حیاتی را که یک نوزاد سالم دارد را نداشت، مثل گریه کردن، ترتیب در تنفس و... سپس متوجه شدیم که دچار تشنج نیز می شود.

زمانی که متوجه بیماری بهمن شدید چه عکس العملی از خود نشان دادید؟ و چگونه با این مساله سعی کردید کنار بیایید؟

در ابتدا ما نسبت به این مساله ناآگاه بودیم و نمی دانستیم چه عوارضی در آینده برای بهمن بوجود خواهد آمد. شاید بتوان گفت این تلخ ترین دوران برای خانواده کودک معلول می باشد، اما زمانی که متوجه شدیم بهمن تنها دچار عارضه جسمی است و مشکل ذهنی ندارد، به نوعی حس امیدواری در ما ایجاد شد. به همین دلیل تمام سعی خود را برای درمان و بهبود شرایط او به کار بردیم و به مراکز گفتار درمانی و فیزیوتراپی مراجعه کردیم. تقریباً اقدامات اولیه و لازم را انجام دادیم. از سه سالگی با کشور انگلیس مکاتبه داشتیم که آنها کشور مجارستان را معرفی کردند. در سن هفت سالگی به مرکزی در مجارستان برای درمان مراجعه کردیم، اما متاسفانه نتیجه خشنودکننده ای را در پی نداشت.

اما در مورد نحوه برخورد، باید عرض کنم که برخورد با این



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

بنابراین پذیرش این مسایل باید از قبل وجود داشته باشد. فرزند معلول یک سری صدمات و فشارهای مالی و روانی را برای خانواده به همراه دارد که قبول اینها از طرف والدین، همراه با گذشتی که والدین نسبت به فرزندشان دارند، می تواند کمک موثری برای انتخاب شدن به عنوان یک خانواده موفق باشد. آگاهی به تمام جوانب قضیه و همچنین کمک مسوولان و دولت نه تنها در جهت مالی، بلکه از جهت فرهنگی (مثل خیرین که مجتمع رعد را برپا کردند) می تواند خود نوعی کمک به فراهم آوردن شرایط لازم برای بهبود زندگی این گونه افراد نه تنها در خانواده بلکه در جامعه باشد.

بنابراین با وجود این عناصر، خانواده و حتی جامعه می تواند پذیرای فرد معلول باشد. نداشتن آگاهی لازم و همچنین عدم توان مالی مناسب، باعث می شود که فرزند نتواند از سایر ظرفیت های وجودش بهره مند گردد. معلولین دارای حساسیت های ویژه ای هستند. بروز این حساسیت ها به دلیل واکنش های غیرطبیعی و غیرمعمول اطرافیان است که در این صورت عکس العمل های آنها تندتر و شدیدتر می شود. بنابراین برخورد آرام، سعه صدر و حوصله باعث می شود که برخورد عکس العمل فرد معلول تا حدی ملایم شود.

خانواده ها نباید منتظر این موضوع باشند که معجزه ای رخ خواهد داد. خانواده ها تنها برای بهتر کردن شرایط این افراد باید به همت و گذشت خود متکی باشند و از آگاهی خود استفاده کنند و دیگر حرف این است که خود بچه های معلول باید بپذیرند که باید بتوانند خوب زندگی کنند. سخنی که با مسوولان داریم این است که حتی اگر از نظر مالی نمی توانند خانواده های این افراد را تامین کنند با برگزاری کلاس های آموزشی برای این افراد و خانواده هایشان آنها را آگاه سازند.

### و اما از زبان خود بهمن

من بهمن خباز بهشتی، عضو انجمن رعد هستم. فعالیت آموزشی خود را در این موسسه با کامپیوتر آغاز کردم و در سال ۱۳۸۵ آموزش زبان را هم شروع کردم، اما به دلیل بعضی مشکلات نتوانستم به ادامه این فعالیت ها بپردازم. ولی هم اکنون در کارگاه مهارت های زندگی شرکت می کنم و در مغازه لوازم... فروشی هم کار می کنم. البته در محیط کارم به نوبه خود مشکلاتی وجود دارد که با کمک اطرافیان تا حدی رو به کاهش است. از سرکار خانم ها بهمن پور، آرامی، فقیهی و صانعی تشکر و قدردانی می کنم.

نقصان شدیدی هم در خانواده ها و هم در جامعه هستیم. خیلی از والدین به دلیل فقدان و کمبود آگاهی در بیشتر مواقع نمی توانند پذیرای چنین فرزندان باشند. در این صورت خانواده ها اصولاً چنین فرزندان را به عنوان فردی حاشیه ای در خانواده می انگارند. ضمن این که باید گفت کمک های مالی به خانواده هایی که چنین فرزندان دارند برای آماده کردن زمینه برای پذیرش آنها در جامعه بسیار ضروری است.

### وضعیت تحصیلی بهمن چگونه بوده و در این زمینه او با چه مشکلاتی روبه رو بود؟

سعی شد از همان ابتدا بهمن را از هیچ جمع و مرکز آموزشی دور نکنیم، حتی او را به مهد کودک هم فرستادیم. ولی به دلیل عدم پذیرش این کودکان توسط مراکز آموزشی او را به تنها مدرسه توان خواهان فرستادیم که در آنجا با همکاری سازمان بهزیستی به کودکان آموزش و توان بخشی را توأم انجام می دادند. در مورد سولاتان از مشکلات تحصیلی بهمن باید بگویم که یکی از نقاط ضعف آموزش کودکان معلول، جدا کردن آنها از سایر کودکان است. اگر بپذیریم که پذیرش معلولیت نه فقط توسط خانواده بلکه باید توسط همه افراد اجتماع صورت گیرد و اگر شایسته بدانیم که آگاهی ما در زمینه نحوه برخورد با افراد معلول تنها به خانواده او ختم نمی شود و اگر آگاه باشیم که در آینده فرد معلول باید در جامعه زندگی کند آن گاه او را از همان ابتدا از سایرین جدا نمی کنیم. در سال ۷۳ ما با مجتمع رعد آشنا شدیم که او را به کلاس های ماشین نویسی و کامپیوتر فرستادیم. اما بهمن به دلیل مشکلاتی مثل تشنج که هنوز هم به طور کامل مداوا نشده است، نتوانست این کلاس ها را به طور جدی دنبال کند و نیز چون او تصور می کرد که باید از مهارتش به سرعت نتیجه بگیرد تا بتواند از این سعی و تلاش درآمد کسب کند، آموزش خود را ادامه نداد. به همین دلیل ما تلاش کردیم تا مغازه ای برای او خریداری کنیم تا بتواند در کنار این مغازه به کار و کسب درآمد بپردازد.

آقای حسین خباز بهشتی پدر بهمن بهشتی نیز می گوید: دو عنصر آگاهی و گذشت در مورد پذیرش و کمک به فرد معلول برای کمک به بهتر زیستن آنها بسیار مهم است و نقش اساسی دارد. گذشت بخش هایی دارد، یک بخش آن پذیرفتن این مساله است که خانواده دارای فرزند معلول است و مورد دیگر این است که بپذیریم این فرد معلول مسلماً نمی تواند یک زندگی عادی داشته باشد و سوم این که بدانیم این فرد، مسایل و مشکلاتی را برای خانواده به همراه خواهد داشت.





## آموزشگاه رعد شرق تهران شروع به کار نمود

احسان تقدسی

حیاطی بزرگ ولی دلگیر، چیزی است که در بدو ورود به مجتمع رعد شرق تهران توجه را به خود جلب می‌کند. حیاطی قدیمی با درختانی کهن سال و باغچه‌ای که شاید سال‌هاست رنگ باغبان به خود ندیده است. با کمی پیچ و خم به یک راهروی دراز می‌رسیم. در یک سمت راهرو چند اتاق قدیمی که با بازسازی مختصری قابل استفاده شده وجود دارد و در انتهای راهرو هم اتاق کاری با یک میز و چند صندلی. این دفتر، محل خدمت به توانیابانی است که با امید و آرزوی بسیار آمده‌اند تا حرفه‌ای برای ورود به بازار کار بیاموزند. ما هم فرصت را غنیمت شمرده و مصاحبه کوتاهی با سرکار خانم گرامی انجام دادیم. خانم گرامی که کارمند قدیمی بهزیستی است، پیش از آشنایی و همکاری با موسسه رعد، در کتابخانه و سایت کامپیوتری مرکز بهزیستی شهدای انقلاب مشغول به فعالیت بوده است. به گفته او مددجویان زیادی به این مرکز که توسط فرد خیری وقف شده و در اختیار بهزیستی قرار گرفته بود، مراجعه کرده و انتظار برخورداری از خدمات رایگان را داشتند در صورتی که این مرکز بودجه این کار را نداشت. خانم گرامی ادامه می‌دهد: تا این که مدیر مرکز بهزیستی شهدای انقلاب با موسسه نیکوکاری رعد و فعالیت‌های آن آشنا شده و به دنبال این آشنایی من به موسسه رعد معرفی شدم و پس از گذراندن مقدماتی، همکاری را با این موسسه آغاز نمودم. این موسسه از تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۸۵ به عنوان شعبه شرق موسسه رعد فعالیت‌های خود را در خدمت معلولان عزیز شروع کرده است.



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۵۰

اکثر کسانی که اینجا حضور دارند و تحت آموزش‌های رعد هستند کسانی هستند که اکثراً دیپلمه هستند و پس از آن خواسته‌اند یا نتوانسته‌اند سطح تحصیلی خود را افزایش دهند و یا در جامعه شغل مناسبی را بیابند. به همین جهت برای برخورداری از آموزش‌های مهارتی که منجر به اشتغال خواهد شد به این مرکز مراجعه کرده‌اند. کار با طیف خاصی از توانیاب‌ها علاوه بر آن که

تاسیس چنین مکانی در شرق تهران، چه ضرورتی داشت؟ نیازهای این منطقه از تهران مورد غفلت واقع شده بود، در صورتیکه جای چنین خدماتی به شدت خالی بود و خود بهزیستی هم علاقه‌مند به پوشش توانیابان در این منطقه بود. چه طیفی از معلولین در شعبه رعد شرق تهران تحت آموزش قرار می‌گیرند؟



هستیم. شیب‌ها اصلا مناسب نیست و ویلچری‌ها به سختی می‌توانند خود را بالا بکشند.

نداشتن ناهار خوری از دیگر مشکلات ما است.

**به طور خاص چه انتظار و مشکلاتی دارید؟**

بیماربر می‌خواهیم، نیروی خدماتی کم داریم و یک نفر نیز باید به عنوان همکار بنده معرفی شود تا همه سنگینی کار بر دوش من نباشد و بتوانم بیشتر به توانیاب‌ها خدمت کنم.

**آیا تاکنون با خیرین**

**منطقه ارتباط برقرار**

**کرده‌اید؟**

هنوز این مرکز افتتاح

رسمی و معرفی نشده است.

**چرا؟**

تا وقتی که آموزشگاه

رعد شرق توسط کسانی که

در راس موسسه رعد

هستند، معرفی نشود، کسی

اینجا را به رسمیت

افتخار محسوب می‌شود ولی صبر و حوصله خاصی هم

نیاز دارد که شاید از عهده هر کسی برنیاید. شما با چه

**انگیزه‌ای مسوولیت رعد شعبه شرق تهران را پذیرفتید؟**

من خودم کاملا درد آشنا و از خانواده جانبازان هستم.

این کار از سوی مسوولان رعد به بنده پیشنهاد شد و بنده نیز

با افتخار آن را پذیرفتم.

**با چه مشکلاتی در این مکان مواجهید؟**

مشکلات که خیلی

زیاد است و بخشی از

مشکلات به بخش فرهنگی

بازمی‌گردد. برخی

توانیاب‌ها گمان می‌کنند

که این شعبه می‌تواند کلیه

نیازهای آنها را برآورده

کند و این در حالی است که

وظیفه ما فقط آموزش

است. مشکلات بهداشتی

نیز بخش دیگری از

مشکلات ما را تشکیل می‌دهد. ابتدایی‌ترین مشکل‌ها، مشکل نمی‌شناسد.

دستشویی و توالت است. توالت فرنگی و ایرانی کم داریم و

نیز توالت فرنگی‌هایی که بچه‌های ویلچری با آن در تماس

دارید؟

هستند، فاقد استانداردهای لازم

است.

مشکلات مادی نیز که دیگر

لازم به گفتن نیست و کاملا

مشهود است. به عنوان مثال از

آنجایی که ما در همسایگی

بهبیستی هستیم اکثر مردم فکر

می‌کنند «رعد شرق» نیز بخشی

از بهبودی است و بدین ترتیب

کسانی که برای کمک می‌آیند

مستقیما به اداره بهبودی

مراجعه می‌کنند در حالی که اینجا

از بهبودی کاملا مستقل اداره

می‌شود.

در عین حال ما با مشکلات

مناسب سازی نیز روبه‌رو



**هم اکنون چه کلاس‌های آموزشی برای توانیابان**

**دارید؟**

زبان سطح ۱ و ۲ و کلاس‌های

کامپیوتر در سطح ICDL

**سطح سنی توانیاب‌ها در این**

**مرکز چقدر است؟**

بین ۱۵ تا ۲۵ سال.

**زیر ۱۵ سال قبول نمی‌کنید؟**

خیر.

**سطح تحصیلات مربی‌ها**

**چقدر است؟**

لیسانس به بالا.

**چه کلاس‌های دیگری را برای**

**توانیاب‌ها در آینده مد نظر**

**دارید؟**

انشاءالله پس از فراهم شدن

مقدمات کلاس‌های خط و نقاشی

نیز در این مرکز دایر می‌شود.





## در مصر چه گذشت

گروه همیاری بانوان رعد فعالیت خود را از سال ۱۳۷۳ آغاز نموده است. اعضای این گروه که شامل جمعی از بانوان خیر می‌باشند به عنوان بازوی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، در قالب کمیته‌های آموزشی، مددکاری و فرهنگی با موسسه نیکوکاری رعد همکاری می‌کنند. این گروه از طریق برگزاری مراسم ویژه، جشن‌ها، تشکیل بازارهای نیکوکاری و دیگر فعالیت‌های اجتماعی پشتیبانی گسترده‌ای از اهداف مجتمع به عمل می‌آوردند.

زهره نیکپور یکی از اعضای فعال این گروه است که سابقه ده سال فعالیت و همکاری با موسسه رعد را دارد. نیکپور در اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ به دعوت سازمان بهداشت جهانی و به نمایندگی از موسسه رعد برای شرکت در کارگاه مشورتی ایجاد فرصت‌های برابر برای توانیابان به مصر سفر کرد. خلاصه‌ای از گزارش سفر او به مصر تقدیم خوانندگان می‌شود.



۲- حوزه‌هایی که این فرصت‌های برابر در آنها ایجاد می‌شود. شامل الف) آموزش ب) اشتغال ج) تامین اجتماعی و غیره.

۳- ده قانون جامع باقیمانده که شامل برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی، قانونگذاری، همکاری، نقش سازمان‌های فعال در این زمینه (در ارتباط با توانیابان)، آموزش پرسنل و غیره.

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) برای تحقیق در زمینه نحوه اجرای چهار قانون که پیش شرط لازم برای دستیابی توانیابان به فرصت‌های برابر عنوان شده بودند پرسشنامه‌ای را تهیه نمود و برای دولت‌های امضاکننده این سند بین‌المللی و همچنین سازمان‌های غیردولتی ارسال داشت.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۲ سند بین‌المللی ملل متحد در رابطه با ایجاد فرصت‌های برابر برای توانیابان را به تصویب رساند. این سند که شامل ۲۲ قانون است با تاکید بر مسوولیت دولت‌ها در قبال توانیابان، راهکارهایی را در زمینه تعیین خط‌مشی، برنامه‌ریزی و نظارت بر نحوه عملکرد دولت‌ها ارائه می‌دهد. این قوانین را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱- پیش شرط‌های لازم جهت ایجاد فرصت‌های مساوی برای توانیابان که شامل چهار قانون زیر می‌باشد:

الف) بالا بردن سطح آگاهی جامعه توانیابان از حقوقشان  
ب) ارائه خدمات بهداشتی درمانی، ج) ارائه خدمات توانبخشی  
د) ارائه خدمات حمایتی.

### قانون شماره ۲۵: ارایه خدمات بهداشتی و درمانی

◀ دولت‌ها موظفند خدمات بهداشتی و درمانی موثر به توانیابان ارایه کنند.

◀ دولت‌ها موظفند با استفاده از تیم‌های متشکل از متخصصین در رشته‌های گوناگون برای تشخیص زودهنگام و درمان معلولیت اقدام کنند تا مانع بروز معلولیت و یا کاهش اثرات منفی آن گردند. سازمان‌های غیردولتی متشکل از توانیابان باید در برنامه‌ریزی و ارزیابی فعالیت‌های دولت‌ها نقش موثر داشته باشد.

◀ دولت‌ها موظفند خدمات بهداشتی و درمانی را برای همه توانیابان صرف نظر از سن، جنس، نوع معلولیت ارایه کنند.

◀ پزشکان، پرستاران، پیراپزشکان و دیگر پرسنل موظف به ارایه خدمات درمانی، باید آموزش‌های لازم را جهت ارایه خدمات پزشکی به توانیابان دیده باشند و به نیازهای خاص آنان توجه کنند.

### قانون شماره ۳۵: ارایه خدمات توانبخشی

توانبخشی به معنی فرآیندی است که هدف آن ایجاد امکانات لازم برای توانیابان است تا در ابعاد جسمی، حسی، ذهنی، روانی و اجتماعی به بالاترین سطح ممکن دست یابند، به عبارت دیگر فرآیندی است که هدف آن دستیابی به توانیابان به سطح بالاتری از استقلال و خودکفایی است. توانبخشی به معنای ارایه خدمات درمانی نیست و مجموعه فعالیت‌هایی از خدمات توانبخشی اولیه و عمومی گرفته تا فعالیت‌هایی از قبیل توانبخشی حرفه‌ای را در بر می‌گیرد.

◀ دولت‌ها موظفند خدمات توانبخشی را به افراد دچار معلولیت ارایه کنند تا توانیابان بتوانند به بالاترین سطح استقلال و خوداتکایی دست یابند.

◀ دولت‌ها موظفند برنامه‌های توانبخشی در سطح ملی را

متاسفانه از ۲۲ کشور شرق دریای مدیترانه تنها ۱۰ دولت و ۸ درصد از سازمان‌های غیردولتی به این پرسشنامه پاسخ دادند. به عبارت دیگر کشورهای شرق مدیترانه پایین‌ترین درصد پاسخگویی به این پرسشنامه را داشتند.

### برگزاری کارگاه مشورتی در کشور مصر

سازمان بهداشت جهانی پس از این اقدام جهت بررسی موانع و مشکلات برای دستیابی به اهداف تعیین شده تصمیم به برگزاری کارگاه مشورتی با حضور کشورهای شرق مدیترانه در کشور مصر گرفت. در این کارگاه مشورتی چهار هدف زیر مورد بررسی قرار گرفت.

۱- اطلاع از نحوه عملکرد دولت‌های منطقه شرق مدیترانه در رابطه با اجرای چهار قانون پیش شرط

۲- تعیین موانع و مشکلات بر سر راه اجرای چهار قانون پیش شرط

۳- ارایه راهکارهایی برای غلبه بر این موانع و مشکلات.

۴- تشویق همکاری بین کشورهای منطقه، استفاده از تجارب موفق دیگر کشورها

به این منظور نمایندگانی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای شرکت در این کارگاه دعوت شدند. از ایران مجتمع آموزشی نیکوکار رعد به عنوان تنها نماینده سازمان‌های غیردولتی فعال در ارتباط با توانیابان از طرف سازمان بهداشت جهانی انتخاب شد که این خود افتخار بزرگی برای موسسه رعد است و موید این نکته است که این موسسه فعالیت مثبت و چشمگیری در راستای اجرای قوانین مصوبه سازمان ملل داشته است.

از آنجایی که موضوع کنفرانس پیش شرط‌های لازم جهت ایجاد فرصت‌های مساوی برای توانیابان بود چهار قانون مرتبط با موضوع را مرور می‌کنیم.



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵



رسان، آشنا به زبان اشاره و غیره نباید به محیط کار و آموزش محدود شود و امکان استفاده از این خدمات در محیط خانه و برای فعالیت‌های تفریحی نیز باید فراهم شود.

#### قانون شماره ۱۹- آموزش پرسنل:

پرسنلی که در سطوح مختلف با توانیابان سروکار دارند باید آموزش‌های لازم را ببینند دولت‌ها موظفند در این مورد اطمینان کسب کنند.

کلیه دست‌اندرکاران ارائه خدمات بر توانیابان باید به پرسنل خود آموزش لازم را بدهند.

برنامه‌های آموزش پرسنل باید با مشورت و همکاری سازمان‌های متشکل از توانیابان انجام پذیرد.

در برنامه‌های آموزش پرسنل توانیابان باید به عنوان معلم، مشاور و یا راهنما نقش داشته باشند.

برنامه‌های آموزش پرسنل و متخصصانی که با

برای همه افراد دچار معلولیت صرفنظر از نوع معلولیت، جنس، سن ارایه کنند. این برنامه باید از آموزش مهارت‌های اولیه تا ارایه خدمات مشاوره به توانیابان و خانواده‌هایشان را دربر گیرد.

توانیابان و خانواده‌هایشان باید در طراحی و برنامه‌ریزی خدمات توانبخشی نقش فعال داشته باشند.

دولت‌ها موظفند در تعیین برنامه‌های توانبخشی و ارزیابی بعدی نحوه اجرای این برنامه‌ها از تجارب و مهارت‌های سازمان‌های غیردولتی متشکل از توانیابان استفاده کنند.

#### قانون شماره ۴- خدمات حمایتی:

برای کمک به بالا بردن سطح استقلال و خوداتکایی توانیابان، دولت‌ها موظفند وسایل و ابزار کمکی لازم از قبیل «سمک، صندلی چرخدار و غیره» را فراهم و عرضه کنند.

دولت‌ها موظفند با توجه به نیازهای خاص توانیابان

ایران در میان کشورهای منطقه  
بهترین عملکرد را داشته است

\*\*\*

پیش شرط‌های لازم برای دستیابی  
توانیابان به فرصت‌های برابر  
در هیچ یک از کشورهای به طور کامل  
به اجرا درنیامده است



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

۵۴

توانیابان سروکار دارند، باید منعکس کننده اصولی برای توانیابان و مشارکت کامل آنان به عنوان عضوی مفید از جامعه باشند.

#### گزارش کارگاه

برنامه روز اول کارگاه مشورتی ارایه گزارش از طرف کشورهای شرکت کننده در کارگاه در رابطه با نحوه اجرای چهار قانون فوق بود. پس از استماع گزارشات و بحث و تبادل نظر از مباحث ارایه شده نتیجه‌گیری و جمع‌بندی انجام گرفت. نتایج روز اول:

۱- کشورهای منطقه شرق مدیترانه تعاریف گوناگونی از «توانیابی»، توانبخشی، ارایه خدمات درمانی، ارایه خدمات حمایتی نداشتند، بنابراین آمار ارایه شده بسیار متناقض به نظر می‌رسید به طور مثال نماینده دولت عراق اعلام نمود که

وسایل و ابزار کمکی را برای آنان فراهم کنند و خدماتی از قبیل افراد یاری‌رسان، افراد آشنا به زبان اشاره و خط بریل را ارایه کنند.

دولت‌ها موظفند از طرح‌های تولید، توزیع و ارایه خدمات پس از فروش ابزار و وسایل کمکی توانیابان حمایت کنند.

در کشورهایی که تکنولوژی تولید این وسایل وجود دارد مهارت‌های فنی باید در جهت بهبود کیفیت و کارایی این ابزار به کار گرفته شود. تشویق تولید وسایل ساده و ارزان با استفاده از مواد اولیه و کارخانه‌ها و کارگاه‌های داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دولت‌ها موظفند ابزار و وسایل کمکی توانیابان را به صورت رایگان و یا با قیمت بسیار ارزان در اختیار توانیابان و خانواده‌های آنان قرار دهند. ارایه خدماتی از قبیل افراد یاری

دست‌اندرکار مسایل توانیابان، عدم مشارکت توانیابان و خانواده‌هایشان در برنامه‌ریزی، نظارت بر اجرای برنامه‌های این سازمان‌ها از موانع مهم بر سر راه اجرای این قوانین به شمار می‌روند.

۳- خدمات موجود در کشورها کیفیت مطلوب را ندارد، پرسنل آموزش‌های کافی و لازم را ندیده‌اند. کیفیت و نحوه ارائه خدمات در مناطق شهری بسیار بالاتر از مناطق روستایی و دورافتاده می‌باشد. اصل عدم تبعیض در ارائه خدمات در بسیاری از کشورها رعایت نمی‌شود.

#### راهکارهای مطرح شده

۱- تشویق توانیابان به تاسیس سازمان‌ها و موسسات غیردولتی ناظر به نحوه اجرای قوانین  
 ۲- به‌کارگیری و مددجویی از توانیابان و خانواده‌هایشان در تعیین استاندارد برای خدمات توانبخشی و حمایتی قابل

بیش از ۵۰ درصد از مردم عراق دچار معلولیت می‌باشند درحالی که نماینده فلسطین تعداد توانیابان کشورش را ۱/۵ درصد اعلام نمود.

۲- به دلیل عدم هماهنگی در تعریف معلولیت از طرف کشورهای مختلف آمارهای ارایه شده را نمی‌توان با یکدیگر مقایسه نمود و در تهیه گزارش از منطقه به کار گرفت.

۳- کشورها باید با استفاده از تعاریف سازمان ملل گزارشات خود را تهیه کنند.

۴- ایران در میان کشورهای منطقه بهترین عملکرد را داشته است. نمایندگان کشورهای عراق، فلسطین و سودان از کمبود متخصصین، نبود دانشگاه و دانشکده‌های توانبخشی، عدم تخصیص بودجه از جانب دولت برای ارائه خدمات توانبخشی، حمایتی، درمانی در کشورشان صحبت کردند. نماینده کشور پاکستان از موفقیت زیادی که در جلب



دولت‌ها موظفند با استفاده از تیم‌های متشکل از متخصصین در رشته‌های گوناگون برای تشخیص زودهنگام و درمان معلولیت اقدام کنند تا مانع بروز معلولیت و یاکاهش اثرات منفی آن گردند



قبول در آموزش متخصصین این رشته.

۳- ایجاد شبکه ارتباطی کشوری و منطقه‌ای بین سازمان‌های دست‌اندرکار مسایل توانیابان جهت ارائه اطلاعات و آمار دقیق، استفاده از تجربه‌های موفق یکدیگر، جلوگیری از ارائه خدمات موازی.

لازم به ذکر است که بسیاری از افراد شرکت کننده در این کارگاه مشورتی (نمایندگان کشورهای فلسطین، پاکستان و لبنان) و یکی از دست‌اندرکاران برگزاری کنفرانس خود توانیاب بودند. این افراد که همه از تحصیلات دانشگاهی بالا برخوردار بوده و هر یک به چندین زبان زنده دنیا صحبت می‌کردند و بعضا مشاغل مهمی را در دولت، سازمان ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی عهده‌دار بودند، شاهدهایی زنده از موفقیت در نتیجه پشتکار و تلاش بودند.

کمک‌های خارجی برای اجرای قوانین فوق کسب کرده بودند گزارش داد.

برنامه روز دوم و سوم کارگاه مشورتی به شور گذاشتن قوانین فوق و تبادل نظر در مورد چالش‌های پیش روی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در اجرای این قوانین و ارائه راهکارها و تجربه‌های موفق بود.

#### جمع بندی و نتیجه گیری از بحث‌های روزهای دوم و سوم:

۱- پیش‌شرط‌های لازم برای دستیابی توانیابان به فرصت‌های برابر در هیچ یک از کشورها به طور کامل به اجرا درنیامده است.

۲- کمبود منابع مالی، عدم آگاهی توانیابان از حقوق‌شان، عدم مشارکت و عدم همکاری و رقابت در بین سازمان‌های



# آنچه در مورد CP باید بدانیم

دکتر فرزاد اشرفی، متخصص مغز و اعصاب

## عوارض CP کدام است؟

مشکلات حرکتی عضلانی، سفتی عضلانی، تشنج، اختلال درک، تفکر، لمس، درد، مشکلات گوارشی، انسداد روده، مشکلات در بلع، عوارض استخوانی (استئوپروز و پوکی استخوان)، شکستگی استخوان‌ها، مشکلات شناختی و رفتاری و اختلال ادواری که همه اینها به دلیل تخریب مغزی می‌باشد.

## عامل تخریب مغزی چیست؟

تخریب مغزی در هر زمانی در بارداری و حتی دو سال پس از تولد می‌تواند رخ دهد. از علل تخریب مغز، کمبود اکسیژن‌رسانی به مغز، خونریزی داخل مغزی و ضربه به سر می‌باشد. اما در بیشتر موارد پزشکان علت تخریب مغز را نمی‌دانند.

## CP چیست؟

CP یا Cerebral Palsy به هرگونه اختلال عصبی ناشی از تخریب قسمتی از مغز که در قبل و یا در حین و یا مدتی پس از تولد، در نوزادان رخ می‌دهد، اطلاق می‌شود. CP یک بیماری نیست بلکه یک ناتوانی است و در طول زمان پیشرفت نمی‌کند. CP باعث درگیری حرکات بدن و عدم هماهنگی عضلات می‌گردد، اگرچه ممکن است علایم تا ماه‌ها یا سال‌ها بعد از تولد ظاهر نشود. ولی بیشتر کودکان درگیر، در حین تولد مبتلا به CP می‌شوند و معمولاً علایم تا قبل از سه سالگی ظاهر می‌شوند. کودکان مبتلا به CP ممکن است، عضلات سفت داشته باشند یا دچار حرکات غیرمعمول عضلانی، اختلال شناختی و گفتاری، تاخیر در گردن گرفتن، نشستن، خندیدن و راه رفتن باشند.

گفتار درمانی، کار درمانی، فیزیوتراپی، دارو درمانی و جراحی می‌باشد.

در زیر دو روش از روش‌هایی که والدین کودکان قادر به انجام آن در منزل می‌باشند، ذکر می‌گردد:

◀ **فیزیوتراپی:** یکی از موثرترین روش‌های بازتوانی کودکان است که در کلینیک، خانه و حتی مدرسه می‌توان به آن پرداخت. فیزیوتراپی علاوه بر بهبودی وضعیت عضلات از نظر جلوگیری از سفت شدن آنها در ایجاد مهارت حرکات آنها نیز کمک کننده است. فیزیوتراپی شامل کشش آهسته عضلات دست و پا جهت کاهش سفتی عضلات می‌باشد که براساس برنامه منظم روزانه توسط فیزیوتراپیست تنظیم می‌شود. این برنامه در منزل براساس شدت ناتوانی کودکان مبتلا به CP به والدین آموزش داده می‌شود. با افزایش سن کودک و رسیدن به سن بالاتر می‌توانند از کارهای لذت بخش

۱۰ درصد از موارد CP به دلیل تخریب مغز پس از تولد، ناشی از مننژیت باکتریال، انسفالیت، زردی نوزادان و صدمه به کودک می‌باشد. عوامل خطر برای تولد کودک مبتلا، شامل زایمان سخت و طولانی، تولد زودتر از موعد (زیر ۳۲ هفته) و وزن کمتر از ۲۵۰۰ گرم هنگام تولد می‌باشد.

### چگونه پزشک می‌تواند بگوید کودک CP دارد؟

پزشک با توجه به وضعیت بدن (Posture) و بررسی رفلکس‌های کودک و سفتی عضلات، زمان شروع رشد و نمو (گردن گرفتن، غلتیدن، راه رفتن) همچنین زمان شروع به صحبت کردن و یادگیری کودک می‌تواند در مورد بیماری نظر بدهد. نهایتاً تشخیص قطعی توسط آزمایش‌های اختصاصی است.

### درمان افراد مبتلا به CP چیست؟

یک تیم درمانی برای بهبود وضعیت افراد مبتلا به CP



در کودکان مبتلا به CP موزیک می‌تواند باعث بهبود در صحبت کردن، درک کلمات و هماهنگی در کار با سایر افراد اجتماع گردد و در برقراری ارتباط آنان با اطرافیان بسیار کمک کننده است

دیگر جهت فیزیوتراپی استفاده کنند که شامل شنا و اسب سواری می‌باشد.

◀ **موزیک درمانی:** در کودکان مبتلا به CP موزیک می‌تواند باعث بهبود در صحبت کردن، درک کلمات و هماهنگی در کار با سایر افراد اجتماع گردد و در برقراری ارتباط آنان با اطرافیان بسیار کمک کننده است. حرکات ریتمیک همراه با موزیک باعث ارتقای مهارت‌های حرکتی می‌شود.

◀ از نکات مهم دیگر رعایت نکات بهداشتی از جمله بهداشت دهان و دندان، جلوگیری از زخم در نواحی تحت فشار بدن و بهداشت دستگاه ادراری (آموزش تخلیه به موقع مثانه) می‌باشد.

در شماره بعد بحث کامل‌تری را در زمینه بازتوانی بیماران CP خواهیم داشت.

لازم است. این تیم می‌تواند شرایط زندگی افراد مبتلا به CP را بهبود بخشد. این گروه درمانی شامل والدین، پزشک خانواده و دیگر متخصصان از جمله ارتوپد، فیزیوتراپیست، کاردرمان‌گر، گفتاردرمان‌گر و روانپزشک می‌باشد.

**با رشد کودکان مبتلا به CP چه مسایلی رخ می‌دهد؟**  
این افراد با گذشت زمان بهتر یا بدتر نمی‌شوند، ولی با مسایل جدیدی روبه‌رو می‌شوند. حوادث قابل پیشگیری در این افراد نسبت به افراد عادی شایع‌تر است. معاینات دوره‌ای پزشکی در بزرگسالی مانند معاینات قلبی، عروقی و معاینات دوره‌ای زنان و پستان برای پیشگیری از ابتلا به بیماری در این افراد توصیه می‌شود.

### بازتوانی بیماران مبتلا به CP

بازتوانی کودکان مبتلا به CP شامل موزیک درمانی،

نشریه توانیاب قصد دارد در هر شماره به یکی از مهارت‌های زندگی بپردازد. در این شماره استرس که یکی از شایع‌ترین عوامل ناخوشی افراد است، انتخاب شده است. گفتنی است این مقاله ارزشمند را بچه‌های خوب رعد، خانم‌ها پریا تشکری، نازنین رحیم‌زاده، مدینه صابری و آقایان علیرضا ذوقی و بهمن بهشتی با راهنمایی خانم دکتر لواسانی و هماهنگی واحد مددکاری تهیه کرده‌اند. با تشکر از همه این عزیزان.

## مهارت‌های زندگی «استرس»

همه انسان‌ها در زندگی روزمره خود در معرض انواع استرس‌ها قرار می‌گیرند و در واقع، استرس یک واقعیت زندگی بشر محسوب می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کامل از آن اجتناب کند. بعضی از این استرس‌ها در حد کم مفید و موثر بوده و نقش خود را به خوبی ایفا می‌کند ولی وقتی شدت آنها زیاد می‌شود و یا به مدت طولانی ادامه پیدا می‌کند و فرد نمی‌تواند بر آنها تسلط پیدا کند، ممکن است موجب بروز بیماری‌های جسمی و روحی روانی شود. در مقاله حاضر با توجه به تاثیری که استرس بر سلامت جسمی و روانی افراد می‌گذارد، استرس و راه‌های مقابله با آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

### تعریف استرس

در زندگی همه انسان‌ها مسایلی پیش می‌آید که تغییراتی در زندگی به وجود می‌آورد و افراد باید تلاش کنند تا دوباره به شرایط سازگاری دست پیدا کنند. هر رویداد و اتفاقی که سازگاری فرد را برهم می‌زند و ضرورت سازگاری دوباره را ایجاد می‌کند، استرس نامیده می‌شود. با این تعریف فقط حوادث بد و ناخوشایند مثل رد شدن در کنکور، بیماری و از دست دادن یک دوست نیست که استرس نامیده می‌شود بلکه وقایع خوشایند مانند قبول شدن در کنکور، پیدا کردن کار و ازدواج نیز نوعی استرس محسوب می‌شود. علاوه بر این،



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵



بدشانسی یا غیرمنصفانه بودن زندگی باشد.

وقتی فردی استرس را تجربه می‌کند، تغییراتی در ذهن و بدن او به وجود می‌آید و رفتارهای خاصی را ممکن است انجام دهد که به آنها علائم استرس گفته می‌شود. مهمترین علائم استرس در زیر آمده است.

### علائم فیزیکی

افزایش ضربان قلب، تنفس سریع، تعریق، داغ یا سرد شدن بدن، خشکی دهان، لرزش بدن، تنش و گرفتگی عضلات، سردرد، دردهای قفسه سینه، سوزش معده.

### علائم ذهنی و هیجانی

اشکال در تمرکز، فراموشکاری، به وجود آمدن افکار منفی در مورد خود فرد، دیگران و دنیا، نگرانی، بیقراری و اضطراب، بی‌حوصلگی و تحریک پذیری و عصبانیت.

### علائم رفتاری

افزایش مصرف سیگار، سوء‌مصرف الکل یا مواد، پرخوری یا کم‌اشتهایی، مشکلات خواب، پرحرفی و یا صحبت نکردن، کناره‌گیری از دیگران، پرخاشگری، تصمیم‌های غیرمنطقی.

### اثرات استرس

استرس به میزان کم مفید بوده و موجب افزایش علاقه و انگیزه در زندگی می‌شود و عملکرد فرد را نیز بهبود می‌بخشد. برای مثال تعادل استرس برای آمادگی و موفق شدن در امتحانات لازم است ولی وقتی استرس، شدید می‌شود و یا مزمن می‌گردد، یعنی فرد به مدت طولانی در معرض آن قرار می‌گیرد، ممکن است بر جسم و روان او اثرات منفی بگذارد.

### اثرات جسمی استرس:

هنگام تجربه استرس، موادی در بدن ترشح می‌شود که باعث افزایش ضربان قلب و فشار خون می‌شود. وقتی استرس شدید یا طولانی می‌شود این افزایش می‌تواند به سیستم قلب و عروق صدمه زده و موجب بیماری‌های قلبی و عروقی شود. همچنین استرس بر دستگاه ایمنی نیز تاثیر گذاشته و باعث تضعیف آن می‌شود و بدین ترتیب، بدن آماده ابتلا به انواع بیماری‌ها می‌گردد. از سایر اثرات جسمی استرس می‌توان به سردردهای عصبی، میگرن، مشکلات گوارشی مثل تهوع، استفراغ، سوزش معده، انواع دردها در قسمت‌های مختلف بدن مثل کمر، کتف، بیماری‌های پوستی و حتی سرطان اشاره کرد.

استرس‌ها شدت‌های متفاوتی دارند. اگرچه حادثه واحدی ممکن است از نظر دو نفر شدت‌های متفاوتی داشته باشد ولی به طور کلی برای اکثر انسان‌ها عوارض بعضی از حوادث شدیدتر از بقیه است. در جدول زیر درجه‌بندی شدت انواع استرس‌ها آمده است.

### جدول درجه بندی شدت استرس

بسیار زیاد
مرگ همسر یا فرزند
طلاق یا متارکه
ابتلا به بیماری یا آسیب دیدگی
از دست دادن شغل
زیاد
بازنشستگی
بیماری وخیم یکی از اعضای خانواده
بارداری
تغییر شغل
متوسط
وام گرفتن
مشکلات ارتباطی با خویشاوندان سببی
مشکل با رئیس یا کارفرما
کم
تغییر در شرایط کاری
تغییر مدرسه
تغییر عادت غذا

### علل استرس

استرس‌ها از منابع مختلفی سرچشمه می‌گیرند و اتفاقات و حوادث متفاوتی ممکن است موجب استرس شوند. به طور کلی استرس ممکن است از شرایط و حوادث بیرونی، واکنش فرد به این شرایط و ترکیبی از این عوامل ناشی شود. از جمله منابع بیرونی استرس می‌توان به مشکلات خانوادگی، بیماری‌های ناتوان‌کننده، بیکاری و یا حوادث خوشایندی مثل ازدواج یا نقل مکان به یک محل بهتر نام برد. عوامل درونی ایجاد کننده استرس نیز می‌تواند شامل دیدگاه منفی فرد نسبت به خودش مثل اعتماد به نفس پایین و انتقاد از خود، نگرش‌های منفی نسبت به دیگران مثل بدبینی و بی‌اعتمادی و تفسیر و ارزیابی منفی حوادث مثل اعتقاد به



استرس آن را به هم زده است. انواع کارهایی که می‌تواند به آرام شدن فرد کمک کند، عبارتند از:

- **تنفس‌های عمیق و آرمیدگی:** وضعیت بدن را در حالتی قرار می‌دهد که متضاد وضعیتی است که در هنگام استرس دارد و بدین ترتیب آرامش را به بدن و نیز ذهن برمی‌گرداند. (برای یادگیری این روش‌ها نوارکاست و سی‌دی‌های آموزشی وجود دارد).

گفتارهای درونی مثبت: هدف این روش جایگزین کردن گفتارهای درونی مثبت با افکار منفی است که در ذهن خود می‌چرخد. نمونه این گفتارها شامل این موارد است: این حادثه زودگذر است، زندگی بهتر خواهد شد، من ناتوان نیستم، می‌توانم مشکل را حل کنم، اگر بخواهم می‌توانم این وضعیت را تحمل کنم.

**خواب و استراحت کافی:** استراحت و خواب کافی ۶-۹ ساعت در شبانه‌روز می‌تواند اثرات منفی استرس را بر ذهن و بدن کاهش داده و به آرام شدن کمک کند.

**تغذیه مناسب:** رژیم غذایی سالم و کافی حاوی پروتئین ویتامین‌ها و عدم مصرف مواد محرک شامل کافئین و نیکوتین.

- راز و نیاز با خداوند و توکل به او
- ابراز محدود عواطف مثل گریه کردن.
- ورزش سبک و منظم مثل پیاده‌روی، دو و شنا
- نوشتن افکار و احساسات
- انجام کارهای مورد علاقه و سرگرم کننده
- گوش دادن به موسیقی آرام
- رویاپردازی و تصور وقایع خوشایند و مطلوب
- صحبت کردن با یک دوست و درد دل کردن با او.

#### ب- مقابله مساله مدار

وقتی فرد با استفاده از انواع مقابله‌های هیجان‌مدار به آرامش رسید حالا زمان آن است که به مقابله مساله‌مدار بپردازد یعنی مشکلی که موجب استرس شده را حل کند. از آنجایی که حل مشکل یا حل مساله خود یک مهارت مهم و نسبتاً پیچیده است، در شماره بعدی به تفصیل در مورد آن صحبت خواهد شد.

#### منابع:

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۳) بهداشت روانی و مهارت‌های زندگی برای زنان، دفتر امور زنان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

### اثرات روانی استرس

مهمترین اثرات روانی استرس افسردگی و اضطراب هستند. علاوه بر این مشکلاتی مثل یاس و نومیدی، ناتوانی در تصمیم‌گیری، نگرانی و بی‌حوصلگی، تحریک‌پذیری و احساس تنهایی از اثرات روانی مهم استرس محسوب می‌شوند.

### پیشگیری از استرس

گرچه استرس یک واقعیت در زندگی روزمره است ولی می‌توان با اتخاذ تدابیری از برخی استرس‌های منفی اجتناب کرد. برای مثال برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی کارها، یادداشت درست توانایی‌ها و انتخاب اهداف متناسب با آن و نیز تشخیص افراد و منابع حمایت‌کننده موجود در محیط زندگی، می‌تواند به میزان قابل ملاحظه‌ای استرس‌ها را کاهش دهد.

### مقابله با استرس

افراد می‌توانند با استفاده از روش‌هایی از رویارویی با برخی از استرس‌های غیرضروری اجتناب کنند. ولی هیچ‌کس قادر نیست استرس را به طور کامل از زندگی خود حذف کند. چون استرس با زندگی در هم آمیخته است. اما با این که استرس در زندگی همه انسان‌ها وجود دارد ولی واکنش‌های افراد به آن متفاوت است. دلیل این تفاوت در نوع مقابله فرد با استرس است. مقابله، کارهایی است که فرد انجام می‌دهد تا استرس را از بین ببرد یا آن را به حداقل برساند و یا آن را تحمل کند. کسانی که از مقابله‌های صحیح و سازگارانه استفاده می‌کنند، می‌توانند شدیدترین استرس‌ها را نیز با موفقیت پشت سر بگذارند و نه تنها دچار بیماری نشوند، بلکه پس از برطرف شدن استرس ممکن است به سطح بالاتری از قدرت و توانایی نیز دست یابند. ولی کسانی که مقابله‌های ناسازگارانه و مضر دارند، نه تنها نمی‌توانند استرس را برطرف کنند، بلکه ممکن است مشکلی را نیز به مشکلات خود اضافه کنند. یک نمونه از مقابله ناسازگارانه رفتار کسی است که در مقابل استرس بیماری، شکست تحصیلی یا از دست دادن یک دوست صمیمی، شروع به مصرف سیگار می‌کند و یا از جمع‌کناره می‌گیرد. در اینجا به برخی از روش‌های مقابله سازگارانه اشاره می‌شود.

### الف- مقابله‌های سالم هیجان‌مدار

وقتی فرد با استرس روبه‌رو می‌شود، بدن و ذهن دچار تنش شده و اولین کاری که باید برای مقابله با استرس انجام گیرد، آرام ساختن خود و بازگرداندن آرامشی است که



## اگر افکارت بازی کردن بلد نیست به او کارت قرمز بده!

ترحم نبود نعمت الهی بود. گفتم: قطعاً کار من فقط و فقط از دست شما برمی آید. خلاصه کارم را انجام داد، بدون این که یادم بیاید با چه استرسی خانه را ترک کرده بودم. شاد و خوشحال به سوی کتابفروشی رفتم باید هدیه می خریدم مقداری از راه را که رفتم همه ماشین ها بر اسب عجله سوار بودند و بوق می زدند داشتیم فکر می کردیم که چگونه از خیابان رد بشوم، ماشینی که در مقابل من بود متوقف شد و همه ماشین ها متوقف شدند. جلوی کتابفروشی پل نبود تا داشتیم فکر می کردیم که چگونه ویلچر را از جوب بگذرانیم آن طرف دوستم را دیدم که پدرش کتابفروشی دارد یعنی دقیقاً همان جایی که من می خواستم بروم. بعد از گپ زدن به من گفت کم پیدایی و گفتم حالا هم که پیدایم شده کارت دارم خلاصه دو کتاب خریدم چون او کلاس نداشت من را تا خانه همراهی کرد. درست به موقع به خانه رسیدم وقتی رسیدم به خودم گفتم در زمین فوتبال زندگی سعی کن بازیگر خوبی باشی و بدان که اگر افکارت بازی کردن بلد نیست به موقع باید به آن کارت قرمز و زرد بدهی بدان که یک داوری هست که تا همیشه، همیشه با تو خواهد بود و اگر او را فراموش نکنی بیچاره توپ توی هر گودالی نمی افتد.

یک روز دل انگیز با تمام امیدها آغاز شد. چهارشنبه زیبایی بود با هزاران امید می خواستم گام بردارم، باید می رفتم بانک پولی می گرفتم ولی همراه با این افکار باران استرس بر من می بارید. در جاده استرس آنچنان سر خوردم که نمی دانم توپ افکارم به کجا خورد که تمام جوارح وجودم را لرزش فرا گرفت. گفتم باید گام بردارم لباسم را پوشیدم و از خانه بیرون آمدم هنوز بیرون نیامده اولین پله های استرس را روبه رویم دیدم. سرایشی پارکینگ را چه کنم توپ افکارم چهل تیکه شد. من از جلو ویلچر را هول می دادم ویلچر با انرژی بیشتری انگار جوان تر از من بود و به عقب برمی گشت در این گیرودار یک فرشته آسمانی آمد و گفت کجا می روی خلاصه بر جوانی ویلچرم غلبه کرد و از قله پارکینگ بالا رفت. زمان محدودی داشتیم باید سریع به خانه برمی گشتم. تا پا در خیابان گذاشتم دیدم جلوی خانه را برای تلفن کنده اند. نزدیک بود ویلچرم آنجا شب بخیر شود آنقدر ماشین از آنجا رد می شد که نمی دانستم چگونه عبور کنم. خلاصه ضربه ای دیگری توپ افکارم خورد. توپ افکار رفت و رفت تا رسید به بانک، حالا از اینجا گذشتی پله های بانک را چه کنم خلاصه توپ افکارم حیران بود. هی به دروازه استرس می خورد انگار هیچ دروازه بانی نبود که آن را مهار کند، نمی دانستم خداوند به جای پاهای خسته ام هزاران فرشته برایم در زمین و آسمان می گذارد تا من را همراهی کند خلاصه لرزش استرس، شوت محکمی در زمین افکارم بر توپ چهل تیکه بیچاره فکرم زد، داور بزرگ آرامشی به من داد گویی او را فراموش کرده بودم باید به فکرم کارت قرمز می دادم که داور به این بزرگی را فراموش کرده بود. فرشته آسمانی آمد و سلام گرمی به من کرد سرم را بالا کردم. دیدم داور نازنین اینجا رو خوب آمده بود بین دوازده میلیون آدم تهرانی این رییس بانک بود که جلوی من ظاهر شده بود. درست خودش بود. تازه به غیر از پله های عظیم الجثه بانک یک پاترول عظیم الجثه روی پل پارک شده بود. زمانی که رییس بانک به من گفت کمکی از دست من برمی آید اینقدر از این جمله خوشم آمد که خدا می داند. چون





## هنری که با تکنیک در آمیخته است

مرتضی احمدی - مدرس هنر معرق در مجتمع آموزشی رعد

### معرق

معرق کلمه‌ای است عربی به معنی وصله و به اشکالی که از کنار هم قرار دادن تکه‌های کوچک و بزرگ کاشی یا چوب تشکیل شده باشد گفته می‌شود.

معرق کاشی در دوره سلجوقیان در قرن ۶ هجری و دو قرن بعد از آن و همچنین در قرون ۹ و ۱۰ در شهرهای اصفهان، یزد، کاشان، هرات، سمرقند و تبریز شکل گرفت و با ورود کمال‌اره به ایران معرق چوب توسعه یافت و به تکامل رسید. معرق فن و تکنیکی است که با هنر در هم آمیخته است. در واقع هنر به معرق روح می‌دهد و معرق هنر را ملموس می‌سازد. معرق چوب عبارت است از ایجاد نقوش و طرح‌های مختلف که از کنار هم قرار دادن چوب‌های صنعتی در رنگ‌ها و طرح‌های طبیعی گوناگون در کنار یکدیگر به وجود می‌آید.

معروق چوب بر دو نوع است: معرق برجسته و معرق تخت یا صاف. در معرق برجسته نقش و طرح موردنظر را بالاتر از سطح چوب زمینه قرار داده و سپس اطراف آن را تزیین می‌کنند. ولی در معرق تخت یا صاف ابتدا نقش و طرح موردنظر را بر روی سطح چوب قرار می‌دهند و داخل طرح را خالی می‌کنند و سپس نقش ایجاد شده را با چوب‌های دیگری می‌پوشانند.

در معرق چوب از چوب‌های مختلف که دارای رنگ‌های متنوعی هستند و همچنین از طرح‌های طبیعی رگه‌های چوب استفاده می‌شود.

معرق چوب در ایران تکنیکی نوپا و جوان می‌باشد و

قدمتی ۵۰ ساله دارد. در معرق چوب چندین نکته اساسی وجود دارد. ۱- انتخاب طرح مناسب و قابل اجرا که شامل طرح‌های مینیاتوری یا مناظر طبیعی یا طرح‌های فانتزی و یا غیره می‌باشد. ۲- انتخاب نوع زمینه کار که شامل نئوپان یا چند لایه و چوب درز شده یا با قاب یا بدون قاب می‌باشد. ۳- انتخاب چوب‌های مناسب که با زمینه کار و با اجزای دیگر همخوانی داشته و زیبایی موردنظر را ایجاد نماید و از همپوشانی رنگ‌ها جلوگیری نماید. ۴- انتخاب نوع اره که حتما باید از تیغه‌هایی استفاده شود که استاندارد بوده و مرغوبیت مطلوبی داشته باشد. در غیر این صورت موجب خرابی کار و خستگی معرق‌کار خواهد شد. ۵- انجام عملیات پایانی یعنی پولیتسرکاری دقیق و ماهرانه که ۵۰ درصد زیبایی و دوام کار بستگی به این مرحله است که باید توسط استادکارانی با تجربه و ماهر انجام شود.

معرق چوب اصولاً بر دو نوع است: معرق زمینه چوب و یا معرق هنری و معرق زمینه رنگ یا بازاری. در معرق زمینه چوب کل کار به وسیله چوب و رنگ‌های طبیعی چوب به وجود می‌آید و هیچ چیز دیگر از قبیل صدف و استخوان و رنگ و غیره استفاده نمی‌شود و نوع پوشش رنگ کاری آن نیز پولیتسر مات می‌باشد.

در معرق زمینه رنگ طرح اصلی به وسیله چوب یا صدف یا استخوان و غیره بریده می‌شود و در جای خود قرار می‌گیرد و زمینه آن توسط رنگ‌کار به وسیله پولیتسر رنگی که معمولاً مشکی است رنگ می‌شود.



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵

جنبه از فرهنگ را در زمینه‌های متفاوت می‌توان مشاهده نمود. برای بررسی، مطالعه و شناسایی این جنبه فرهنگ باید حوزه‌های علمی چون تاریخ، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، هنر و... مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند و با توجه به این که هر یک از این حوزه‌ها از زاویه خاص به لباس و پوشاک انسان و تغییر آن در گستره زمان و مکان می‌پردازند برای یافتن نتیجه‌ای درست و منطقی از این رشته و روند و تکامل آن باید برداشتی کلی از همه موارد یاد شده را در نظر گرفت.

طراحی لباس و تولید آن از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و همواره لباس در جایگاه یک نماد یا ویژگی خاص یک تمدن نیز می‌تواند حایز اهمیت باشد. لباس حاوی نشانگان فرهنگی است و از این رو یکی از راه‌های شناخت فرهنگ یک جامعه، شناخت لباس و پوشاک مردم آن است. لباس از جنبه‌های مختلف قابل بحث است. طرح، رنگ، فرم و جنس و تعداد قطعات پوشاک، اجزای هر قطعه و طرح و نقاشی و نگاره‌های آن همگی نشانگر نحوه انطباق با شرایط محیطی، آداب و سنن اجتماعی و حتی هنر و زیبایی‌شناسی یک قوم است. از این رو می‌توان لباس را نماد زندگی، فرهنگ و تمدن بشری دانست که البته هرگاه به ساختار فرهنگی یک قوم و یا یک نژاد توجه شود تفاوت‌هایی در آن مشاهده می‌شود و لباس نیز از جمله پدیده‌هایی است که تفاوت‌های موجود را به خوبی نمایان می‌سازد. لباس نشانه هویت و اندیشه اقوام است و از این رو می‌توان جنبه‌های گوناگونی را در تاریخ و فرهنگ ملی خویش یافته و ساختارهای نوینی را برای آینده فرهنگی خویش رقم بزنیم. امروز یکی از جنبه‌های مهم اقتصاد بشری، طراحی و تولید لباس می‌باشد که می‌توان نقش مهمی را در تولید اقتصادی و ایجاد انگیزه‌های فرهنگی و هنری و شغلی فراهم سازد. اقتصاد و فرهنگ نوین کشور ما نیازمند به هویتی جدید است که در راستای آن بتواند پشتوانه خوبی برای اقتصاد و فرهنگ ملی ما باشد پرداختن به آنچه که امروز نیاز جامعه می‌باشد و در بخش طراحی لباس و پارچه به آن پرداخته می‌شود احتیاج به عزمی والا دارد تا ارزش واقعی آن به جامعه شناسانده شود و آن را مطابق با شرایط حاضر باید به گونه‌ای طراحی نمود که علاوه بر رفع نیاز مادی، ملی و دینی آن نیز به گونه‌ای شایسته نمایانده شود. این ستون از نشریه قدم کوچکی در راه رسیدن به این اهداف والا می‌باشد.

## پوشاک

### مهم ترین جنبه

## دیداری

## یک فرهنگ

مربی کارگاه خیاطی - زهرا مقصودی

انسان همواره با نیروی تفکر در تمام دوران حیات، در شناخت خود و محیط زندگی‌اش تلاش نموده است. در این راستا حفاظت از بدن در مقابل سرما و گرما از ابتدایی‌ترین مواردی است که مسیر تحول و تکوین خویش را از برگ و الیاف درختان تا پوست و پشم حیوانات و ترکیبات شیمیایی طینموده است. پوشاک یکی از نیازهای اولیه بشری است که در طول زمان از تنوع بسیاری برخوردار بوده و پیوسته تحت تاثیر شرایط محیطی اقلیمی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی قرار داشته است. آنچه که در هر دوره بدن را پوشش می‌دهد و از آن محافظت می‌کند به عنوان یک عامل فرهنگی موثر در مسایل مردم‌شناسی و ریخت‌شناسی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پوشاک یکی از مهمترین جنبه‌های دیداری یک فرهنگ و شاید بارزترین آن می‌باشد و به همین دلیل تاثیر و گستره این



# قصه من

ای گل و گلزارها چیست گواه شما

رنگ که در چشمهاست، بو که در مغزهاست



رفتم. البته قبل از این حدود یک سال در بقالی به دایی کوچکم کمک کرده بودم و تا حدودی با سیستم فروش آشنا بودم. خلاصه روز یکشنبه بعد از ظهر من، بابا و محمود آقاروزنامه فروش محل رفتیم داروخانه دکتر بها... تا با مسوول داروخانه صحبت کنیم که اگر بشه من اونجا مشغول به کار بشم. اون روز و اون لحظات دقیقا یادم هست. روز یکشنبه بعد از ظهر بود که من برای اولین بار وارد اون داروخانه شدم. پرویز خان که من تا چند روز فکرمی کردم خود دکتر بها... باشه آدم فوق العاده منطقی و در ضمن خوش برخوردی بود. بعد از صحبت های اولیه راجع به سختی کار و این که باید چه رفتاری با مراجعه کننده داشته باشم و حتما درسم را ادامه بدهم، قرار شد از همان روز من به صورت پاره وقت در داروخانه مشغول به کار شوم.

اولین برخورد با همکاران فقط به سلام و احوالپرسی ساده گذشت. از همان روز قرار شد من زیر دست آقای به نام م... که بعدها به یکی از دوستان خوب من تبدیل شد در غرفه داروهای گیاهی کار کنم و کار یاد بگیرم. روز اول کارم با کنترل تاریخ داروهای گیاهی و اصلاح قیمت جدید آنها گذشت و تقریبا به غیر از م با هیچ کس دیگر هم صحبت نشدم. م پسر خیلی زبر و زرنگی بود و خیلی سریع با دقت و دلسوزانه کار می کرد.

حدود یک ماه، من در غرفه گیاهی کمک دست م بودم تا این که یک روز قرار شد بروم به غرفه محصولات بهداشتی و شوینده های ایرانی و تازه با بقیه همکارها آشنا بشم، چون بخش گیاهی از بقیه قسمت ها مجزا بود و معمولا بقیه پرسنل به آنجا کم می آمدند، بعد از چند روز من به قسمت دارویی رفتم. در آن زمان آقایان دکتر س، دکتر ر، دکتر که به عنوان دانشجویان داروسازی و خانم دکتر ش، به عنوان قائم مقام در ساعاتی که دکتر بها نبودند در داروخانه به همراه دو تکنسین به نام های آقای ح... و آقای حس... کار می کردند. و نیز آقای هم... که مسوول میز جلو و خرید داروخانه از بازار بود و

این که گاه اوج می گیریم و تا ماه بالا می رویم و گاه خود را در قعر چاه می بینیم بستگی دارد که از چه زاویه ای به جهان اطرافمان نگاه کنیم.

سلام:

من یک معلول جسمی هستم. الان ۲۹ سال و شش ماه است که از خدای بزرگ عمر گرفته ام. خدایی که از بدو تولد، من و خانواده ام را مورد امتحان قرار داده است.

خدا به بهترین پدر و مادر دنیا بچه ای عطا فرمود که از سن شش سالگی به بعد متوجه معلولیت جسمی اش شدند. کنار آمدن با این مساله برای فامیل، خصوصا خود آن خانواده که دو فرزند داشتند خیلی سخت بود. فقط در این حد به یاد دارم که فرزند دوم هم به خاطر مریضی برادر بزرگتر خیلی سختی کشید و مورد تمام آزمایشات پزشکی قرار گرفت. این آقا پسر شیطان و باهوش هشت سال داشت که فرزند سوم خانواده هم با همان معلولیت فرزند اول دیده به دنیا گشود. آری فرزند اول و سوم این خانواده گرم و صمیمی معلولیت جسمی مشابه هم دارند. هر دو از ناحیه ستون فقرات و مچ پا انحراف دارند.

قصد ندارم سرتان را درد بیاورم بنابراین خاطراتم را خلاصه می کنم و فقط راجع به موضوع خاصی که در نظر دارم صحبت می کنم.

هیچ کدام از مسایل و مشکلات مختلف اعم از فشارهای اقتصادی و بیمارستان رفتن ها و مسایل عیدیه ای که وجود داشت، باعث نشد از گرما، صمیمیت، محبت و همدلی این خانواده ۵ نفره کاسته شود.

حدود ۱۷ سال داشتم که توسط روزنامه فروش محل کار پدر، متوجه شدم که داروخانه مصلحان به کارمند نیاز دارد. قرار شد من بروم و با صاحب داروخانه محل که تو خیابان... بود راجع به کار صحبت کنم. تو همون موقع هم یک کار تو تولیدی لباس زنانه در بازار به من پیشنهاد شد. من به پیشنهاد خانواده سراغ کار داروخانه



راه‌های دیگه هم به ذهن می‌رسید.

بعد از کلی کلنجار رفتن با خودم و صحبت سر بسته‌ای که پرویزخان با من کرد که البته فهمیدم از بعضی از برخوردها مطلع است، تصمیم گرفتم بایستم و بجنگم. جنگ برای ثابت کردن شایستگی خودم و برای این که به همه آدم‌های سالم بفهمانم، من اگر یک معلول هستم ولی هیچ چیزی از آنها کم ندارم، اگر نمی‌توانم یک وزنه ۵۰ کیلویی را بردارم می‌توانم آن را به ۵۰ وزنه یک کیلویی تبدیل کنم و همه را با پشتکار و اراده جابه‌جا کنم. من این را لااقل به خودم ثابت کردم که من می‌توانم.

الان حدود ۱۱ سال از آن روزهای می‌گذرد و توی این ۱۱ سال من خیلی چیزها را به خودم ثابت کردم، ثابت کردم من با توجه به این که حتی دیپلم هم نداشتم و قبل از داروخانه در درس انگلیسی خیلی هم ضعیف بودم، هم نسخه‌پیچی یاد گرفتم هم زبان انگلیسی من خیلی بهتر شد. من به کمک پرویزخان و بقیه همکاران و به لطف خدا خیلی چیزها یاد گرفتم. بعدها من توانایی این رو داشتم که در تمام قسمت‌های داروخانه فعالیت کنم و جالب این که همان کسی که یک روز به من گفت که تو نمی‌توانی خمیردندان بفروشی بعدها تو خیلی از قسمت‌ها از من مشورت می‌گرفت. من توانسته بودم به همه ثابت کنم که من می‌توانم و لیاقت این را دارم که به من مسولیت بدهند.

البته من هیچ وقت یادم نمی‌ره این پیشرفت رو مدیون چه کسانی هستم، اگر اون امکانات در اختیار من قرار نمی‌گرفت و صبوری صاحبین داروخانه و بقیه همکارها نبود من الان هیچی نبودم. این اندازه هم دوست خوب نداشتم. اگه این همه سر شمارو درد آورد فقط می‌خواستم چند چیز رو به خودم یادآوری کنم که قدر زحمت خودم و دیگران را بدانم و هرگز به هیچ عنوان خوبی کسی رو فراموش نکنم اگر هم کسی به من بدی کرد بدانم که هیچ عمدی در کار نیست و حتما این شخص یک وسیله از طرف خدا است تا تغییر بنیادی و اساسی در زندگی من ایجاد کند.

آخر کلام هم این که ایمان دارم کسانی که رفتار ما را می‌بینند و برایشان مهم هستیم دوست و یا دشمن ما هستند. چون اگر وجود ما برای کسی بی‌تفاوت باشد پس ما را نمی‌بینند و برایش مهم نیستیم. خوب، اگر اطرافیان ما را شاد، سرحال و سرزنده ببینند دو برخورد داریم دوستان ما از شادی ما شاد می‌شوند و دشمنان ما از شادی ما غمگین، برعکس اگر اطرافیان ما را غمگین، سرخورده و ناراحت ببینند دوستان ما از غم ما غمگین و دشمنان ما از غم ما شاد می‌شوند. بنابراین بیایید دشمن شاد نباشیم.

آرزومند بهترین‌ها برایتان.

سعید

همچنین، خانم ع، مسوول غرفه آرایشی داروخانه کلیه پرسنل را تشکیل می‌دادند.

علاوه بر این افراد چند کار آموز اعم از دانشجوی داروسازی و افراد دیگری مثل من نیز در ساعات مختلف دیگری در آنجا مشغول به کار بودند. راستی یه مرد خوب و مهربان دیگه هم به اسم ع بود که واقعا آقا بود و زحمت نظافت و انبارداری داروخانه با ایشان بود. من هر روز از این همکاران خصوصاً از پرویز خان چیزهای تازه یاد می‌گرفتم. باید بگم واقعا این که روز اول پرویز خان گفت اینجا یک دانشگاه است حقیقت محض بود. من آنجا حتی از مشتری‌ها هم چیز یاد می‌گرفتم.

هر روز یک تجربه و یک چیز تازه یاد می‌گرفتم. یواش یواش آنقدر جذب آن محیط شدم که شب‌ها خواب آنجا را می‌دیدم، یواش یواش از ساعت کلاس‌هایم کم شد و به ساعات کار در داروخانه اضافه شد. البته این کار هم به خاطر علاقه زیاد به آنجا و هم نیازی که به درآمد آن داشتم صورت گرفت، تا این که من دیگه به مدرسه شبانه هم نرفتم؛ آخه من به صورت شبانه درس می‌خواندم، به دلیل جریان جراحی‌های کمرم مجبور شده بودم به کلاس شبانه بروم. اما چند اتفاق باعث شد من تصمیم مهمی در داروخانه بگیرم. ترتیب اتفاقات در ذهنم نیست اما یک روز صبح پرویزخان من را صدا کرد و یک نسخه را به من نشان داد و گفت که این نسخه قرص دوکسیوم بوده و تو به جای آن دیگوسکسین داده‌ای و قیمت روی چند دارو را هم اشتباه زدی، باید بگویم که من اون موقع تازه داشتم با داروها آشنا می‌شدم و اصلا نسخه حاضر نمی‌کردم. خلاصه یکی از بچه‌ها اشتباه خودش، را به من نسبت داده بود ولی البته اشتباه قیمت‌ها کار من بود.

این موضوع با یک تذکر از جانب پرویز خان و کمی توضیح در رابطه با این که در چه قسمت حساس و مهمی دارم کار می‌کنم تمام شد. چند روز بعد پرویزخان صدایم زد جلوی میز و گفت که یکی از مشتری‌ها خمیردندان می‌خواهد، من به قفسه‌ای که خمیردندان‌ها چیده شده بود رفتم و مشغول ارایه سرویس به مشتری بودم که آقای... آمد و به من گفت که تو لازم نیست بیایی جلو برو اون پشت تو بلد نیستی.

من خیلی به این دو مورد و چند مورد جزئی مشابه، فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که توی هر جایی به خاطر حسادت و قانون اینرسی (مقاومت در برابر تغییر) این انتقادات طبیعی است و حالا برخورد من باید چه باشد؟ من چند راه داشتم ۱- دیگه به داروخانه نروم (فرار) ۲- بایستم و لااقل به خودم ثابت کنم که من لیاقتش را دارم ۳- موضوع برخوردها را با صاحب کارم در میان بگذارم و... خیلی



# رویای کمال و جاودانگی در تئاتر

ناهید احمدیان فر- هنرجوی تئاتر



شده است. در حالت‌هایی در شرایطی که کاملاً آرامش دارید سرزنده‌اید و نمی‌خواهید درباره نیک و بد هر امری قضاوت کنید به بهترین وجه حس می‌کنید و روان‌شناسان به این حالت خلاقیت می‌گویند. مهمترین گام در راه رسیدن به چنین شرایطی کم کردن تنش و کاستن از کوشش‌های زاید است تا این که چگونه آرامش خود را به دست آوریم. بازیگری در اغلب ما اضطراب ایجاد می‌کند و این امر می‌تواند لذت‌بخش و هم دردناک باشد. شاید بتوان گفت که تئاتر دشوارترین هنرها

درباره نمایش و تئاتر تاکنون مطالب زیادی نوشته شده است. بیشتر این نوشته‌ها سرشار از اندیشه‌های ظریف نظریات درخشان و یافته‌های روشنفکرانه است.

پیش از آن که سفر جدی و مشتاقانه به دنیای بازیگری آغاز کنید به خصوصیتی فکر کنید که همه چیز را برایتان ممکن می‌سازد، مثل انضباط! شما پیشاپیش بازیگرید هر بار که در یک موقعیت جمعی خود را به دیگران می‌شناسانید یا برای دست یافتن به هدف موردنظران، خود را با شرایط تطبیق می‌دهید، به اجرای نقش می‌پردازید. اما به عنوان یک هنر، لازمه‌اش این است که این توانایی شما تشدید و پالایش شود. اگر قصد دارید در تئاتر واقعی کار کنید شغلی بسیار ارزشمند را که در این زمان به انحطاط‌هایی رسیده است انتخاب کرده‌اید. این که ما زاده شده‌ایم که بمیریم، این که نهایت کوشش خود را می‌کنیم و شکست می‌خوریم که چرا در این مکان و زمان قرار گرفته‌ایم و این که در میان این سردرگمی‌ها، به عشق ورزیدن به دیگران و عشق ورزیده شدن به خود نیاز داریم اما از آن می‌ترسیم که به گفته استانیسلاوسکی هنرمند بزرگ تئاتر نیازها، اهداف و آرزوهای شخصی، سبب شود که عملی را که رویداد، می‌نامند در جهت برآوردن خواسته موردنظر که آن را هدف می‌نامند رها کنیم. تئاتر رازی است بزرگ که دو پدیده سرمدی به طرز شگفت‌انگیزی در آن آمیخته‌اند، رویای کمال و رویای جاودانگی. انسان‌ها برای این که نیت‌شان در بازیگری آشکار باشد نیاز به احساسی واقعی، بدنی متوازن و تنظیم شده دارند. سه عنصر باید در هماهنگی کامل باشد «اندیشه، احساس، بدن» هنرمند واقعی کسی است که حاضر است هر فداکاری را بکند تا به یک لحظه خلاقیت دست یابد. حتی اگر بازیگری را به عنوان حرفه خود انتخاب نکنید آموختن می‌تواند از طریق مختلف به رشد شخصیت شما کمک کند. برای بسیاری از بازیگران، بازیگری نیازهایی بسیار عمیق‌تر از شهرت طلبی یا موقعیت مالی را ارضا می‌کند. دلیل شما برای این کار هرچه باشد انگیزه این سفر امکان اکتشاف و وسعت بخشیدن به خویشتن را برایتان ایجاد می‌کند. انضباط پذیرش مسوولیت شخصی برای پیشرفت خود از طریق کوششی منظم و حساب



شماره ۲۱ و ۲۲ - تابستان و پاییز ۸۵



خویش، پر کردن خلاهای خویش، برای تکمیل خویش؟ این فرایندی در یک پرده ثابت نیست بلکه فرایندی است که طی آن آنچه در ما تیره و کدر است شفاف شود. (گروتوفسکی).

هنرجو بایستی حافظه خود را پرورش و گسترش دهد زیرا این امر برای تمامی لحظات خلق و به ویژه برای لحظه‌های اوج بسیار ضروری است.

و در خاتمه: هرچه ایمان کسی به ذهن و روح خوش بیشتر باشد دستاوردهایش هم بیتر خواهد بود. آدمی بدون ایمان به قابلیت‌هایش هیچ است.

### آلبرت انیشتن

گزارش کلامی تئاتر که پس از سال‌ها برای اولین بار در مجتمع نیکوکاری رعد (مرکز) ایجاد و برقرار شد.

روز پنج شنبه ۸۴/۴/۹ ساعت ۸/۵ صبح کلاس تشکیل شد با حضور ۳۳ نفر جمع حاضر به سرپرستی استاد ارجمند آقای هادی سروری.

من اصلا انگیزه حضور در کلاس نداشتم. آن روز در واقع کلاس قبلی من تشکیل نشد و نخواستم که در مجتمع سرگردان شوم و روزم به بطالت سپری شود. با هماهنگی دفتر آموزش به صورت مهمان در کلاس تئاتر شرکت کردم. اصلا قصد عضویت نداشتم. در میان بقیه‌ها نشستم و به توصیه استاد من هم در بحث روز اول شرکت کردم. برایم جالب بود. زمان پایان کلاس ایشان گفتند که من اسم شما را در لیست نوشتم. زیاد خوشحال نشدم، اما مخالفت هم نکردم. نمی‌دانم چرا؟ بدین ترتیب من هنرجوی تئاتر شدم و با گذراندن ۴ ترم متوالی وارد یک ترم نسبتاً سخت و حرفه‌ای شدیم. از میان آن جمع ۳۳ نفری ۵ نفر پذیرفته شدیم. با این مقدار کم، فشار کاری به مراتب بیشتر و کار سخت‌تر، اما لذت بخش بود. تجربه این کلاس برایم شیرین است و درک مفاهیم برایم لذت بخش. من و فرهاد پیرمحمدی، محمدرضا دانشی، محمد موذنی و الهه شهبازپور همکاری خوبی را داریم و در کنار هم لحظه‌های فراموش نشدنی و خاطره انگیز را تجربه می‌کنیم. تاکنون سه اجرا در سالن آمفی تئاتر مجتمع داشته‌ایم، در تاریخ‌های چهارشنبه ۳ مرداد ماه ۸۵ ساعت ۱۵ لغایت ۱۶ و پنجشنبه ۴ مرداد ماه ۸۵ ساعت ۱۸ لغایت ۱۹ و شنبه ۱ مهرماه ۸۵ ساعت ۱۹ لغایت ۲۰.

امید است که در آینده نزدیک موفقیت این گروه کوچک تبدیل به گام‌های بلند شود.

است زیرا سه پیوند هم‌زمان در کمال هماهنگی برقرار می‌شود پیوند میان بازیگر و زندگی درونی‌اش و بازیگر و بازیگران دیگر و بازیگر و تماشاگر. دلایل اجرای یک نمایشنامه معمولا مبهم است در توجیه می‌توان گفت این نمایش اجرا شده، چون مورد پسند باورها و ارزش‌های فرهنگیان است. موضوع اصلی این است که آیا مضمون نمایشنامه می‌تواند دلمشغولی یا نیاز اساسی تماشاگر بپردازد؟ در واقع شاید هزاران توجیه فرعی امکان پذیر باشد. روش نخست جست‌وجوی زیبایی است که بیشتر تئاتر شرق بر همین پایه است. باید بازیگر میان تخیل خود و تخیل تماشاگر ارتباط برقرار می‌سازد. هنر تئاتر سه عنصر دارد تکنیک، زیبایی، پیام، و علم و هنر راه میان بر ندارد.



در تئاتر فهمیدن یعنی عمل کردن. تئاتر هنر بیان در فضا است و بازیگر هنگامی به جوهر کمال حرفه‌ای خود می‌رسد که صمیمانه متعهد شود خود را فاش کند، برملا سازد و وقف حرکت، حرکات و سکناات پرابهت خویش سازد و در برابر هیچ مانعی که ناشی از عادات و طرز رفتار است جا نزند و واپس ننشیند (پیتر بروک).

به راستی چرا ما در پی هنر هستیم، برای عبور از مرزهای





## واگویه

مرا با این وفایت کرده حیرانم  
 که گویی با توام یار وفا دارم  
 شفا دادی به من یار وفا دارم  
 فرو بستم چشمم را ماند تنها سیل اشکانم  
 چرا این گونه غمگینی پسر جانم؟  
 ندانی من چرا این گونه غمگین و پریشانم؟  
 چگونه بی من و تنها نمی دانم  
 که دل را از غم هجرش رها دارم  
 تو گویی بر لبم زهر است، نمی دانم  
 گمان دارم که کر باشند که نشنیدند فریادم  
 که من را پر ثمر خواهند ولی من بی بر و بارم  
 مجید ملکی

وفاداری به من ای یار زیباییام  
 تو را دارم به هر لحظه به افکارم  
 تو بودی مرهم این قلب بیمارم  
 همان روزی که بگذشتی به چشمانم  
 ستاره دید و پرسید از حالم  
 به آن شب تاب تابان من ندا دادم  
 به هجران رفته آن یار وفا دارم  
 همه روز و همه شب در تب و تابم  
 گذشت بر من چه روزها به تلخ کامم  
 نشنیدند این قوم همه آه و همه نالم  
 ببریدند اصلم را که حالا بی بر و بارم